



شورای عالی حوزه علمیه قم  
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران

مدرسه‌ی علمیه الزهرا (سلام الله علیها)  
شهرستان ارومیه

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان:

# بررسی علل عدم پذیرش اجتماعی ازدواج موقت با وجود تایید در قرآن و سنت

استاد راهنما:

سرکار خانم الناز جهان پور

استاد داور:

حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای غلامرضا اسم حسینی

پژوهشگر:

آرزو قربانی

تابستان ۱۳۹۲

رسالة



شورای عالی حوزه علمیه قم  
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

مدرسه‌ی علمیه الزهرا (سلام الله علیها)  
شهرستان ارومیه

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان -

# بررسی علل عدم پذیرش اجتماعی ازدواج موقت با وجود تایید در قرآن و سنت

استاد راهنما:

سرکار خانم الناز جهان پور

استاد داور:

حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای غلامرضا اسم حسینی

پژوهشگر:

آرزو قربانی

تابستان ۱۳۹۲

پیوست شماره ۱۷

بسمه تعالی

تحقیق پایانی با موضوع: بررسی علل عدم پذیرش اجتماعی ازدواج موقت با وجود تایید در

قرآن و سنت

که توسط سرکار خانم: آرزو قربانی

برای دریافت دانشنامه سطح دو (کارشناسی) تدوین شده است، توسط هیأت داوران مورد ارزیابی قرار

گرفته و در تاریخ / ۱۳۹۲، با کسب رتبه ..... پذیرفته شده است.

استاد راهنما: سرکار خانم الناز جهان پور

استاد داور: حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای غلامرضا اسم حسینی

مدرسه علمیه: الزهرا (سلام الله علیها)

شهرستان: ارومیه

امضاء مدیر و مهر مدرسه

## تحمیدیه

سپاس فراوان و حمد بی کران بر پیشگاه با عظمت خداوند منان و آفریدگار حکیم و توانایی سزاوار است که جهان پهناور هستی را با علم و مشیت خود از عدم به وجود آورد؛ تا جود و احسان خویش را به همه‌ی مخلوقاتش، به ویژه انسان‌ها نشان دهد و درود فراوان به روان پاک کاروان سالاران قافله‌ی وجود، یعنی فرستادگان خداوند و جانشینان آنان باد که بدون ترس، از قتل، تهدید و اهانت، با تحمل رنج فراوان و مشقات بی شمار، رسالت آسمانی خود را در میان جوامع کفر و گمراه بشری به وسیله‌ی ابلاغ احکام و قوانین الهی که تضمین کننده‌ی سعادت دنیوی و اخروی انسان‌هاست، ادا کردند و گمراهان وادی جهل و ضلالت را، به راه روشن رستگاری هدایت نمودند.

## تقدیم و اهداء

تقدیم به:

سیده زینب، کریمه و عالمه اهل بیت (علیه السلام)

عزیزی که

معرفت، دینداری، دفاع از امام زمان (علیه السلام)

حیا، عفت، صبر، ایثار، پاکی و همه صفات عالی

انسانی را برای بانوان عالم تا قیامت معنا کرد

و اسوه شد.

«مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»

### تقدیر و تشکر از:

با سپاس و تشکر از مدیر بزرگوارم سرکار خانم پور حیدر و استاد گرامیم

سرکار خانم جهان پور که زحمات زیادی را تقبل فرمودند.

و همچنین از پدر و مادر عزیزم و همسر مهربانم و فرزندانم عزیزم و دوستانم که در

این امر مرا یاری فرمودند.

## چکیده

خداوند زمانی که انسان را آفرید در وجود او غرایز مختلفی قرار داد، از جمله این غرایز، غریزه جنسی می‌باشد و در شرع مقدس اسلام راه مشروع مهار کردن این غریزه به سه طریق برای انسان قرارداده شده است که امروزه از دو روش آن که عبارتند از: ازدواج دائم و موقت، تا انسان‌ها به این نیاز خود از این طریق پاسخ دهند و نکاح رابطه‌ای است حقوقی - عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه حق تمتع جنسی است. هم از نظر فقهی و هم از نظر قانون مدنی ایران، نکاح منقطع مشمول عنوان کلی نکاح است. نکاح در حقوق ایران بر دو قسم است. نکاح دائم و نکاح منقطع که هر یک از نکاح دائم و منقطع دارای وضعیت حقوقی مختلف و شرایط و احکام متفاوت است و به وسیله اسباب مختص به خود منحل می‌گردد. اگرچه در موانع نکاح با یکدیگر مشترک می‌باشند. ازدواج موقت دارای احکام و ارکان فقهی و حقوقی مختص به خود می‌باشد. اما با این وجود نکاح منقطع در عمل کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و به تدریج از اهمیت آن در جامعه ما کاسته شده است. قانون مدنی در این باب از فقه امامیه پیروی کرده است و در فقه عامه آن را معتبر نمی‌شناسند. فقهای امامیه برای صحت این نکاح به آیه قرآن به ویژه آیه ۲۴ از سوره نساء و نیز روایات و اخبار و عقل و اجماع علمای مذهب استناد می‌کنند. نکاح منقطع از لحاظ امکان پیش بینی شرایط، آزادی بیشتری وجود دارد.

بنابراین با توجه به دشواری‌های اقتصادی که در راه تشکیل خانواده و انجام ازدواج دائم همیشه وجود داشته و به خصوص در زمان ما بیشتر شده است، نباید تحت تأثیر تبلیغات نادرست فرهنگ‌های بیگانه، نکاح منقطع را محکوم ساخت و یا آن را به عنوان نهادی شرم آور تلقی نمود، بلکه بایستی از طریق یک مقایسه دقیق میان آثار شوم بی‌بندوباری‌های اخلاقی در جهان کنونی، آثار اجتماعی این گونه ازدواج که سنت توصیه شده اسلامی است، برای افرادی که قادر به ازدواج دائم نیستند، مورد ارزیابی و بررسی عمیق قرار گیرد. اما مخالفان، (اهل سنت) از طریق کتاب، سنت، اجماع و قول خلیفه ثانی آن را نسخ شده می‌دانند اما فقهای ما جواب قانع کننده‌ای در مورد هر یک از آن‌ها داده‌اند. اما علت روی نیاوردن شیعیان به ازدواج موقت اختلاف نظر و رأی فقهی اهل بیت (علیه السلام) در ازدواج موقت با دیگر مذاهب اسلامی موجب شد که مورد استقبال مسلمانان که پیرو مذاهب اهل بیت بودند قرار نگیرد، تردیدی نیست که شیعیان در پای بندی و اعتقاد قلبی نسبت به مشروعیت ازدواج موقت دغدغه خاطری نداشته و ندارند بلکه به عنوان یک عمل تقریباً ناپسند که تحریم عرفی دارد و سبب فردستی و کاهش جایگاه اجتماعی می‌شود با آن برخورد شده است و در بین شیعیان هم



ایرادهایی در مورد ازدواج موقت گرفته شده است که برای آنها هم جواب قانع کننده‌ای داده شده است از جمله این که ازدواج موقت فرقی با بی بند و باری و هرج و مرج جنسی ندارد و ... و در جواب گفته شده است ازدواج موقت با شرایطی از جمله مثل مهریه، تعیین مدت و لزوم نگهداری عده و ... فرق چندانی با ازدواج دائم ندارد اما به هیچ وجه قابل مقایسه با بی بند و باری نیست و ... اما برای از بین بردن بدبینی نسبت به این نهاد مقدس در جامعه باید، با تبلیغات درست و فرهنگسازی بین مردم و همکاری دولت و مجلس برای ایجاد قوانین محکم و کارساز در این مورد بدبینی به امید خدا در جامعه از بین برود و مورد استفاده کسانی که قادر به ازدواج دائم نیستند قرار گیرد تا جامعه به فساد و فحشا نیفتد.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....

### بخش اول: کلیات

#### فصل اول: طرح نامه

۳	تعریف و تبیین موضوع.....
۴	اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۴	اهداف و فواید تحقیق.....
۴	پیشینه‌ی موضوع تحقیق.....
۷	سوالات تحقیق.....
۷	فرضیه‌ی تحقیق.....
۷	روش تحقیق.....
۸	ساختار تحقیق.....
۱۰	واژگان کلیدی تحقیق.....
۱۱	محدودیت‌ها، مشکلات و موانع تحقیق.....

#### فصل دوم: مفاهیم

۱۲	۱- تعریف ازدواج موقت.....
۱۲	الف) تعریف نکاح.....
۱۲	ب) انواع نکاح در اسلام.....
۱۳	ج) تعریف لغوی و اصطلاحی ازدواج موقت.....
۱۴	د) احکام ازدواج موقت.....
۱۶	ه) ارکان ازدواج موقت.....

- ۲- بررسی ادله ازدواج موقت در فقه شیعه..... ۱۹
- الف) کتاب..... ۱۹
- قرینه اول: استمتاع عبارت است از متعه کردن..... ۲۱
- قرینه دوم: حمل آیه بر غیر از عقد متعه، مستلزم تکرار است..... ۲۳
- قرینه سوم: دو جمله قبل از جمله محل بحث..... ۲۴
- قرینه چهارم: تفسیر آیه به ازدواج موقت و حلال بودن آن توسط صحابه..... ۲۵
- قرینه پنجم: اتفاق ائمه اهل بیت (علیه السلام) بر نزول آیه در مورد ازدواج موقت..... ۲۷
- ب) سنت..... ۲۸
- ج) عقل..... ۳۰
- د) اجماع..... ۳۱
- ۳- وجه تشابه و تفاوت ازدواج موقت با عقد دائم و زنا..... ۳۳
- الف) وجه تشابه..... ۳۳
- ب) وجه تفاوت عقد دائم و موقت..... ۳۴
- ج) وجه تفاوت عقد موقت با زنا..... ۳۵
- ۴- ازدواج موقت و نسخ آن..... ۳۸
- ۱-۴-۱- نسخ در قرآن..... ۳۸
- ۱-۴-۱-۱- نسخ توسط آیه ازدواج..... ۳۸
- ۱-۴-۲-۱- نسخ توسط آیه ارث..... ۴۰
- ۱-۴-۳-۱- نسخ توسط آیه طلاق..... ۴۱
- ۱-۴-۴-۱- نسخ توسط آیه عده..... ۴۳
- ۲-۴-۲- نسخ با سنت..... ۴۴

- ۴۹-۳- نسخ در اجماع.....
- ۵۲-۴- نسخ به قول خلیفه ثانی.....
- ۵۳- قول اول: قول عمر بن خطاب.....
- ۵۵- قول دوم: تحریم متعه به جهت عدم اشهاد بوده است.....
- ۵۶- قول سوم: نهی عمر بن خطاب از باب اجتهاد و رأی محض بوده است.....
- ۵۷- قول چهارم: نهی عمر به مقتضای زمان بوده است.....

### بخش دوم: بررسی دیدگاه اجتماعی و حقوقی ازدواج موقت

#### فصل اول: ازدواج موقت از دیدگاه اجتماعی

- ۵۹- الف) ضرورت اجتماعی ازدواج موقت.....
- ۷۰- ب) آثار اجتماعی ازدواج موقت.....
- ۷۲- ج) علل عدم پذیرش عمومی ازدواج موقت از سوی جامعه (اجتماع).....
- ۷۴- ۱- روی نیاوردن شیعیان به ازدواج موقت.....
- ۷۷- ۲- ارزیابی روند گذشته و نظر موافقان نسبت به این روند و پاسخ به آنها.....
- ۸۱- ۳- نظر مخالفان روند گذشته.....
- ۹۱- ۴- اهم راهکارهای پیشنهادی در مورد ازدواج موقت در جامعه.....

#### فصل دوم: ازدواج موقت از دیدگاه حقوقی

- ۹۵- ۱- ازدواج موقت از منظر قانون.....
- ۹۹- ۲- مشکلات قانونی ازدواج موقت.....
- ۱۰۴- نتیجه گیری.....
- ۱۰۶- فهرست منابع.....

## مقدمه

خانواده در هر عرصه‌ای از زمان به قدری از اهمیت برخوردار بوده که هیچ یک از مکتب‌های سیاسی، اجتماعی و فلسفی از آن بی نیاز نبوده؛ به طوری که خانواده و حقوق مربوط به آن همواره بخش قابل توجهی از مشغله‌های فکری انسان را تشکیل می‌داده است. نهاد خانواده جزء بنیادی‌ترین بخش‌ها در ساختار و سنگ بنای جامعه اسلامی است. تأکید بسیار آیات قرآن کریم و روایات اسلامی بر اهمیت و والایی خانواده به مثابه خاستگاه آرامش، امنیت و همبستگی انسانی می‌باشد.

ازدواج موقت هم یکی از همین نهاد خانواده محسوب می‌شود چرا که ازدواج بر دو نوع می‌باشد: ۱- دائم ۲- موقت. نکاح منقطع که در اصطلاح فقهی «متعّه» و در عرف «ازدواج موقت» یا «صیغه» نامیده می‌شود. از جمله مواردی که فقط در فقه شیعه پذیرفته شده است و در مواقع ضروری به کار می‌بندند با این وجود بعضی از شیعیان نگاه منفی به این مهم دارند. در حالی که ازدواج موقت در اصلاح فرآیند حیات عمومی جامعه جایگاه ویژه‌ای می‌تواند داشته باشد.

ازدواج موقت با این که در آغاز به منظور شکل بخشیدن به روابط مشروع سالم جنسی زن و مرد و حفظ و صیانت جامعه از فحشا و حل معضلات جنسی جوانان تشریح گردیده بود، بعدها بهانه سوء استفاده عده‌ای شهوت ران و عیاش شد و آن را وسیله‌ای برای مشروع جلوه دادن هوسرانی‌های خود ساخته و این تمهید حقوقی را برخلاف مبانی و مصالح اخلاقی و اجتماعی آن به کار برده‌اند.

امروزه برخی صاحب نظران، نکاح منقطع را به عنوان راه حلی برای محرومیت جنسی ناشی از فاصله طولانی بلوغ تا ازدواج دائم می‌دانند و معتقدند می‌توان با ترویج نکاح منقطع راه حلی مناسب پیش پای جوانان گذاشت.

ازدواج موقت قالب محدود کننده‌ای است که شرع مقدس اسلام برای حل مشکلات جنسی جامعه منظور داشته است. این گونه ازدواج در درجه اول زن را محدود می‌کند که در یک زمان، زوجه دو نفر نباشد و خواه ناخواه محدود شدن زن مستلزم محدود شدن مرد نیز خواهد بود. وقتی هر زنی به مرد معینی اختصاص پیدا کند قهراً هر مردی به زن معین اختصاص پیدا خواهد کرد.

بایستی، در عصر حاضر که مردان بسیاری در راه تشکیل خانواده با انبوه مشکلات اقتصادی و اجتماعی مواجه‌اند و قادر به تشکیل خانواده از طریق ازدواج دائم نمی‌باشند، غبار تحریف را از چهره ازدواج موقت برداشته دوباره از این سنت، وسیله‌ای برای مبارزه با فحشا و منکرات و حل مسائل جنسی جامعه قدم برداشته و سعی در گسترش ازدواج موقت فراهم نماید.

ازدواج موقت با همه موانع و مخالفت‌های تاریخی و اجتماعی راهی است به سوی پاکیزه سازی جامعه از انحرافات جنسی، که با بررسی علل نگرش منفی به ازدواج موقت می‌توان گامی مؤثر در اجرای صحیح احکام الهی نمود و همچنین راهی است برای این که محققان دیگر به ارائه راهکارهایی در این خصوص بپردازند.

**بخش اول:**

**کلیات**

**فصل اول:**

**طرح نامه**



## تعریف و تبیین موضوع

ازدواج موقت که به متعه و صیغه نیز شهرت دارد از قوانین درخشان و کارساز اسلام است این نوع ازدواج در کنار عقد دائم قرار می‌گیرد و نقاط اشتراک و اختلافاتی با هم دارند که شیعیان آن را حفظ کرده‌اند و در مواقع ضروری به کار می‌بندند. با وجود این بعضی از شیعیان در جامعه آن را به کار نمی‌برند و نگاهی معترضانه به آن دارند که بر اثر سوء استفاده از مسیر اولیه خود منحرف شده و مورد طرد جامعه قرار گرفته است. نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد. این قانون به منظور شکل بخشیدن به روابط آزاد زن و مرد و جلوگیری از روابط نامشروع و حفظ و صیانت جامعه از فحشا جعل گردیده است. در نکاح منقطع زن و مرد تصمیم می‌گیرند به طور موقت با هم ازدواج کنند پس از پایان مدت اگر مایل به ادامه آن بودند تجدید می‌کنند وگرنه با اتمام مدت و یا بخشیدن مدت باقی مانده از طرف زوج جدا می‌شوند این گونه ازدواج یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با اشاعه فحشا در جامعه اسلامی است تا زن و مرد بتوانند بطور موقت از همدیگر بهره جسته و مرتکب گناه نشوند با این وجود در جامعه نگرشی منفی نسبت به ازدواج موقت وجود دارد بنابراین سعی در تبیین علل عدم پذیرش اجتماعی ازدواج موقت دارم.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

همه ما به شرعی بودن ازدواج موقت واقف هستیم ولی همیشه در جامعه با دیدی منفی به آن می‌نگریم غافل از این که شاید عامل اصلی مبارزه با اشاعه فحشا و جلوگیری از فساد در جامعه باشد و برای سالم سازی جامعه به آن نیازمند باشیم. این نوع پیوند مفید و راهگشا با همه موانع و مخالفت‌های تاریخی و اجتماعی آن از نوع سیاسی گرفته تا فمسنسیتی هم چنان راهی است به سوی پاکیزه سازی جامعه از ناهنجاریهای مدنی. این دعوی هم مؤید تجربه‌های جامعه شناختی است و هم پشتوانه‌هایی در متون و اندیشه‌های دینی دارد. با بررسی علل نگرش منفی به ازدواج موقت می‌توان گامی مؤثر در اجرای صحیح احکام الهی نمود.

## اهداف و فوائد تحقیق

هدف: با بررسی علل و عوامل عدم پذیرش اجتماعی ازدواج موقت، می‌توان گامی بزرگ در ایجاد زمینه پذیرش اجتماعی آن برداشت همچنین این تحقیق راهی است برای این که محققان دیگر به ارائه راهکارها در این خصوص بپردازند.

فایده: این که با بررسی علل رویگردانی از ازدواج موقت هر چند فحشا و فساد به طور قطعی ولی به طور چشمگیری کاهش می‌یابد.

## پیشینه موضوع تحقیق

پیشینه تاریخی: طبق آیه ۲۴ سوره نساء ازدواج موقت از زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) رواج داشت و آیه صریح قرآن دلالت بر شرعی بودن آن است ولی پس از پیامبر (صلی الله علیه

و آله) عمر رسماً آن را حرام اعلام کرد و این بدعت در میان اهل تسنن رایج شد و تا کنون هم ادامه دارد در حالی که شیعیان با وجود اعتقاد به متعه آن را مورد بی توجهی قرار داده‌اند.

پیشینه موضوعی: در این رابطه به معرفی سه کتاب می‌پردازم. اول: کتابی بنام ازدواج موقت از دیدگاه حقوقی و اجتماعی و فقه اهل سنت نوشته محمد ولوجردی که در تابستان ۱۳۷۱ نوشته شده است که دارای سه بخش می‌باشد که به تعریف متعه و ادله منکرین اباحه اولیه و قائلین به وجود آیه متعه در قرآن و نسخ آن و ادله امامیه و از نگاه حقوقی و ضرورت اجتماعی مورد بحث قرار داده است. در کتاب مذکور از جنبه اجتماعی نگاهی اجمالی به این موضوع شده که با توجه به اهمیت این مسئله نیازمند بررسی تفصیلی می‌باشد.

دوم: کتابی بنام ازدواج موقت در اسلام تألیف سیدمرتضی عسگری که سال ۱۳۷۷ نوشته شده است که شامل ۱۱ زیر فصل است که عبارتند از متعه نساء در مصادر کتب خلفا و در فقه شیعه، قرآن و سنت، علت نهی عمر در اواخر خلافت خود و بعد از عمر و کسانی که بعد از تحریم عمر بر ازدواج موقت باقی ماندند و پیروان عمر در تحریم ازدواج موقت و بروز اختلافات و تغییر موضع پیروان کتب خلفا در دوره‌های بعد و اشکالات احادیث و نسخ آن را مورد بحث قرار داده است در این کتاب اصلاً به بعد اجتماعی ازدواج موقت اشاره نشده است که بنده می‌خواهم بعد اجتماعی ازدواج موقت را بررسی نمایم.

سوم: کتابی به نام شرح و ترجمه دروس تمهیدیه فی فقه الاستدلالی جلد ۳ نوشته حسن بیت جادر می‌باشد که به مواردی هم چون نکاح و طلاق و کتاب یمین عهد و نذر و کتاب وصیت را مورد بحث قرار داده است که در بخش نکاح به بررسی ازدواج موقت پرداخته است، در این کتاب به بحث عدم پذیرش اجتماعی ازدواج موقت اشاره‌ای نشده است که می‌خواهم بررسی نمایم. مقاله‌ای به نام جایگاه نکاح منقطع در فقه شیعه و امکان ترویج و موانع ترویج آن در جامعه ایرانی نوشته شیوا کریمی که تاریخ تصویب آن در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۲۰ می‌باشد که به

مواردی هم چون تعریف نکاح و انواع آن در اسلام و مفهوم شناسی نکاح منقطع، شرایط، ارکان متعه و متعه از نظر قرآن، تفسیر علامه طباطبایی از آیه متعه، اختلاف شیعه و سنی در آیه و روایات متعه از دیدگاه اخبار و احادیث شیعه و اجماع علما در خصوص متعه و بالاخره بررسی حقوقی در قانون مدنی ایران و امکان و موانع آن در جامعه ایرانی پرداخته است. در این مقاله به طور اجمالی به بحث علل عدم پذیرش اجتماعی ازدواج موقت پرداخته است که می‌خواهم به طور تفصیلی علل عدم پذیرش اجتماعی را بررسی نمایم. و مقاله دیگری بنام ازدواج موقت در کتاب و سنت نوشته جعفر سبحانی که به مواردی هم چون آرای فقها و تعریف و احکام متعه و ازدواج موقت در صدر اسلام و قرآن و تفاسیر غیرروایی و حل چند شبهه را بررسی کرده است، در این مقاله اصلاً به بحث علل عدم پذیرش اجتماعی اشاره نشده است که بنده می‌خواهم به طور تفصیلی موارد و علل عدم پذیرش اجتماعی ازدواج موقت در اجتماع را مورد بررسی قرار دهم. پایان نامه‌ای بنام ازدواج موقت در آیات و روایات نوشته سمانه سرپرست در پاییز ۱۳۸۸ که استاد داور خانم نیکو برش می‌باشد را مورد بررسی قرار دادم که دارای سه فصل می‌باشد که فصل اول شامل طرح و کلیات می‌باشد و دیگر فصلها به مواردی هم چون اهمیت و اهداف نکاح و مفهوم بلوغ را از دیدگاه‌های مختلف بررسی کرده، ازدواج موقت از دیدگاه اسلام و قرآن، ارکان و احکام نکاح و موارد اختلاف ازدواج موقت با نکاح دائم و جایگاه ازدواج موقت در حقوق ایران را مورد بررسی قرار داده است، اما در خصوص نگرش منفی اجتماع به امر ازدواج موقت و علل عدم پذیرش اجتماعی به این امر یا به مطلبی اشاره نکرده است و یا اگر کرده است خیلی مختصر بوده است که بنده می‌خواهم آنرا به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار دهم.

## سوالات تحقیق

سوال اصلی: علل عدم پذیرش اجتماعی ازدواج موقت با وجود تایید در قرآن و سنت را بررسی کنید؟

سوالات فرعی:

- ۱- دیدگاه قرآن و سنت در خصوص ازدواج موقت چیست؟
- ۲- تأثیر دیدگاه خانواده در پذیرش و عدم پذیرش ازدواج موقت چیست؟
- ۳- تأثیر سوء استفاده گری مردان از ازدواج موقت در میزان پذیرش ازدواج موقت چیست؟

## فرضیه‌ی تحقیق

علت اصلی رویگردانی از ازدواج موقت سوء استفاده کردن مردان از این امر است.

## روش تحقیق

روش کتابخانه‌ای: تحقیقی است که از طریق بررسی اسناد و مدارک و منابع و متون به دنبال دستیابی به هدف خود است.

روش توصیفی: تحقیقی است که فقط در سطح توصیف و تبیین موضوع انجام می‌شود.

روش بنیادی: تحقیقی است که به قصد کشف حقایق بیشتر انجام می‌شود.

در این تحقیق، از انواع شیوه‌های تحقیق که کتابخانه‌ای، توصیفی و بنیادی است و بیشتر از

روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. به شیوه‌ی نقل مطالب از کتب که در بعضی از موارد همراه

با تحلیل مختصری است. البته ناگفته نماند در نقل مطالب گاهی از شیوه‌ی خلاصه نویسی یا گزینش مطالب مهم استفاده شده است.

## ساختار تحقیق

بخش اول: کلیات؛

فصل اول: طرحنامه

فصل دوم: مفاهیم

۱- تعریف ازدواج موقت

الف) تعریف نکاح

ب) انواع نکاح در اسلام

ج) تعریف لغوی و اصطلاحی ازدواج موقت

د) احکام ازدواج موقت

ه) ارکان ازدواج موقت

۲- بررسی ادله ازدواج موقت در فقه شیعه

الف) کتاب

قرینه اول: استمتاع عبارت است از متعه کردن

قرینه دوم: حمل آیه بر غیر از عقد متعه، مستلزم تکرار است.

قرینه سوم: دو جمله قبل از جمله محل بحث.

قرینه چهارم: تفسیر آیه به ازدواج موقت و حلال بودن آن توسط صحابه

قرینه پنجم: اتفاق ائمه اهل بیت (علیه السلام) بر نزول آیه در مورد ازدواج موقت

ب) سنت

ج) عقل

د) اجماع

۳- وجه تشابه و تفاوت ازدواج موقت با عقد دائم و زنا

الف) وجه تشابه

ب) وجه تفاوت عقد دائم و موقت

ج) وجه تفاوت عقد موقت با زنا

۴- ازدواج موقت و نسخ آن

۴-۱- نسخ در قرآن

۴-۱-۱- نسخ توسط آیه ازدواج

۴-۱-۲- نسخ توسط آیه ارث

۴-۱-۳- نسخ توسط آیه طلاق

۴-۱-۴- نسخ توسط آیه عده

۴-۲- نسخ با سنت

۴-۳- نسخ در اجماع

۴-۴- نسخ به قول خلیفه ثانی

قول اول: قول عمر بن خطاب

قول دوم: تحریم متعه به جهت عدم اشهاد بوده است.

قول سوم: نهی عمر بن خطاب از باب اجتهاد و رأی محض بوده است.

قول چهارم: نهی عمر به مقتضای زمان بوده است.

بخش دوم: بررسی دیدگاه اجتماعی و حقوقی ازدواج موقت

فصل اول: ازدواج موقت از دیدگاه اجتماعی

الف) ضرورت اجتماعی ازدواج موقت

ب) آثار اجتماعی ازدواج موقت

ج) علل عدم پذیرش عمومی ازدواج موقت از سوی جامعه (اجتماع)

۱- روی نیاوردن شیعیان به ازدواج موقت

۲- ارزیابی روند گذشته و نظر موافقان نسبت به این روند و پاسخ به آنها

۳- نظر مخالفان روند گذشته

۴- اهم راهکارهای پیشنهادی در مورد ازدواج موقت در جامعه

فصل دوم: ازدواج موقت از دیدگاه حقوقی

۱- ازدواج موقت از منظر قانون

۲- مشکلات قانونی ازدواج موقت

## واژگان کلیدی تحقیق

ازدواج موقت، سنت

**ازدواج موقت:** یا نکاح متعه عبارت است از نکاحی که برای مدت معینی واقع شده باشد و

در کتب فقهی هم از کلمه متعه و منقطع و موقت استفاده شده است. کسانی که کلمه «متعه»

را به کار برده‌اند نظر به هدف آن داشته‌اند که به طور عام مراد از این نوع نکاح بهره مندی

جنسی است و از همین رو بدان «متعه» گفته‌اند. کسانی که کلمه «منقطع» و یا «موقت» را به

کار برده‌اند نظر به قید «مدت» داشته‌اند و این که ذکر مدت شرط صحت نکاح مزبور است و از

همین رو آن را نکاح منقطع یا نکاح موقت نامیده‌اند.



سنت: در لغت به معنی طریق، روش و شریعت می‌باشد و در اصطلاح فقه قول و فعل تقریر پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) آن چه که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و صحابه بر آن عمل کرده باشند.

### **محدودیت‌ها، مشکلات و موانع تحقیق**

اینکه کتابهای متعددی در این زمینه بطور مفصل وجود ندارد و اکثر مواردی که در کتابها وجود دارد بیشتر تکراری می‌باشد.

**فصل دوم :**

**مفاهيم**

## ۱- تعریف ازدواج موقت

### الف) تعریف نکاح

تعریف جامع و مانع از نکاح، که هم نکاح دائم و هم نکاح منقطع را در بر می‌گیرد، عبارت است از: «رابطه‌ای است حقوقی-عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه حق تمتع جنسی است.» هم از نظر فقهی و هم از نظر قانون مدنی ایران، نکاح منقطع مشمول عنوان کلی نکاح است.<sup>۱</sup>

### ب) انواع نکاح در اسلام

شریعت اسلام، آخرین شریعت و پیامبرش خاتم پیامبران و کتابش آخرین کتاب آسمانی است، شخصیت انسان را در نظر گرفته و آن را به گونه‌ای که با دیگر امیال درونی انسان هماهنگ باشد اشباع کرده است. عنایت شریعت مقدس اسلام به ارضای این غریزه، به حدی است که ازدواج را سنتی الهی و روی گردانی از آن را، روی گردانی از شریعت به شمار آورده است. ازدواج در اسلام امری مقدس است و بر خلاف میل برخی از غرب‌زدگان جدید، چیزی بالاتر از مبادله کالا و مال می‌باشد. هر قدر انسان تمایل به زندگی مجردی داشته باشد زمانی

---

<sup>۱</sup>- شیوا، کریمی، «مقاله: جایگاه نکاح منقطع در فقه شیعه و امکان و موانع ترویج آن در جامعه ایرانی»، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۷، ص ۴.

نمی‌گذرد که در زندگیش احساس کمبودی می‌کند که با چیزی جز ازدواج، پر نمی‌شود. به دلیل همین اهمیت است که اسلام قوانین زیبایی را در تنظیم غریزه جنسی و سوق آن در جهتی صحیح وضع کرده تا هم این غریزه اشباع شود و هم ارضای این غریزه، متناسب با سایر امیال انسانی باشد و هم کرامت و شرافت او محفوظ ماند. اسلام در بسیاری از آیات قرآنی به انسان اجازه داده است تا به نیازهای جنسی اش به یکی از راههای زیر پاسخ دهد: ۱- ازدواج دائم، ۲. ازدواج موقت، ۳. بهره بردن از کنیزی که در اختیار انسان است. ولی امروزه به دو روش اول به این نیاز جنسی به طور شرعی پاسخ داده می‌شود.<sup>۱</sup>

### ج) تعریف لغوی و اصطلاحی ازدواج موقت

در کتب فقهی هم از کلمه «متعّه» و «منقطع» و «موقت» استفاده شده است. کسانی که کلمه «متعّه» را به کار برده‌اند نظر به هدف آن داشته‌اند که به طور عام مراد از این نوع نکاح بهره مندی جنسی است و از همین رو بدان «متعّه» گفته‌اند. کسانی که کلمه «منقطع» و یا «موقت» را به کار برده‌اند نظر به قید «مدت» داشته‌اند و این که ذکر مدت شرط صحت نکاح مزبور است و از همین رو آن را نکاح منقطع یا نکاح موقت نامیده‌اند. «متعّه» به ضم و کسر میم - در لغت به معنای «برخورداری»، «لذت»، «بهره مند شدن»، «تمتع»، «زاد و توشه اندک»، «طناب چاه» و ... به کار می‌رود و در اصطلاح نکاح «متعّه» عبارت است از: نکاحی که برای مدت معینی واقع شده باشد. «مُتَّعَةُ الْمَرْأَةِ» و «متعّه الطلاق» - آن چه که زن، بعد از طلاق از شوهر خود می‌گیرد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - جعفر، سبحانی، «مقاله: ازدواج موقت در کتاب و سنت» فقه اهل بیت، شماره ۴۸، ۱۳۸۵، ص ۲.

<sup>۲</sup> - محمد، ولوجردی، ازدواج موقت «نکاح متعه»، چاپ اول، ستاد منطقه ۲ کشوری، سازمان تبلیغات اسلامی، اول، تابستان ۱۳۷۱، ص ۶.

## د) احکام ازدواج موقت

احکام ازدواج موقت عبارت است از: توارث، نفقه، انحلال متعه، عده، طلاق، ظهار، لعان و ایلاء.<sup>۱</sup>

توارث و نفقه: زن و مرد در ازدواج موقت از نظر ارث و نفقه آزادی بیشتری دارند، یعنی زوجه موقت مستحق نفقه نبوده و بین آنها توارث ایجاد نمی‌شود، مگر این که شرط ارث و نفقه کرده باشند.<sup>۲</sup>

انحلال متعه: نکاح منقطع در موارد «فسخ» و «انقضاء مدت» و «بذل مدت» و «فوت» منحل می‌گردد.

الف) فسخ نکاح: ممکن است موقت بودن ازدواج موقت این توهم را ایجاد کند که نمی‌توان آن را فسخ کرد چرا که با تمام شدت مدت، نکاح خود به خود منحل می‌شود و یا شوهر هر زمان که بخواهد می‌تواند بقیه مدت را به زن ببخشد و به زناشویی خاتمه دهد، برای همین موجباتی که در ازدواج دائم حق فسخ می‌دهد اگر در ازدواج موقت یافت شود می‌توان آن را فسخ نمود.

ب) انقضاء مدت: با انقضاء مدت، نکاح متعه به خودی خود، خاتمه می‌یابد و زن و مرد از یکدیگر رهایی می‌یابند و اگر بخواهند دوباره به زوجیت خود ادامه دهند باید به واسطه انعقاد نکاح دائم یا منقطع ایجاد علقه زوجیت کنند.

ج) بذل مدت: زوج، هر زمان که بخواهد می‌تواند با بذل مدت باقی مانده، به رابطه زناشویی خاتمه دهد، که در این صورت نکاح منقطع منحل می‌گردد. «بذل» مدت هبه نیست تا اینکه محتاج به قبول زوجه باشد، بلکه ابراء و اسقاط حق محسوب شده و نیازی به قبول زن

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۶۸.

<sup>۲</sup> - عبدالکریم، بی‌آزار شیرازی، رساله نوین تحریر الوسیله، جلد ۳، مسائل خانواده، موسسه انجام کتاب، تابستان ۱۳۶۱، ص ۸۸.

نمی‌باشد. نکته دیگر آنکه، از آن جا که «بذل» مدت ایقاع است، از این رو باید «منجّز» باشد. یعنی نمی‌تواند مشروط به شرطی باشد.

د) فوت: فوت یکی از زوجین، خود به خود، به رابطه زوجیت زن و مرد خاتمه می‌دهد.<sup>۱</sup> عده: پس از پایان یا بخشیدن مدت ازدواج موقت چنانچه زن حیض می‌شود، در صورت آمیزش باید به اندازه دو نوبت حیض عده نگه دارد و چنان چه حیض نمی‌شود باید ۴۵ روز عده نگهدارد. چنان چه مدت ازدواج موقت بدون آمیزش جنسی پایان بپذیرد و یا مدت آن بخشیده شود، احتیاجی به نگه داشتن عده نیست.<sup>۲</sup>

زن آزاد متعه عده وفات نگه می‌دارد به مدت چهار ماه و ده روز و اگر کنیز باشد دو ماه و پنج روز و اگر آبستن باشد عده او بیشترین از دو مدت می‌باشد از عده وضع حمل و عده وفات، فرقی نمی‌کند آزاد باشد یا کنیز.

طلاق، ظهار، لعان و ایلاء: در ازدواج موقت، طلاق و ایلاء و ملاءنه وجود ندارد. مگر در قذف به زنا و جدایی بین زن و مرد با اتمام مدت و یا بخشیدن مدت باقی مانده حاصل می‌شود. در عقد منقطع ظهار واقع می‌شود.

در عقد منقطع بیرون ریختن منی در خارج رحم، اگرچه شرط نشده باشد جایز است. در عقد منقطع فرزند به مرد ملحق می‌شود. اگرچه منی را در بیرون رحم ریخته باشد و فرزند دارای تمامی حقوق فرزندان در عقد دائم است. جایز است شرط کردن آن چه که در عقد جایز است، مثل این که شرط شود در شب یا در روز یا یک بار، یا چند بار معین در زمان معین نزدیکی کند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۱۷۳ و ۱۷۴.

<sup>۲</sup> - عبدالکریم، بی‌آزار شیرازی، همان کتاب، ص ۹۱.

<sup>۳</sup> - علیرضا فیضی، و علی مهذب، ترجمه کتاب لمعه، جلد دوم، چاپ پنجم، موسسه انتشارات، آبان ۱۳۷۳، ص ۵۴.

## هـ) ارکان ازدواج موقت

ارکان ازدواج موقت شامل عقد، محل، مدت و مهر می‌باشد.<sup>۱</sup>

عقد: ازدواج موقت مانند ازدواج دائم است که احتیاج به عقدی که شامل پیشنهاد و پذیرش باشد دارد و تنها رضایت قلبی دو طرف و نگارش و اشاره داد و ستد کافی نیست. در عقد و پیمان ازدواج موقت ایجاب یا پیشنهاد ازدواج از سوی زن با لفظ *مَتَّعْتُ* یا *أَنْكَحْتُ* و یا زوجیت می‌باشد و قبول پذیرش مرد با هر لفظی که دلالت بر رضایت کند کافی است.<sup>۲</sup>

برای تمدید نکاح منقطع و یا تبدیل آن به نکاح دائم باید پس از پایان یافتن مدت، مجدداً صیغه عقد جاری شود و هرگاه قبل از اتمام مدت بر تبدیل یا تمدید نکاح موقت تصمیم گرفتند باید زوج مقدار باقی مانده از مدت را ببخشد و دوباره صیغه عقد اجرا شود ولی تمام شدن عده لازم نیست، اما نمی‌توانند بدون بخشش مدت باقی مانده مبادرت به تبدیل و یا تجدید نمایند. البته لازم به ذکر است که در صورتی که شخص دیگری غیر از زوج بخواهد با آن بانو ازدواج کند باید مدت عده نیز سپری گردد، ولی در مورد زوج چنین شرطی وجود ندارد. هرگاه در ضمن عقد مدت مثلاً یک ماه و یا دو سال معین شده باشد ولی ابتدای مدت تعیین نگردد، در این صورت آغاز مدت از همان زمان عقد محسوب خواهد شد و در این که آیا طرفین نکاح منقطع می‌توانند با توافق هم مدت معینی را لکن با فاصله مشخصی بعد از تاریخ عقد قرار دهند، مثلاً در نیمه ماه عقد را منعقد کنند و مدت آن را از اول ماه آینده تعیین کنند یا خیر؟ دو قول است که بعضی به جواز و بعضی به بطلان چنین عقدی نظر داده‌اند. ولی دلیل منطقی بر بطلان آن وجود ندارد، هر چند که از جهت احتیاط، نظر بر ترک آن می‌باشد.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - محمد ولوجردی، همان کتاب، ص ۱۵۸.

<sup>۲</sup> - عبدالکریم، بی آزار شیرازی، همان کتاب، ص ۹۱.

<sup>۳</sup> - سیدمصطفی محقق داماد، تحلیل فقهی خانواده، نشر علوم اسلامی، پاییز ۱۳۷۶، ص ۲۰۰.

در زناشویی چه دائم و چه موقت باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد و همچنین نوشتن به احتیاط واجب کافی نیست و صیغه عقد را یا خود زن و مرد می‌خوانند یا دیگری را وکیل می‌کنند که از طرف آنان بخواند.

صیغه کردن زن اگرچه برای لذت بردن هم نباشد، صحیح است ولی نمی‌شود زن شرط کند که مرد از او هیچ لذت جنسی نبرد. احتیاط واجب آن است که شوهر بیش از چهار ماه با متعه خود اگر جوان باشد نزدیکی را ترک نکند. زنی که صیغه می‌شود، اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط او صحیح است و شوهر فقط می‌تواند لذت‌های دیگر از او ببرد، ولی اگر بعداً به نزدیکی راضی شود، شوهر می‌تواند با او آمیزش کند و همچنین این حکم در عقد دائم هم می‌باشد. اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیردائم را بخوانند بعد از آن که مدت و مهر را معین کردند باید زن بگوید: «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» بعد بدون فاصله قابل توجهی مرد بگوید: «قَبِلْتُ». اگر دیگری را وکیل کنند، اول وکیل زن به وکیل مرد می‌گوید: «زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» پس بدون فاصله قابل توجهی وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ لِمُوَكَّلِي هَكَذَا»<sup>۱</sup>

محل: در نکاح متعه، مرد مسلمان می‌تواند با زن اهل کتاب مانند یهودی و مسیحی ازدواج موقت نماید.<sup>۲</sup>

از نظر فقهای امامیه و همچنین علماء اهل تسنن ازدواج مرد مسلمان با زن کافر، غیرکتابیه، چه به صورت دائم و چه منقطع، جایز نمی‌باشد. اما درباره ازدواج با کافر کتابیه، میان فقها اختلاف است، برخی هم چون سیدمرتضی علم الهدی آن را مطلقاً حرام می‌دانند، و برخی دیگر

<sup>۱</sup> - حجت، موسوی خوئی، احکام ازدواج (دائم و موقت)، انتشارات دارالنور، زمستان ۱۳۸۵، ص ۹۹.

<sup>۲</sup> - عبدالکریم، بی آزار شیرازی، همان کتاب، ص ۸۸.



آن را مطلقاً جایز می‌دانند، و برخی دیگر هم چون شهید اول و شهید دوم قائل به تفصیل شده و در نکاح دائم حرام، و در نکاح منقطع جایز می‌دانند. نظر اخیر، نظر مشهور فقهاء امامیه است. از نظر علماء اهل تسنن، نکاح مرد مسلمان با کافره کتابیه جایز می‌باشد. امام خمینی رضوان الله علیه در «تحریر الوسيله» بر این عقیده‌اند که نکاح منقطع، اقوی جواز آن است و در نکاح دائم احوط ترک می‌باشد.<sup>۱</sup>

مدت: ذکر مدت ازدواج باید در ازدواج موقت روشن شود. اگر ذکر مدت در عقد فراموش شود یا عمداً ذکر نشود، آن عقد دائمی است و احوط این است که به هنگام جدایی طلاق اجرا نمایند.<sup>۲</sup>

مهر: مهر را از جهت کمی و زیادی، اندازه معینی نیست، اگر مرد، پیش از نزدیکی مدت را به زن ببخشد، بر اوست نصف مهر المسمی.<sup>۳</sup> اگر زن در بخشی از مدت اخلاص کند<sup>۴</sup> شوهر تقاص می‌کند.<sup>۵</sup> اگر مرد به ذکر مدت (در متن عقد) اخلاص کند، به عقد دائم مبدل می‌شود و یا باطل می‌گردد بنا بر اختلافی که در این مسئله هست اگر بطلان عقد آشکار شود در صورت نزدیکی کردن مهر المثل<sup>۶</sup> ثابت می‌شود.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۱۶۰.

<sup>۲</sup> - عبدالکریم، بی آزار شیرازی، همان کتاب، ص ۹۱.

<sup>۳</sup> - عبارت است از مال معینی که با عنوان مهر با توافق زوجین تعیین می‌شود، یا شخصی که زوجین انتخاب کرده‌اند معین می‌نماید.

<sup>۴</sup> - بدین معنی که در بخشی از مدت تعیین شده نسبت به مرد تمکین و اطاعت نداشته باشد.

<sup>۵</sup> - بدین معنی که او هم از مهر المسمی به همان اندازه کم می‌کند.

<sup>۶</sup> - مهر است که به موجب قرارداد تعیین نشده، بلکه بر حسب عرف و عادت و با توجه به وضع زن از لحاظ سن، زیبایی، تحصیلات و .. و با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان معین می‌گردد.

<sup>۷</sup> - علی‌رضا فیضی و علی مهذب، همان کتاب، ص ۵۴.

## ۲- بررسی ادله ازدواج موقت در فقه شیعه

### الف) کتاب

متعهد در صدر اسلام امری متداول بوده است و مطابق نظر مفسرین مشهور، قرآن از این مسئله یاد کرده است.<sup>۱</sup>

برخی از آیات قرآن در خصوص موضوعات مختلفی در مورد امر ازدواج می‌باشد ولی آیه ۲۴ سوره نساء در مورد ازدواج موقت می‌باشد. که آیه شریفه عبارت است از:

«وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مِمَّا وَّرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» زنان شوهر دار بر شما حرام است؛ مگر آن‌ها را که مالک شده‌اید؛ زیرا اسارت آن‌ها در حکم طلاق است، این‌ها احکامی است که خداوند بر شما مقرر کرده است. اما زنان دیگر غیر از این‌ها که گفته شد، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید.<sup>۲</sup>

این آیه اشاره دارد به مواردی از جمله:

<sup>۱</sup> - جعفر، سبحانی، «همان مقاله»، ص ۱۴.

<sup>۲</sup> - استاد کاظم، مدیرشانه چی، آیات الاحکام، چاپ هفتم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تابستان ۱۳۷۹، ص ۲۲۵.

«وَأَحِلَّ لَكُمْ مَّا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ

فَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ» اینک تفسیر این آیه

به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱- جمله «أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ» بدل بعض از کل و یا عطف بیان از عبارت «مَّا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ»

است که مفعول آن حذف شده است. ممکن است مفعولی که حذف شده «نکاح النساء» یعنی

«ازدواج با زنان باشد». بنابراین آیه چنین می‌شود «تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ نِكَاحَ النِّسَاءِ»، «اما زنان

دیگر، غیر از این‌ها که گفته شد برای شما حلال است که با اموال خود با آن‌ها ازدواج کنید.» به

هر حال این جمله راه مشروع ازدواج با زنانی را که در آیه از آن‌ها یاد نشده، بیان می‌کند و

می‌گوید که با صرف داشتن مال می‌توان از زنان بهره‌مند شد. مصادیق این بهره‌مندی در نگاه

اول در سه راه منحصر می‌شود:

الف - ازدواج به وسیله پرداختن مهریه

ب - ازدواج با کنیزان

ج - زنا

۲- اما در جمله «مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ» می‌فرماید: «در حالی که عفت و پاکدامنی را

می‌خواهید نه زنا را با اموال خود، ازدواج با زنان را بخواهید»، عبارت «مُحْصِنِينَ» یعنی

«متعففین» یعنی در حالی که پاکدامن هستند، نه زنا کار. خداوند با این جمله، راه سوم از

راههای سه‌گانه فوق را تحریم می‌کند و می‌فرماید که یک مسلمان حق ندارد با اموالش، از

طریق زنا با زنان مباشرت کند. بنابراین تنها دو راه اول باقی می‌ماند؛ یعنی ازدواج با زن آزاد و

ازدواج با کنیزان.

۳- آیه «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» به ازدواج با زنان آزاد اشاره دارد، آن چه در این جا اهمیت دارد، تفسیر آن قسمتی از آیه است که به نکاح با زنان آزاد بر می‌گردد، یعنی آن قسمتی که می‌گوید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» تفاوتی ندارد که کلمه «ما» در «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ» که ضمیر موجود در کلمه «به» به آن برگردد، شرطیه باشد یا موصوله، بحث در این است که آیا مراد از آن، ازدواج دائم است یا ازدواج موقت. دقت و تأمل در قرآینی که در آیه وجود دارد ازدواج موقت را تایید می‌کند و ازدواج دائم را منتفی می‌کند و این قرآین عبارتند از:<sup>۱</sup>

### قرینه اول: استمتاع عبارت است از متعه کردن

باید دانسته شود که این آیه، (آیه ۲۴ سوره نساء) از آیات مدنی می‌باشد و در مدینه منوره در سال اول بعد از هجرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از مکه به مدینه، آن هم در شرایطی که مسلمانان در مقابل اجرت ازدواج موقت می‌کردند نازل شد، لکن بعضاً در پرداخت اجرت به زنان سهل انگاری می‌کردند به خاطر همین آیه بر طبق عادت معمولی برای تأکید در پرداخت اجرت نازل شد. پس به این نتیجه می‌رسیم که در هنگام نزول آیه، به کار بردن لفظ متعه و استمتاع، در معنی ازدواج موقت بین مردم معمول و عادی بود و چون خداوند در قرآن با مردم صحبت می‌کند. بنابراین از الفاظ متداول و معمول بین مردم در قرآن استفاده شده است. در این جا هم باید لفظ متعه را به معنی ازدواج موقت بگیریم. اگر گفته شود لفظ متعه در معنای دیگری استعمال شده است، می‌گوییم: به کار بردن لفظ در غیر از معنای متداول و

<sup>۱</sup> - جعفر، سبحانی، «همان مقاله»، ص ۱۷.

معمول نیاز به دلیل و برهان دارد و در این جا هیچ دلیلی بر به کار بردن لفظ متعه در معنای دیگر وجود ندارد.<sup>۱</sup>

فقهای شیعه معتقدند که استمتاع به معنای متعه گیری است و معنا این می باشد که اگر زنان را به متعه می گیرید، باید مهر آنان را بپردازید.<sup>۲</sup>

هر چند گاهی لفظ، استمتاع به معنای آمیزش و لذت بردن هم باشد ولی در این آیه به عقد متعه و ازدواج موقت منصرف بوده است. دلیل این مطلب دو امر است:

۱- تعابیر صحابه: صحابه از ازدواج موقت، به لفظ استمتاع تعبیر می کنند. در صحیح مسلم از جابر بن عبدالله نقل شده است که:

«كُنَّا نَسْتَمْتِعُ بِالْقَبْضَةِ مِنَ التَّمْرِ وَالدَّقِيقِ الْأَيَّامِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَبِي بَكْرٍ حَتَّى (ثَمَلَهُ) نَهَى عَنْهُ

عمر»؛ در عهد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ابوبکر با یک مشت خرما و آرد، متعه می کردیم تا این که عمر از این کار نهی کرد. و نمونه های دیگری از روایات هستند که در آن ها لفظ استمتاع به شکل های مختلف به کار رفته اند که منظور از آنها، ازدواج موقت و عقد کردن زنی به مدت معین و اجرت مشخص بوده است.

۲- منظور از استمتاع در این آیه، عقد است نه بهره و لذت بردن. به این دلیل که خداوند، پرداختن اجرت را مانند ترتب جزاء بر شرط، بر استمتاع مترتب کرده و چنین فرموده است:

«فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ». اگر مراد از استمتاع، عقد باشد، این ترتب درست

خواهد بود؛ زیرا به صرف این که عقد، اعم از دایم یا موقت، مهریه واجب می شود. نهایت تفاوتی که در این زمینه وجود دارد این است که در عقد دایم، باطلاق دادن قبل از آمیزش، نصف

<sup>۱</sup> - سیدمحمدحسین، سجاده، نگرشی نو بر ازدواج موقت، چاپ اول، انتشارات مولف، اول، ۱۳۷۵، ص ۸۷.

<sup>۲</sup> - شیوا، کریمی، «همان مقاله»، ص ۹.

مهریه ساقط می‌شود اما در عقد موقت، با پایان یافتن مدت و عدم آمیزش، نصف مهریه ساقط می‌شود. اما اگر مراد از استمتاع، لذت و بهره بردن باشد، ترتب موجود در آیه معنا ندارد؛ زیرا بر مرد واجب است که قبل از لذت و بهره بردن از زن هم، کل مهریه را به او پرداخت کند و این نشان می‌دهد که منظور از استمتاع، عقد است نه لذت بردن.<sup>۱</sup>

### قرینه دوم: حمل آیه بر غیر از عقد متعه، مستلزم تکرار است.

باید در هدف این آیه که فرموده است: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ...»، دقت نظر

کرد؛ زیرا در این جا سه احتمال وجود دارد:

الف- هدف آیه، حلال کردن ازدواج دائم است.

ب- هدف آیه، تأکید بر پرداخت مهریه، پس از بهره و لذت بردن است.

ج- هدف آیه، متعه یا ازدواج موقت است.

احتمال اول درست نیست؛ زیرا مستلزم آن است که بدون دلیل، تکراری صورت گرفته باشد به دلیل این که خداوند سبحان در آیه سوم این سوره، حکم ازدواج دائم را بیان کرده و فرموده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»؛ اگر می‌ترسید که هنگام ازدواج با دختران یتیم، عدالت را رعایت نکنید، با زنان دیگری که می‌پسندید ازدواج کنید. دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید.<sup>۲</sup> احتمال دوم هم مثل احتمال اول است؛ زیرا خداوند مسأله پرداخت مهریه را در آیه چهارم از همین سوره بیان کرده و فرموده است: «وَأْتُوا

<sup>۱</sup> - جعفر، سبحانی، «همان مقاله»، ص ۱۸.

<sup>۲</sup> - سوره نساء (۴)، آیه ۳.

النِّسَاءِ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً<sup>۱</sup> در دو آیه ۱۹ و ۲۰ سوره نساء این مطلب نیز دوباره بیان شده است. بنابراین از سه احتمال یاد شده فقط احتمال سوم می ماند؛ یعنی هدف آیه شریفه، بیان ازدواج موقت یا متعه است.<sup>۲</sup>

### قرینه سوم: دو جمله قبل از جمله محل بحث.

قبل از جمله [فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ...] دو جمله دیگر وجود دارد:

۱. أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ.

۲. مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ.

این دو جمله به ازدواج موقت اشاره دارند و بیان می کنند که مراد از «استمتاع»، ازدواج متعه و عقد بستن با زنی به صورت ازدواج موقت است. از جمله اول استفاده می شود که در صدد بیان ازدواجی است که با مهریه به دست می آید و نقش بزرگی در این نوع ازدواج دارد؛ به طوری که اگر نباشد، آن ازدواج باطل می شود. بنابراین مهریه در ازدواج موقت، رکن است، برخلاف ازدواج دائم که ذکر مهریه در آن واجب نیست. خداوند می فرماید: «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً...»<sup>۳</sup> اگر زنان را قبل از آمیزش یا تعیین مهر، طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. از این رو گفته اند که ذکر مهریه در ازدواج، مستحب است؛ زیرا هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) ازدواج می کرد یا دختران خود و دیگران را به ازدواج در می آورد، در عقدشان از مهریه نام می برد و عقد را بدون ذکر مهریه جاری نمی کرد. در

<sup>۱</sup> - سوره نساء (۴)، آیه ۴.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۲۱.

<sup>۳</sup> - سوره بقره (۲)، آیه ۲۳۶.

جمله دوم، خداوند قبل از امر به عقد متعه تأکید می‌کند که طرفین ازدواج بایستی پاک دامن باشند و نیت زنا نداشته باشند تا عقد متعه از مسیر صحیحش منحرف نشود. بنابراین آغاز کردن سخن با دو جمله‌ای که مشتمل بر مفهوم متعه باشد، قرینه‌ای است بر این که مراد از عبارت «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ»، عقد ازدواج است. چرا که وجود فاء تفریع بر جمله «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ» را که شامل مفهوم متعه می‌باشد توجیه می‌کند؛ زیرا [فاء] تفریع تنها در مواردی استعمال می‌شود که کلام - هر چند به طور اجمال - مسبوق به آن مطلب باشد.

#### قرینه چهارم: تفسیر آیه به ازدواج موقت و حلال بودن آن توسط صحابه

گروهی از صحابه و تابعین، جمله «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ» را به ازدواج موقت تفسیر کرده‌اند که برخی از آن‌ها را نقل می‌کنیم:

۱. طبری از سدی روایت کرده است: تقدیر آیه چنین است: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَى أَجَلٍ مَّسْمُومٍ فَاتَّوَهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» و این، همان ازدواج متعه است. متعه یعنی این که مرد، زنی را با شرطی تا وقت معین عقد کند و دو شاهد هم برای این کار قرار دهد و از ولی زن اجازه گیرد. هنگامی هم که مدت عقد تمام شد، هیچ حقی نسبت به زن ندارد و زن هم هیچ حقی بر مرد ندارد. زن نیز بایستی رحم خود را استبراء کند (یعنی مطمئن شود حامله نیست. استبراء با دیدن خون حیض محقق می‌شود و عده کنیز و همسر موقت بنا به نظر برخی این چنین است) و بین آن‌ها میراثی نیست و از یکدیگر ارث نمی‌برند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - همان.



۲. ابابصیر می‌گوید: در مورد ازدواج موقت از امام صادق (علیه السلام) سوالی کردم حضرت فرمود: در همین مورد این آیه نازل شد. «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ»<sup>۱</sup>.

۳. بیهقی از ابو نضره از جابر نقل کرده است: گفتم: چگونه است که ابن زبیر از متعه نهی و ابن عباس به آن امر می‌کرد؟ گفت: جریان حدیث به دست من است. ما، در عهد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) متعه می‌کردیم. اما چون عمر بن خطاب به خلافت رسید خطابه‌ای ایراد کرد و در طی آن گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در جای خود و قرآن هم در جای خود. در عهد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دو متعه وجود داشته است که من آن‌ها را منع و کسی را که به جای آورد مجازات می‌کنم؛ یکی متعه زنان، که من تحمل نمی‌کنم مردی با زنی ازدواج موقت کند مگر آن که او را به شدت سنگسار می‌کنم و دیگری متعه حج<sup>۲</sup>.

روایات دیگری هم در تفسیر آیه یاد شده وارد شده است که نشان می‌دهند و این روایات از طرف صحابه و تابعین و در رأس آن‌ها از امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اهل بیت او نقل شده و آن‌ها آیه یاد شده را به ازدواج موقت تفسیر کرده‌اند. بررسی تاریخی ازدواج موقت، اختلاف نظر میان فقها را روشن می‌سازد که هیچ کس منکر حلیت متعه نبوده است. تنها برخی قائل بوده‌اند که این حلیت استمرار داشته و برخی دیگر قائل بوده‌اند که این حلیت استمرار نداشته، بلکه منسوخ شده است. بهترین منبع اعتقاد آن‌ها آیه یاد شده و تایید پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده است. پیش‌تر اسامی تعدادی از صحابه را که آیه فوق را به متعه تفسیر می‌کردند ذکر کردیم.

<sup>۱</sup> - شیوا، کریمی، «همان مقاله»، ص ۹.

<sup>۲</sup> - جعفر، سبحانی، «همان مقاله»، ص ۲۵.

### قرینه پنجم: اتفاق ائمه اهل بیت (علیه السلام) بر نزول آیه در مورد ازدواج موقت

امامان اهل بیت (علیه السلام) اتفاق نظر دارند که آیه یاد شده، در مورد ازدواج موقت نازل شده و روایات وارد شده از طرف آن‌ها در این زمینه به حد تضافر یا تواتر رسیده است که به ذکر دو روایت بسنده می‌کنیم:

۱. کلینی از ابوبصیر روایت کرده است: از ابو جعفر در مورد متعه پرسیدم. فرمود: نزلت فی القرآن «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» در قرآن این آیه نازل شده که: «زنانی را که متعه می‌کنید، واجب است مهر آن‌ها را بپردازید».

۲. کلینی از عبدالرحمن بن ابی عبدالله نقل کرده است:

سمعت أبا حنيفة يسأل أبا عبدالله عن المتعة، فقال: عن أي المتعتين تسأل؟ فقال: سألتك عن متعة الحج فأتبتني عن متعة النساء أحمق هي؟ فقال: [سبحان الله أما تقرأ كتاب الله: فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً، فقال أبو حنيفة، والله كأنها آية لم أقرأها قط؛ شنیدم ابوحنیفه از امام صادق (علیه السلام) در مورد متعه سؤال کرد. ایشان در جواب فرمود: [عن أبي المتعتين تسأل؟]؛ یعنی: [از کدام متعه سوال می‌کنی؟] گفت: بیشتر از متعه حج سوال کردم. اینک در مورد متعه زنان برایم بگو که آیا حق است؟ امام فرمود: [منزه است خدا، آیا قرآن را نخوانده‌ای که فرموده است: و زنانی را که متعه می‌کنید، واجب است مهر آن‌ها را بپردازید؟] ابوحنیفه گفت: گویی این آیه را تا به حال نخوانده بودم!<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - همان، ص ۲۶.

## ب) سنت

سنت، نه تنها دلالت بر عدم جواز متعه و نسخ آن نمی‌کند، بلکه روایات بسیاری از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) وارد شده که به روشنی بر مباح بودن متعه دلالت می‌کند؛ روایاتی که هم از نظر سندی و دلالتی بر «روایات تحریم» راجع بوده و هیچ گونه اضطرابی در عبارات و الفاظ آن به چشم نمی‌خورد و تعارضی با یکدیگر ندارند. از جمله به ذکر چند نمونه از روایات شیعه می‌پردازیم:

۱- «... عن قیس قال: سمعت عبدالله (ابن مسعود) يقول: کنا نغز و امع رسول الله (صلی الله علیه و آله) لیس لنا نساء فقلنا: ألا نستحیی؟ فنها نا عن ذلک، ثم رخص لنا أن ننکح المرأه بالتوب إلى أجل»، ثم قرأ عبدالله «یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا طیبات ما أحل الله لکم ولا تغتدوا إن الله لا یحب المعتدین»

«قیس می‌گوید: شنیدم که عبدالله بن مسعود می‌گوید: در جبهه جنگ، در رکاب رسول الله بودیم. زنانمان همراهمان نبودند، از حضرت سوال کردیم: آیا اجازه می‌فرمائید که خود را از مردانگی بیندازیم؟ حضرت (صلی الله علیه و آله) از آن نهی فرموده و نکاح متعه را اجازه فرمودند.» پس از آن عبدالله بن مسعود دو در خبر صحیح رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آیه فوق را قرائت کرد: «ای کسانی که ایمان آوریده‌اید حرام نکنید طیبات آن چه را که خدا حلال کرده است و تعدی ننمایید، همانا خداوند متجاوزین را دوست نمی‌دارد.»<sup>۱</sup> قرائت آیه فوق حاکی از آن است که «نکاح متعه» از «طیبات» بوده و عقلاً و نقلاً قبیح است که امر «طیب» مورد نهی واقع شود.

<sup>۱</sup> - سوره مائده (۵)، آیه ۸۷.

۲- «... عن عمران بن حصین، قال: نزلت آیه المتعه فی کتاب الله تعالی لم تنزل آیه تنسخها، فأمرنا بها رسول الله (صلی الله علیه و آله) و تمتعنا مع رسول الله (صلی الله علیه و آله) و مات و لم ینهننا عنها، قال رجل بعد برأیه ماشاد یعنی عمر بن الخطاب» «... از عمران بن حصین روایت شده که: آیه متعه در قرآن نازل شده و آیه‌ای نازل نگردیده که آن را نسخ نماید، پیامبر (صلی الله علیه و آله) امر به متعه می‌فرمود و ما با آن حضرت (صلی الله علیه و آله) تمتع می‌نمودیم، حضرت (صلی الله علیه و آله) رحلت فرمودند در حالی که از آن نهی نفرمودند، بعدها عمر بن خطاب آن را بر طبق نظر شخصی خود حرام نمود.»<sup>۱</sup>

روایات بسیاری از اهل تسنن در این زمینه وجود دارد که به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

۱- در صحیح بخاری و صحیح مسلم و مصنف عبدالرزاق از جابر بن عبدالله و مسلم بن اکوع روایت کنند که گفته‌اند: «منادی [جارچی] رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به سوی ما آمد و گفت: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) به شما اجازه فرمودند تا زنان را متعه کنید»، یعنی ازدواج موقت نمائید.»

۲- در صحیح مسلم و مسند احمد و سنن بیهقی از «سیره جهنی» روایت کنند که گفت: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ما اجازه متعه (ازدواج موقت) داد. من و مرد دیگری به خواستگاری زنی از قبیله بنی عامر رفتیم، زنی قوی و گردن فراز، پرسید: مهریه چه می‌دهیم؟ من گفتیم: ردایم را و رفیقم نیز گفت: ردایم. ردای رفیقم از ردای من بهتر بود ولی من از او جوان‌تر بودم به ردای او که نگاه کرد آن را پسندید و به من که نگاه کرد خودم را پسندید و

<sup>۱</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۱۵۰.

گفت: تو و ردایت مرا بس. با او ازدواج موقت کردم و سه روز با او بودم» که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر کس با این زنان (ازدواج موقت) کرده، آنان را آزاد بگذارد.»<sup>۱</sup>

۳- در مسند طیاسی از «مسلم قرشی» روایت کند که گفت: «نزد اسماء دختر ابی بکر رفتیم و از او درباره ازدواج موقت پرسیدیم گفت ما در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را انجام دادیم.»

۴- در صحیح مسلم و مسند احمد و غیر آنها از «عطا» روایت کنند که گفت: «جابر بن عبدالله» برای انجام عمره (به مکه) آمد و ما در منزل به دیدارش رفتیم. مردم از او مسائلی پرسیدند و سپس بحث «متعّه» را پیش کشیدند، جابر گفت: «آری، ما در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ابی بکر و عمر «متعّه» می کردیم.» در عبارت «مسند احمد» بعد از آن گوید: «و این کار تا اواخر خلافت عمر ادامه داشت.» و در «بدائنه المجتهد» گوید: «این کار تا نیمه خلافت عمر ادامه داشت، سپس عمر مردم را از آن باز داشت.»<sup>۲</sup>

### ج) عقل

مقصود از عقل در علم اصول حکم قطعی و یقینی عقل است نه حدس و احکام ظنیه، سید مرتضی علم الهدی و ابن ادریس در این باره می گویند: «ثابت شده است که هر «منفعتی» که در آن ضرری، چه در حال و چه در آینده، متصور نگردد، به ضرورت حکم عقل مباح می باشد.» از آن جا که نکاح متعه نیز چنین است، از این رو واجب است که به حکم عقل مباح بدانیم. اگر گفته شود شما به چه دلیل «ضرر» را از این نکاح در آینده نفی می کنید؟ در پاسخ گوییم: آن کس که ادعا می کند برای نکاح متعه، ضرری در آینده متصور است، برای آن کس اقامه

<sup>۱</sup> - سیدمرتضی، عسگری، ازدواج موقت در اسلام، چاپ اول، انتشارات مجمع علمی اسلامی، اول ۱۳۷۷، ص ۲۳.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۲۴ و ۲۵.

دلیل واجب است نه بر ما. و حق نیز آن است که دلیل قاطعی در این مورد وجود ندارد. فاضل مقدارد در این مورد می‌گوید: «نکاح متعه، منفعتی است که خالی از جهات قبح می‌باشد و از نظر ما، ضرری برای آن، نه در حال و نه در آینده متصور نمی‌باشد و هر چه که چنین باشد، حکم آن مباح می‌باشد، از این رو حکم نکاح متعه نیز، مباح و حلال می‌باشد. و دلیل ما بر این که نکاح متعه فاقد مفسده، و جهات قبح می‌باشد، این است که اگر در آن مفسده‌ای وجود داشت، یا باید به حکم عقل باشد - که اجمالاً منتفی - و یا به حکم شرع، که آن نیز منتفی است، زیرا اگر به حکم شرع مفسده‌ای در نکاح متعه بود، طرف مقابل برای آن دلیل استناد می‌کرد و آن را یکی از دلایل حرمت نکاح متعه به شمار آورد - و حال آن که چنین استنادی صورت نگرفته، پس چنین مفسده‌ای نیز وجود ندارد.»<sup>۱</sup>

## د) اجماع

حلال دانستن متعه یک امر اجماعی است و حرام دانستن آن، امری اختلافی است و حداقل یک امر ظنی است و نمی‌تواند ناسخ امر قطعی - یعنی حلال دانستن متعه - باشد. فاضل مقداد می‌گوید:

«اختلافی در مباح دانستن متعه نیست، آن چه که مورد اختلاف است، این است که

مشروعیت نکاح متعه نسخ شده است.»

در پاسخ می‌گوییم: مشروعیت نکاح متعه «درایه» است و ادعای نسخ آن «روایه» است و روایت نمی‌تواند ناسخ «درایه» باشد. به عبارت دیگر «ظن» نمی‌تواند ناسخ «قطعی» باشد.

علامه کاشف الغطاء می‌گوید:

---

<sup>۱</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۱۵۱.

«اجماع - بلکه ضرورت - بر مباح بودن آن استوار گردیده است، منتهی چیزی که مخالفین ادعا می‌کنند این است که مباح بودن متعه منسوخ گردیده است و در ناسخ آن، در روایت، آنچنان اختلاف و اضطرابی شده است که ناسخ صلاحیت افاده ظن را نداشته است تا چه رسد به افاده قطع و در علم اصول ثابت گردیده است که حکم قطعی منسوخ نمی‌گردد مگر به واسطه حکم قطعی دیگر...»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۵۲.

### ۳- وجه تشابه و تفاوت ازدواج موقت با عقد دائم و زنا

(الف) وجه تشابه

نکاح منقطع از بسیاری از جهات مانند نکاح دائم است. شرایط و موانع نکاح منقطع مثل نکاح دائم است هر چند در بعضی نکات تفاوت‌هایی با هم دارند اما اصولاً در آثار با یکدیگر مشترک می‌باشند.<sup>۱</sup>

دوام زمان عقد، تأثیری بر برخی مسئولیت‌های زن و مرد نسبت به یکدیگر ندارد. هم چنان که زمان بندی عقد، آزادی‌هایی را به طرفین می‌بخشد، مسئولیت‌هایی را نیز پدید می‌آورد که هیچ یک نمی‌توانند از زیر بار آن شانه خالی کنند. در زیر پاره‌ای از تعهدات زن و مرد که در هر نوع عقد (دائم و منقطع) یکسان است اشاره می‌کنیم:

۱- فرزندی که از ازدواج موقت متولد می‌شود، هیچ گونه تفاوتی با فرزند عقد دائم ندارد، هم به لحاظ مشروعیت و هم به جهت حقوقی.

۲- پرداخت مهر به زن در هر دو نوع ازدواج، واجب است. اگر چه ذکر و تعیین مقدار آن، در عقد دائم ضروری نیست اگر مهر در عقد منقطع ذکر و تعیین نگردد، موجب بطلان آن می‌شود، اما عدم ذکر و تعیین مهر عقد دائم را باطل نمی‌کند، بلکه مهرالمثل جای آن می‌نشیند.

۳- مادر و دختر زوجه بر زوج و پدر و پسر او حرام می‌گردد، این حکم عیناً در عقد دائم نیز وجود دارد.

۴- خواستگاری از زنی که همسر دارد حرام است، خواه در عقد دائم یا موقت.

۵- زنا با زنی که همسر دائمی یا منقطع دارد، او را بر زانی حرام ابدی می‌کند.

<sup>۱</sup> - دکتر سیدحسین صفایی و دکتر اسدالله امامی، حقوق خانواده، جلد اول، چاپ چهارم، موسسه انتشارات مرداد ۱۳۷۴، ص ۱۷.



۶- عده بر زنی که همسر خود را - بر اثر فوت یا طلاق یا تمام شدن مدت عقد از دست داده، واجب است. عده زن دائم سه نوبت ماهانه است و عده همسر موقت، دو نوبت یا چهل و پنج روز است.

۷- ازدواج هم زمان با دو خواهر جایز نیست، نه در دائم و نه در موقت.<sup>۱</sup>

### **ب) وجه تفاوت عقد دائم و موقت**

علی رغم نکات مشترک در ازدواج (دائم و موقت)، این دو امر در پاره‌ای موارد با یکدیگر اختلاف دارند. از جمله:

۱- اولین اختلاف عقد موقت با عقد دائم، در زمان بندی آنهاست. در عقد موقت، زن و مرد برای مدت معینی بر یکدیگر حلال می‌شوند و پس از سر رسیدن زمان مذکور در عقد، خود به خود پیوند زناشویی آنان قطع می‌شود، مگر آن که به تمديد آن اقدام کنند.

۲- در عقد موقت، مسئولیت‌های کمتری نسبت به یکدیگر دارند و بالطبع هر دو از آزادی‌های بیشتری برخوردارند. در ازدواج دائم مرد در مقابل خوراک، پوشاک، رفاه، درمان، مسکن، مخارج روزانه و ... تعهد دارد، اما در عقد کوتاه یا موقت، مرد جز آن مقداری که پیمان بسته و عقد را به آن مشروط کرده‌اند، وظیفه‌ای ندارد.

۳- تمکین و اطاعت زن در مقابل مرد در عقد موقت، محدود به مقداری است که قرارداد بسته‌اند، اما در ازدواج دائم، زن موظف به پیروی از همسر خود در حدود مصالح خانوادگی است.

۴- در ازدواج دائم زن و مرد به طور طبیعی از یکدیگر ارث می‌برند، اما در ازدواج موقت این گونه نیست.

---

<sup>۱</sup> - حجت، موسوی خوئی، همان کتاب، ص ۱۲۹.

۵- همسرانی که براساس عقد دائم با هم زندگی می‌کنند، در جلوگیری از بچه دار شدن نیاز به اجازه یکدیگر دارند، اما در عقد موقت جلب رضایت طرف مقابل ضرورت ندارد، مگر آن که در ضمن عقد شرط کرده باشند.<sup>۱</sup>

۶- جایز نیست زن و شوهر در عقد دائم شرط کنند که نزدیکی انجام نگیرد (برخلاف عقد موقت).

۷- زن در عقد دائم بدون اجازه شوهر نمی‌تواند بیرون برود؛ ولی در عقد موقت می‌تواند مگر آن که باعث تضییع حق شوهر شود.

۸- در عقد دائم زن حق هم‌خوابی دارد (در صورتی که متعدد باشد)؛ ولی در عقد موقت زن حق هم‌خوابی ندارد.<sup>۲</sup>

### **(ج) وجه تفاوت عقد موقت با زنا**

از آن جایی که بعضی‌ها معتقدند که ازدواج موقت با زنا هیچ فرقی ندارد و هر دو در اصل یک چیز می‌باشد، در صورتیکه با مطالعه و تحقیق در شرع مقدس اسلام در می‌یابیم که ازدواج موقت یکی از مصادیق ازدواج دائم می‌باشد و یک امر شرعی و مقدس می‌باشد. در حالی که زنا رابطه آزاد و بدون قید و شرطی می‌باشد و برای روشن شدن مطلب به ذکر تفاوت‌های عقد موقت با زنا می‌پردازیم:

۱- صیغه موقت یک نوع ازدواج است؛ همان طور که ازدواج دائم نوع دیگری از ازدواج است و هر دو شرایط و احکام خاص خود را دارد که از جمله آن ذکر صیغه عقد، مهریه و مدت است. اما زنا بدون توجه به این شرایط (مثل نخواندن صیغه عقد) کاری صورت می‌گیرد.

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۲۸.

<sup>۲</sup> - سیدمجتبی، حسینی، احکام ازدواج، جلد ۲۱، دفتر نشر معارف، پاییز ۱۳۸۵، ص ۱۲۱.

- ۲- در ازدواج موقت نسبت به دختر باکره اجازه پدر و یا جد پدری او لازم است؛ در نتیجه این کار با اطلاع خانواده و به دور از احساسات و پنهان کاری‌ها صورت می‌پذیرد.
- ۳- در ازدواج موقت، زن باید بعد از تمام شدن مدت عقد، عده نگه دارد؛ ولی در زنا این قانون وجود ندارد.
- ۴- در ازدواج موقت، مرد مسئولیت پذیر است و توابع این ارتباط را از جهت فرزند دار شدن احتمالی می‌پذیرد؛ در حالی که در عمل نامشروع این امر وجود ندارد.
- ۵- در ازدواج موقت «روابط» براساس «ضوابط» شکل می‌گیرد و ارضای جنسی به صورتی نظام مند و قانونی پاسخ داده می‌شود، در حالی که در زنا ضابطه‌ای وجود ندارد و غیرقانونی می‌باشد.<sup>۱</sup>
- ۶- در ازدواج موقت رضایت زن شرط اصلی است اما می‌توان زنی را مجبور به زنا کرد.
- ۷- در ازدواج موقت امکان آمیزش جنسی دسته جمعی نیست، اما در زنا این امکان وجود دارد.
- ۸- کسی که ازدواج موقت می‌کند، هم ثواب می‌کند و هم خود را از گناه نجات می‌دهد، اما کسی که زنا می‌کند، زشتی گناه از چشم او می‌افتد و نفس او برای پذیرش گناهان دیگر نیز آماده می‌شود.
- ۹- ازدواج موقت در بعضی از موارد، زمینه ازدواج دائم می‌شود، اما یک مرد هیچ‌گاه حاضر نیست با زنی که زنا کرده است، پیمان وفاداری ببندد.
- ۱۰- اگر مردی با زنی ازدواج موقت نماید، حتی بعد از تمام شدن مدت نمی‌تواند با دختر آن زن ازدواج (موقت، دائم) نماید، اما در زنا یک مرد می‌تواند پس از همبستری با زنی از دختر آن زن نیز کام بگیرد.

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۲۲.

- ۱۱- یک مرد نمی‌تواند به طور هم‌زمان با دو خواهر ازدواج موقت نماید، اما در زنا مرد می‌تواند دو خواهر را در یک آمیزش جنسی شریک قرار دهد.
- ۱۲- یک مرد نمی‌تواند با خواهر، مادر، مادر بزرگ، عمه، خاله و ... ازدواج موقت نماید، اما در زنا می‌تواند با همهٔ محارم خود آمیزش جنسی نماید.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - محمد مهدی، حاجی پروانه، «مقاله: فرق ازدواج موقت با زنا»، بی‌جا، بی‌تا.

## ۴- ازدواج موقت و نسخ آن

### ۴-۱- نسخ در قرآن

اکثر علما اهل تسنن بر این باورند که آیه ۲۴ سوره نساء بر جواز متعه دلالت می‌کند، و این جواز به واسطه آیه و یا آیات دیگر و یا سنت رسول الله و یا اجماع و یا قول خلیفه ثانی نسخ گردیده است، از پیروان نظر فوق می‌توان از امام شافعی، فخر رازی، زمخشری، ابن رشد اندلسی، ابن حزم اندلیسی، ابوحنیفه، ابوحنیان، راغب اصفهانی و ... یاد نمود. برخی از آیات قرآن که اهل تسنن معتقدند آیه متعه توسط این آیات نسخ گردیده است عبارتند از:<sup>۱</sup>

### ۴-۱-۱- نسخ توسط آیه ازدواج

«وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿۲۳﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ ...» و آنان که فروج و اندامشان را از عمل حرام نگاه می‌دارند، مگر بر جفت‌هایشان (که زنان عقدی آن‌ها باشند) یا کنیزان ملکی متصرفی آن‌ها که هیچ گونه ملامتی (در مباشرت این زنان) بر آن‌ها نیست.<sup>۲</sup>

تعبیر بر «ازدواج» همسران دائمی و موقت هر دو را شامل می‌شود و این که بعضی گمان کرده‌اند این آیه نفی «ازدواج موقت» می‌کند، به خاطر آن است که نمی‌دانند آن هم نوعی ازدواج است.<sup>۳</sup>

برخی از علماء اهل سنت این آیه را در جهت اثبات حرمت متعه استناد نموده‌اند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۴۷.

<sup>۲</sup> - مؤمنون (۲۳)، آیه ۶ و معراج (۷۰)، آیه ۳۰.

<sup>۳</sup> - ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، جلد ۲۵، چاپ سی و یکم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ص ۳۷.

<sup>۴</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۱۴۹.

علماء اهل سنت معتقدند که زن متعه، مملوکه و کنیز نیست و همچنین زوجه و همسر نیست چرا که نه از زوج ارث می‌برد و نه عده دارد و نه طلاق دارد.<sup>۱</sup>

از این رو آیه ازدواج را ناسخ آیه متعه می‌دانند و بر این باورند که دلالت بر حرمت نکاح متعه می‌باشد. با توجه به این که آیه ازدواج، به اجماع فریقین، از محکومات بوده یعنی به واسطه هیچ دلیلی نسخ نگردیده است و با توجه به ادعای اهل تسنن، این سوال مطرح می‌گردد که خداوند متعال، در مکه با نزول آیه فوق متعه را حرام نموده حال «جواز» متعه که از سوی نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) و آن هم بعد از هجرت و همچنین به حکم آیه مدنی متعه صورت گرفته و مغایر حکم آیه فوق می‌باشد. چگونه توجیه می‌گردد؟

اگر گفته شود: چنین جوازی از سوی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و یا خداوند متعال در قرآن کریم صورت نگرفته است، کلام فوق، خلاف اجماع مسلمین می‌باشد، چرا که «اباحه اولیه» متعه امری مجمع علیه می‌باشد و اگر صدور چنین جوازی پذیرفته شود، در این صورت باید گفت که جواز پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا آیه مدنی متعه ناسخ «تحریم» آیه ازدواج می‌باشد و حال آن که آیه ازدواج که دلالت بر حرمت متعه می‌کند چشم پوشی کنیم و معتقد شویم که مراد از «ازواج» در آیه «... إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ...» اعم از زوجه در نکاح دائم و منقطع بوده است و در نتیجه آیه ازدواج نه تنها دلالت بر حرمت نمی‌نماید، بلکه دلالت بر جواز متعه نموده و یکی از دلایل آن محسوب می‌شود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - سیدمحمدحسین، سجاده، همان کتاب، ص ۱۱۷.

<sup>۲</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۱۴۹.

#### ۴-۱-۲- نسخ توسط آیه ارث

«وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ...» در صورتی که آن‌ها را فرزند نباشد، سهم ارث شما مردان از ترکه زنان نصف است و اگر دارای فرزند باشد، ربع خواهد بود، اگر فرزند نباشد و چنان چه فرزند داشته باشید، ثمن خواهد بود.<sup>۱</sup>

برخی از علماء اهل سنت، آیه میراث را ناسخ آیه متعه می‌دانند زیرا در نکاح متعه، میان زن و مرد توارث برقرار نمی‌شود.<sup>۲</sup>

چون لفظ ازدواج (همسران) را مطلق آورده و فرموده نصف ماترک همسران مال شماست پس در ازدواج موقت چون ارثی در کار نیست نمی‌توان زن و مرد را زوج و همسر خواند.<sup>۳</sup>

امام فخر در تفسیر کبیر می‌گوید: اگر متمتع بها زوجه محسوب می‌شد، باید میان زوجین توارث برقرار گردد. زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «و برای شماست، نصف آن چه را که همسران باقی گذاشته‌اند.» و علماء اجماع نموده‌اند که در نکاح متعه میان زوجین توارث برقرار نمی‌باشد.

در پاسخ به اهل تسنن گفته می‌شود که این ملازمه را قبول نداریم، چرا که غیر از ازدواج موقت موارد دیگری نیز هست که ازدواج صحیح است ولی زن از شوهر ارث نخواهد برد. از جمله آنکه: به مذهب اهل سنت ازدواج مرد مسلمان با زن کافره کتابیه صحیح است، لکن زن در این ازدواج از مرد ارث نخواهد برد و خلاصه آنکه:

<sup>۱</sup> - نساء (۴)، آیه ۱۲.

<sup>۲</sup> - محمد ولو جردی، همان کتاب، ص ۶۴.

<sup>۳</sup> - سید محمد حسین، سجاد، همان کتاب، ص ۱۱۴.

۱- ازدواج موقت برای خود یک نوع ازدواج مستقل می‌باشد نه آن که قسمتی از ازدواج دائم باشد تا اشکال شود که چون شرایط و آثار ازدواج دائم را ندارد پس ازدواج نیست.

۲- بر فرض آن که ازدواج موقت را قسمتی از ازدواج دائم بدانید باز هم جای اشکال نیست چرا که ازدواجی هم هست که در آن ارث در کار نباشد و آن ازدواج موقت باشد.<sup>۱</sup>

و همچنین در پاسخ به اهل تسنن گفته می‌شود که اول این که گفته‌اند: «متمتع بها» مطلقاً ارث نمی‌برد، ممنوع می‌باشد، زیرا فقها امامیه در این مورد چهار نظر ارائه نموده‌اند که در بخش دوم در قسمت ازدواج موقت از دیدگاه حقوقی این چهار نظریه آورده شده است.

دوم این که صحت و فساد «نکاح» دائر مدار «ارث» نمی‌باشد. چرا که، اگر این چنین باشد لازم می‌آید که بسیاری از مصادیق نکاح دائم، به جهت انتفاء توارث، محکوم به فساد و بطلان باشد و حال آن که احدی از علما مسلمین قائل به فساد آن‌ها نشده است. سوم این که همان طور که علامه طباطبایی می‌فرماید، آیه متعه مخصص عموم و یا مقید به اطلاق آیه میراث می‌باشد نه این که آیه میراث ناسخ متعه باشد.<sup>۲</sup>

#### ۴-۱-۳- نسخ توسط آیه طلاق

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ...»<sup>۳</sup> و «وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ...»<sup>۴</sup> الا ای پیغمبر گرامی (امت را بگو) هرگاه زنان را طلاق دهید و زن‌هایی که طلاق داده شدند از شوهر نمودن خودداری کنند تا سه پاکی بر آنان بگذرد.

<sup>۱</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۶۴.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۶۷.

<sup>۳</sup> - طلاق (۶۵)، آیه ۱.

<sup>۴</sup> - بقره (۲)، آیه ۲۲۸.



این دو آیه را اهل تسنن بر عدم جواز متعه می‌دانند و این طور معتقدند که در نکاح متعه، طلاق وجود ندارد و جدایی با تمام شدن یا بخشیدن مدت حاصل می‌شود در حالی که مفارقت و جدایی از زن منحصر به طلاق و اجراء صیغه طلاق می‌باشد همان طور که در ازدواج دائم چنین است و آیه فوق ناسخ آیه متعه می‌باشد.<sup>۱</sup>

در پاسخ گفته می‌شود: همان طور که در مورد «ارث» گفته شده در مورد طلاق نیز صحت و فساد «نکاح» دائر مدار آن نمی‌باشد، به عبارت دیگر، مواردی را می‌توان در فقه یافت، که با این که «طلاق» جاری نمی‌شود و جدایی بدون طلاق حاصل می‌شود و با این وجود زن، عنوان «زوجه» اطلاق می‌شود و نکاح زوجین نیز محکوم به صحت می‌باشد.

دوم این که اگر صحت و فساد «نکاح» و «وطیء» دائر مدار «طلاق» باشد، در این صورت این اشکال درباره «ملک یمین» نیز مطرح می‌گردد. یعنی در ملک یمین نیز همانند نکاح متعه، به جهت این که طلاق راه ندارد، باید قائل به حرمت شویم و حال آن که احدی قائل به آن نشده است.

سوم این که آیات فوق، در صدد بیان حکم عده - در صورت طلاق می‌باشد نه در موضع بیان انحصار جدایی در «طلاق» باشد.

چهارم این که؛ بر فرض که بپذیریم آیه طلاق در مقام بیان حکم طلاق و انحصار جدایی در طلاق است باید بگوییم همان طوری که در مبحث ارث ذکر شد، آیه متعه (به واسطه حکم سنت) مخصص و یا مقید عموم و یا اطلاق آیه «طلاق» می‌باشد، نه این که آیه طلاق ناسخ آیه متعه باشد. به عبارت دیگر، چه اشکالی دارد که بگوییم آیه طلاق عام بوده و شامل نکاح متعه و نکاح دائم، هر دو شده است، لکن بعداً عام مزبور به واسطه آیه متعه تخصیص خورده و نکاح

<sup>۱</sup> - سیدمحمدحسین، سجاد، همان کتاب، ص ۱۱۱.

متعّه از زیر عنوان عام آن خارج گردیده است. و تقدم زمانی - از حیث نزول - اکثر آیات طلاق که در سوره بقره می باشد، نیز این مطلب را تایید می کند.

پنجم این که، بخشیدن مدت و یا تمام شدن مدت برای تحقق جدایی کافی است و نیازی به طلاق مصطلح نمی باشد.<sup>۱</sup>

ششم این که ازدواج موقت یک نوع نکاح مستقل و دارای شرایطی جداگانه می باشد. هفتم این که آیه می گوید: «إِذَا طَلَّقْتُمْ»، «وقتی اراده طلاق را شنید» این اراده متوقف بر جایی است که طلاق فرض شود و آن مکان جز ازدواج دائم نیست و آیه در مورد ازدواج موقت ساکت است.<sup>۲</sup>

#### ۴-۱-۴- نسخ توسط آیه عده

«وَالَّذِينَ يَتَوَقَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا...» از شما مردانی که می میرند و زنانی را (باقی) می گذارند، آن زنان به مدت چهار ماه و ده روز عده نگه دارند.<sup>۳</sup>

«وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ...»<sup>۴</sup> زنانی که طلاق داده می شوند، خود را از (ازدواج) نگه می دارند تا سه پاکی بر آنان بگذرد.

در پاسخ گفته می شود اگر مقصود این باشد که چون در نکاح متعه «عده» نیست، پس باید آیه فوق ناسخ آیه متعه باشد، این کلام ممنوع است، زیرا فقها امامیه و به طور کلی مجوزین اجماع نموده اند بر این که بر زوجه متمتع بها، در نکاح متعه - همانند زوجه در نکاح دائم -

<sup>۱</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۶۹ و ۷۰.

<sup>۲</sup> - سیدمحمدحسین، سجاد، همان کتاب، ص ۱۱۲.

<sup>۳</sup> - بقره (۲)، آیه ۲۳۴.

<sup>۴</sup> - بقره (۲)، آیه ۲۲۸.

نگه داشتن عده ضروری است و اگر مقصود این باشد که چون عده زوجه متمتع بها از عده زوجه دائمه کمتر می‌باشد از این رو آیه عده ناسخ آیه متعه می‌باشد، این کلام نیز ممنوع می‌باشد، زیرا:

۱- نه این آیات و نه آیات دیگر، هیچ یک دلالت ندارند که لزوماً عده زنان بر یک طریق واحدی باشد.

۲- بر برض که بپذیریم آیات فوق در صدد بیان حکم عده برای تمام زوجات دائم از دائمه و منقطعه) باشد، چه اشکالی دارد که عموم آیه عده به واسطه آیه متعه (و در واقع سنت) تخصیص بخورد و حکم عده زوجه منقطعه از تحت عموم آیه فوق خارج شده به واسطه سنت مشخص و معین گردد.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲- نسخ با سنت

برخی از بزرگان اهل سنت آیه متعه را منسوخ به سنت می‌دانند نه کتاب. امام ابوحنیفه، امام بخاری، امام فخر رازی، ابن رشد و ابن حزم اندلسی از جمله این بزرگان می‌باشند. ابن حزم در «المحلی» می‌گوید: «ابو محمد می‌گوید: نکاح متعه، که عبارت از نکاح تا مدت معینی می‌باشد، جایز نمی‌باشد. در عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) حلال بوده و سپس خداوند آن را، بر زبان رسول الله (صلی الله علیه و آله) حرام نمود به حرمت ابدی. در این باره علما اهل سنت از رأی واحدی پیروی ننموده‌اند. هر یک به استناد حدیث و یا احادیثی چیزی را ادعا نموده که دیگری خلاف آن را بیان کرده است که به ذکر چند نمونه از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۷۱.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۷۷.

۱- سلمه بن اکوع: مسلم از ایاس بن سلمه، از پدرش نقل کرده است:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سال اوطاس<sup>۱</sup>، سه روز متعه را حلال کرد، آن گاه از آن نهی نمود.

۲- علی بن ابی طالب (علیه السلام): مسلم از یحیی بن یحیی با سندی که تا عبدالله و حسن، دو پسر محمد بن علی (علیه السلام) (حنیفه) متصل است، از پدرشان، از علی بن ابی طالب روایت کرده است:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در روز جنگ خیبر از متعه زنان و خوردن گوشت الاغ اهلی نهی کرده است.<sup>۲</sup>

۳- بیهقی در السنن الکبری از عبدالله بن محمد بن عقیل روایت کند:

عبدالله بن محمد بن عقیل می گوید: شنیدم که جابر بن عبدالله انصاری می گوید: در خدمت پیامبر به جنگ تبوک رفتیم، تا به «عقبه» رسیدیم - حضرت (صلی الله علیه و آله) به زنان برخورد نمودند - و فرمودند: اینها چه کسانی هستند؟ پاسخ دادم: یا رسول الله اینان زنانی هستند که از آنها استمتاع نموده ایم. جابر گفت: پیامبر (صلی الله علیه و آله) غضبناک شدند به طوری که - گونه اش - سرخ گردید ... و سپس آن را نهی فرمودند.

۴- ابوداود از زهری روایت می کند که گفت: در نزد عمر بن عبدالعزیز بودیم که مسئله متعه مطرح شد، مردی که نامش «بیع بن بشره» بود به عمر بن عبدالعزیز گفت: شهادت می دهم که پدرم گفت: رسول الله (صلی الله علیه و آله) در حجه الوداع آن را حرام فرمودند.

<sup>۱</sup> - منظور از سال اوطاس، سال فتح مکه (یعنی سال هشتم هجری است) و «اوطاس» نام دره‌ای در سرزمین هوازن می باشد.

<sup>۲</sup> - جعفر، سبحانی، «همان مقاله»، ص ۵۴.

با مراجعه به تاریخ در می‌یابیم که اصولاً روایات تحریم ادعایی، در خیبر، اوطاس، تبوک، حجه الوداع و ... بر لسان مبارک رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جاری نگردیده است و همین عدم ذکر قرینه‌ای بر استبعاد و ضعف استدلال بدانها می‌باشد، زیرا:

۱- بر فرض که از اشکالات فوق صرف نظر کنیم روایات فوق همگی از اخبار آحاد بوده و خبر واحد بر طبق رأی جمهور علماء اهل تسنن صلاحیت نسخ کتاب و سنت را ندارد.

۲- بر فرض که از دلیل فوق صرف نظر کنیم، باید گفت: روایات تحریم با یکدیگر معارض بوده و یکدیگر را از حجیت ساقط می‌نمایند، چرا که هر یک از آنها ناظر بر این هستند که نکاح متعه، در زمان خاصی - غیر از زمانی که روایت دیگر ناظر بر آن است - حرام مؤبد گردیده است.

۳- بر فرض که از دلیل فوق صرف نظر نماییم، باید گفت: روایات تحریم، توانایی معارضه با روایات اباحه (یعنی روایات مروی از علی (علیه السلام) جابر بن عبدالله انصاری، ابن عباس، ابن مسعود، عمران بن حصین، عمر و بن حریش، ابوسعید خدری، عطاء، سعید بن جبیر، ابی بن کعب و ...) را ندارند، زیرا اکثر روایات تحریم فی نفسه از حیث سند ضعیف بوده و تمام آنها نسبت به روایات اباحه، از نظر سندی و دلالتی ضعیف می‌باشند به عبارت دیگر، روایات اباحه نسبت به روایات تحریم، از حیث سند قوی بوده و از حیث دلالت اظهر می‌باشند.

۴- بر فرض که بپذیریم روایات تحریم صلاحیت معارضه با روایات اباحه را دارند، ولی از آن جایی که جهات ترجیح مؤید روایات اباحه می‌باشند، - همانطور که در علم اصول مقرر گردیده است - روایات مرجوع (یعنی روایات تحریم) طرح و روایات راجح (یعنی روایات اباحه) اخذ می‌گردند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۱۱۱.

## اشکالات روایات تحریم

۱- تنها از طریق علما اهل تسنن روایت شده و کتب روایی امامیه فاقد آنها می‌باشند.

۲- در خود روایات، از نظر الفاظ و عبارات، اضطراب به چشم می‌خورد.

۳- روایات تحریم با یکدیگر معارض می‌باشند.

۴- از حیث سند ضعیف می‌باشند.

علاوه بر این روایاتی داریم که بر اباحه متعه دلالت می‌کند. از جمله:

۱- اکثر روایات اباحه از طریق مخالفین و مجوزین هر دو روایت شده، بلکه می‌توان گفت از

طریق فقها و بزرگان اهل تسنن روایت شده است. مراجعه به کتب صحاح سته، سنن بیهقی،

کنز العمال، تفسیر امام فخر رازی، طبری، قرطبی، بغوی و ... صحت این ادعا را تایید می‌نماید.

۲- اضطراب در عبارات و الفاظ روایات دیده نمی‌شود.

۳- تعارض میان روایات به چشم نمی‌خورد.

۴- راویان روایات اباحه همه از ثقه می‌باشند.

۵- بر فرض که بپذیریم «جهات ترجیح» در بین نبوده و روایات تحریم و روایات اباحه با

یکدیگر برابر باشند، قاعده اولیه در نزد فقها امامیه و گروهی از علما اهل تسنن «ساقط» و

رجوع به «اصل» است و اصل اباحه می‌باشند، زیرا اباحه اولیه متعه، در نزد فریقین، مجمع علیه

می‌باشد.

۶- بر فرض که بپذیریم قاعده اولیه در دو خبری که متعارض و متعادل باشد «تخییر»

می‌باشد نه «تساقط» همان طور که عده‌ای از علما اهل سنت، از جمله ابوحنیفه، بر این نظرند،

نهایت چیزی که گفته می‌شود این است که فقیه مخیر است که از میان «حلیت» متعه و

«حرمت» آن یکی را انتخاب کند و امامیه حلیت را انتخاب نموده‌اند. از این رو نه تنها نباید

مورد ملامت قرار گیرند، بلکه اجر و پاداش یافته، چرا که به اصل عملی‌ای عمل نموده‌اند که در

موارد شک، جهت رفع سرگردانی قرار گرفته است.<sup>۱</sup> با توجه به مطالبی که ذکر شد، بر فرض قبول این گونه نسخ، در صورتی می‌توان آیه را توسط سنت نسخ نمود که خبر نبوی، صحیح‌السند و مورد قبول تمام امت باشد، پس می‌گوییم:

۱- به طور قطع و یقین در علم اصول ثابت شده که نص و صریح قرآن با خبر و حدیث (هر چه هم که در صدورش شکی نباشد) نسخ نمی‌شود چرا که قرآن به اصطلاح «قطعی الصدور» می‌باشد به این معنی که در صدور و نزول آیات قرآن هیچ شک و شبه‌ای نیست. بنابراین احادیث و اخبار هر چه هم که صحیح‌السند باشد سلسله راویان آن خوب باشد از حیث صادر شدن هرگز به مرتبه قرآن نمی‌رسد، چرا که احادیث برای ما ظن به صدور حاصل می‌کند ولی قرآن، علم و قطع به صدور و امری که قطعی می‌باشد با یک امر ظنی نسخ نمی‌شود.

۲- ما حدیث نبوی در مورد نسخ متعه که صحیح‌السند و مورد قبول تمام امت باشد، نداریم. چرا که هر چه حدیث در حرمت متعه آمده به طور کلی از جانب راویان ضعیف، دروغگو و فاسق چون ابوه‌ریره و ... می‌باشد و خلاصه مورد اتفاق تمام امت (شیعه و سنی) نمی‌باشد و بر فرض قبول نسخ قرآن به حدیث، حدیثی چنین قدرت را دارد که مورد اتفاق تمام امت باشد، نه حدیثی که در مناسبت‌های دیگر می‌گویند. راویان آن کذاب، دروغگو و فاسقند. انسان عاقل هرگز حدیث چنین افرادی را قبول نمی‌کند.

۳- نهی پیامبر و نسخ آیه ثابت نیست نه خبر واحد و نه متواتر؛<sup>۲</sup> اما به تواتر ثابت نیست به دلیل آن که اگر به تواتر نهی پیامبر از متعه ثابت شده بود دیگر اختلافی میان امت نبوده و چنین حرف‌های متناقضی در کتب اهل سنت پیدا نمی‌شد و اما به خبر واحد ثابت نیست، به

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

<sup>۲</sup> - «خبر واحد» به خبری گویند که برای انسان ظن آور باشد یعنی قطع آور نباشد و نوع احادیث از این قبیل می‌باشد لذا به دستور - رسیده که احادیث را به قرآن عرضه کنید اگر موافق قرآن نبود آن‌ها را کنار بگذارید و در مقابل خبر واحد، خبر متواتر است و خبر متواتر خبری است که برای انسان علم آور باشد مانند خبر روز هیجدهم ذی الحجه (غدیر خم) که قریب به یک صد و بیست هزار نفر و بیش از صد صحابی پیامبر راوی آن می‌باشد.

دلیل آن که اگر پیامبر در زمان حیات خود از متعه نهی کرده بود عمر نمی‌گفت: من حرام می‌کنم و من جلوگیری می‌کنم. بلکه می‌گفت: پیامبر حرام کرده و او جلوگیری نموده است.

۴- بر فرض ثبوت با خبر واحد که آیه نسخ شده است باز هم فایده‌ای ندارد چرا که خبر واحدی که آیه نسخ شده است باز هم فایده‌ای ندارد چرا که خبر واحدی که در مقابلش نص قرآن قد علم کرده باشد، به اتفاق شیعه و سنی به هیچ دردی نخواهد خورد و قدرت نسخ آیه قرآن را ندارد.<sup>۱</sup>

### ۴-۳- نسخ در اجماع

یکی دیگر از ادله‌ای که منکرین جواز متعه بدان استناد کرده‌اند، اجماع است و تقریر استدلال از این قرار است که:

- درست است که نکاح متعه در عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) به حکم کتاب و سنت مباح بوده است ولی اجماع مسلمین - به استثناء امامیه - بر حرکت آن استوار گردیده است، از این «اباحه اولیه» متعه به حکم اجماع اهل تسنن منسوخ گردیده است. آن عده از علماء اهل سنت که منکر وجود آیه متعه بوده جواز و حرت متعه را به سنت نسبت می‌دهند، آن‌ها نیز - همانند قائلین به وجود آیه متعه - جهت اثبات «حرمت» متعه به اجماع استناد نموده‌اند. راغب اصفهانی در کتاب «المخاصرات» و ابو زکریا النووی الشافعی در «شرح صحیح مسلم» و قاضی عیاض و آلوسی و صاحب شرح فتح القدير و ... قائل به این نظر می‌باشند.

ابو زکریا النووی الشافعی در «شرح صحیح مسلم» می‌گوید: بر تحریم متعه «اجماع» متعقد گردیده است و به استثناء طائفه امامیه مخالف دیگری وجود ندارد.

<sup>۱</sup> - سیدمحمدحسین، سجاد، همان کتاب، ص ۱۱۸.



آلوسی در تفسیرش می‌نویسد: «در نزد ما، نزاعی در این نیست که نکاح متعه ابتدا حلال گردید و سپس حرام شد.»

شوکانی به نقل از «عیاض» می‌گوید: «جمیع علماء بر تحریم متعه اجماع نموده‌اند مگر روافض» - یعنی امامیه.<sup>۱</sup>

### چند ادعا

۱- در رد ادعای فوق کافی است که به چند نمونه از صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و تابعین و بزرگان اهل تسنن - اشاره نماییم که قائل به جواز متعه و مشروعیت آن بودند. الف) اشکال کرده‌اند که «روایت خیبر» که منسوب به امیر المؤمنین (علیه السلام) و ناظر بر «حرمت» بود حاکی از آن است که امیر المؤمنین (علیه السلام) از «مانعین» می‌باشند نه «مجوزین».<sup>۲</sup>

در پاسخ به اشکال فوق گفته می‌شود: روایت خیبر، اصولاً، بر زبان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جاری نگردیده و کتب سیره و مغازی نیز مؤید این مطلب می‌باشد و همین عدم ذکر، قرینه است بر این که استدلال ما نعین به روایت خیبر خالی از ضعف و اشکال نمی‌باشد، از نظر فقها امامیه، حضرت امیر (علیه السلام) قائل به جواز متعه بوده و اولین کسی بودند که عمرین خطاب (خلیفه دوم مسلمین) را به جهت نهی از متعه مورد انتقاد قرار دادند، روایات فراوانی از طریق علماء اهل سنت از امیر المؤمنین نقل شده که ناظر بر جواز متعه می‌باشند، از جمله: ابن جریر طبری (و امام فخر رازی ابوحیان) از «حکم» روایت می‌کنند، گفت: «قال علی رضی الله عنه: لو لا أن عمر نهی عن المتعه ما زنی الا شقی»؛ «حکم می‌گوید: علی رضی الله عنه فرمود: اگر عمر از متعه نهی نمی‌نمود، زنا نمی‌کرد مگر انسان شقی».

<sup>۱</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۱۱۴.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۱۱۵.

علامه کاشف الغطاء در «اصل الشیعه و اصولها» می‌گوید: «عجیب‌ترین این نسبت‌ها، نسبت نهی از متعه است که به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نسبت داده‌اند، در حالی که حلیت متعه شعار اهل بیت (علیه السلام) گردیده است، خصوصاً از حضرت علی (علیه السلام) روایت متواتری نقل گردیده که ناظر بر انکار حرمت متعه می‌باشند و از جمله این روایات روایت «لو لا نهی عمر عن المتعه ما زنی الا شقی» می‌باشد که به صورت ضرب المثل در آمده است.

ب) ابن کثیر و صاحب «تفسیر محاسن التأویل» می‌گویند: «از ابن عباس و گروهی از صحابه روایت شده که نکاح متعه، در حال ضرورت، مباح می‌باشد و در روایتی که از احمد بن حنبل نقل شده، احمد نیز بر این نظر می‌باشد.» ابن قدامه در «المغنی» می‌گوید: قول دیگری که از احمد بن حنبل نقل شده، این است که متعه مکروه است نه حرام، زیرا ابن منصور، درباره متعه، از احمد بن حنبل سوال نمود. احمد در پاسخ گفت: «در نزد من، اجتناب از آن پسندیده‌تر است و ابوبکر در توضیح کلام فوق می‌گوید: ظاهر کلام فوق این است که متعه مکروه است نه حرام»<sup>۱</sup>

با توجه به شواهد فوق، روشن گردید که اجماع ادعایی چیزی جز ادعا صرف نبوده که واقعیت امر خلاف آن را ثابت می‌نماید.

۲- حال، بر فرض که تنزیل مقام نموده و بپذیریم که چنین اجماعی محقق شود، باز بر فرض فوق چند اشکال وارد است:

الف) فقهاء امامیه، اجماع را هنگامی حجت می‌دانند که کاشف از قول معصوم باشد. به عبارت دیگر بما هو اجماع حجت نیست، آن اجماعی حجت است که کاشف از رأی و نظر معصوم (علیه السلام) باشد. شأن اجماع کاشفیت و مظهریت می‌باشد و گرنه اجماع به عنوان

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۲۵.

دلیل مستقل، در عداد سایر ادله استنباط، لحاظ نمی‌شود. بسیاری از فقهای سنت، نیز در این کلام - با اختلاف عبارات و مضامین - از نظر نتیجه با فقهای امامیه هم داستان می‌باشد.

صاحب «شرح فتح القدير» کمال الدین محمد ابن عبدالواحد می‌گوید:

«به نظر ما اجماع نمی‌تواند ناسخ باشد، مگر این که بگوئیم: به واسطه تحقق اجماع در

می‌یابیم که نکاح متعه به دلیلی که صلاحیت نسخ را دارد - نه خود اجماع - حرام

شده است، یا به واسطه تحقق اجماع بر تحریم، در می‌یابیم که همراه اجماع مذکور

دلیل ناسخی وجود داشته است.»<sup>۱</sup>

ب) اگر «مستند» اجماع دانسته شود، در این صورت آن چه که باید مورد لحاظ قرار گیرد «مستند» اجماع می‌باشد نه خود اجماع، به عبارت دیگر، نقش اجماع فاقد اعتبار بوده و آن چه که در حکم متعه می‌تواند مؤثر باشد «مستند» اجماع می‌باشد یعنی باید به مستند اجماع رجوع نموده اگر صلاحیت نسخ را داشته باشد، در این صورت حکم به «حرمت» متعه داده می‌شود والا بر «اباحه» خود باقی می‌ماند.<sup>۲</sup>

#### ۴-۴- نسخ به قول خلیفه ثانی

روایات بسیاری وجود دارد که تحریم متعه به خود خلیفه منسوب است و او بود که متعه را حرام و مرتکبان آن را تهدید به سنگسار شدن کرد. از این رو به ذکر چند نمونه از آنها می‌پردازیم:

۱- عمران بن حصین گفته است: آیه متعه در کتاب خدا نازل شد و رسول خدا (صلی الله

علیه و آله) ما را به انجام آن دستور فرمود. آن گاه آیه‌ای که متعه حج را نسخ کند نازل نشد و

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۲۶.

<sup>۲</sup> - همان.

رسول خدا ما را از آن نهی نکرد تا این که وفات کرد. بعدها مردی با صلاح دید خودش آن چه را که می‌خواست، گفت.<sup>۱</sup>

۲- مسلم از ابی نضره نقل کرده است: نزد جابر بن عبدالله بودیم که مردی وارد شد و گفت: ابن عباس و ابن زبیر در مورد متعه زنان و متعه حج، اختلاف نظر دارند. جابر گفت: ما این دو متعه را در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام می‌دادیم. آن گاه عمر از انجام آن دو نهی کرد و ما دیگر به آن باز نگشتیم.

۳- روایات بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهند گفته عمر از جمله خطبه‌های مورد اتفاق همه است که نشان می‌دهد عمر بن خطاب روی منبر گفت:<sup>۲</sup>

قال عمر بن خطاب: متعتان کانتا علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) و أنا أنهی عنهما و أعاقب علیهما: متعه الحج و متعه النساء: دو متعه در عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) بود که من از آن نهی نموده و مرتکب آن را عقوبت می‌نمایم: یکی متعه حج و دیگری متعه نساء.<sup>۳</sup>

یکی از ادله‌ای که ما نعین بدان استناد می‌کنند، همین قول عمر بن خطاب می‌باشد، و اما قول مخالفین:

### **قول اول: قول عمر بن خطاب**

اهل تسنن معتقدند که «نهی عمر بن خطاب مسبوق به نهی نبی (صلی الله علیه و آله) بوده است» به عبارت دیگر، خلیفه ثانی حلالی را حرام ننموده، بلکه آن چه را که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) حرام فرموده‌اند، به امت اعلام نموده است. از میان علماء اهل تسنن، امام فخر رازی شافعی، ابن قدامه مقدسی (شمس الدین) ابن قیم الجوزیه و دکتر محمد رواس قعله جی و شیخ محمدرشید رضا و ... کلام عمر را بر این معنا حمل نموده‌اند.

<sup>۱</sup> - جعفر، سبحانی، «همان مقاله»، ص ۷۰.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۷۱ و ۷۲.

<sup>۳</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۱۳۰.

ابن قدامه در کتاب «الشرح الکبیر» می‌گوید: «... بر فرض که بپذیریم حدیث عمر صحیح باشد، باید بگوییم که غرض خلیفه ثانی، اخبار از تحریم چیزی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را حرام فرمودند، زیرا متصور نیست که خلیفه ثانی چیزی را حرام نماید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را حلال فرموده باشد...»<sup>۱</sup>

در پاسخ گفته شده است که:

۱- قول به این که: نهی عمر بن خطاب، مسبوق به نهی نبی (صلی الله علیه و آله) باشد با ظاهر خبر «متعتان کانتا علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) و أنا أنهی عنهما و اعاقب علیهما...» مخالف می‌باشد، چرا که اگر نهی خلیفه ثانی، مسبوق به نهی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بود، لازم بود که عمر بن خطاب بگوید: «انه (صلی الله علیه و آله) حرّمها و نهی عنها» - یعنی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) متعه را حرام و نهی فرمودند... نه این که بگوید: «انما کانت علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) و أنا أنهی عنها و اعاقب علیها...» - یعنی متعه در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حلال بوده و من آن را حرام نموده و مرتکب آن را عقوبت می‌نمایم. و به این اشکال بعضی از اهل تسنن هم اشاره کرده‌اند.

۲- حکم حلیّت متعه منسوخ نگردیده است نه به کتاب و نه به سنت. در نتیجه، اصولاً نهی نیست تا نهی خلیفه دوم مسبوق به آن باشد.<sup>۲</sup>

۳- نهایت چیزی که کلام عمر بن خطاب بر آن دلالت می‌کند، این است که: «پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نکاح متعه را حلال و سپس آن را حرام فرمودند و من به عنوان خلیفه مسلمین، تحریم مزبور را به شما اعلام و ابلاغ می‌نمایم.» کلام فوق حجیت ندارد چرا که کسی از صحابه پیامبر چنین چیزی را نقل نکرده است و با اقوال اصحاب هم چون امام علی (علیه

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۳۱.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۱۳۳.

السلام)، ابن عباس، جابر، ابن مسعود، عمران بن حصین، عمرو بن حریث، ربیعہ بن امیہ و ... معارض می‌باشد.

۴- خلیفه ثانی، تحریم دو متعه را (یعنی متعه نساء و حج) را با لفظ واحدی بیان نموده است و حال آن که احدی از علماء اهل تسنن قائل به نسخ «متعه الحج» نشده و بر دوام حلیت آن تصریح نموده‌اند در نتیجه باید گفت که «متعه النساء» نیز همانند متعه حج محکوم به صحت و حلیت و عدم نسخ می‌باشد، زیرا حمل کلام عمر بن خطاب بر خصوص «متعه النساء» بعید، بلکه مقطوع النساء می‌باشد.<sup>۱</sup>

#### **قول دوم: تحریم متعه به جهت عدم اشهاد بوده است.**

به عبارت دیگر چون طرفین عقد نکاح متعه بر آن عقد، شاهد نگرفته بودند و در نتیجه اثبات نکاح و مولود آن، با اشکال مواجه می‌شد، از این رو عمر بن خطاب آن را نهی نمود.<sup>۲</sup> در پاسخ گفته شده است که:

پذیرش قول مزبور، از نظر ما بی اشکال است. زیرا: ۱- برخی از روایاتی که از عمر وارد شده، مؤید آن می‌باشند. ۲- این که قول مزبور مؤید نظر مجوزین می‌باشد، زیرا طبق قول مزبور، خلیفه ثانی نیز قائل به جواز متعه بوده، اما به جهت عدم اشهاد از آن نهی نموده است. البته پذیرش قول مزبور، به معنای این نیست که نهی عمر را بپذیریم، زیرا خلیفه ثانی در مقامی نیست که بتواند، به جهتی از جهات حلال خدا را حرام نماید.

عبدالرزاق نقل می‌کند که: «عمرو بن حریث با کنیز باکره‌ای از بنی عامر به نکاح متعه ازدواج می‌نماید و کنیز باردار می‌گردد. موضوع به اطلاع عمر می‌رسد. عمر از کنیز در مورد

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۳۴.  
<sup>۲</sup> - همان، ص ۱۴۱ و ۱۴۲.

ماوقع می‌پرسد، کنیز در پاسخ می‌گوید: عمرو بن حریث از او استمتاع نمود. عمر از عمرو بن حریث جریان امر را سؤال می‌نماید و عمرو بن حریث به ماوقع اعتراف می‌نماید. عمر می‌گوید: چه کسانی را بر نکاح شاهد گرفتی؟ عمرو بن حریث می‌گوید: نمی‌دانم، یا می‌گوید: مادر و خواهرش یا برادر و مادرش را. عمر بر بالای منبر رفت و گفت: مردان را چه می‌شود که متعه می‌نمایند و شاهد نمی‌گیرند، از این پس هر کس تمتع نماید، او را حد خواهد زد.»

### **قول سوم: نهی عمر بن خطاب از باب اجتهاد و رأی محض بوده است.**

به عبارت دیگر، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در تشریح احکام، همانند مجتهد بوده، لذا مجتهد لاحق (یعنی عمر بن خطاب) می‌تواند که از حکم مجتهد سابق (یعنی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)) عدول نماید.<sup>۱</sup>

در پاسخ گفته شده است که:

نهی خلیفه، «نهی اجتهادی» بوده است، آن چه را که انکار می‌کنیم این است که:

۱- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مجتهد نبوده‌اند و آن چه از احکام از ناحیه حضرت (صلی الله علیه و آله) تشریح شده، در واقع مفاد وحیی بوده که از سوی حق تعالی بر حضرت (صلی الله علیه و آله) نازل شده است. - ان هو الا وحی یوحی -

۲- هر نوع اجتهادی در قبال کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اجتهاد در قبال «نص» بوده بر بطلان آن اجماع قائم گردیده است.

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۴۳.

### قول چهارم: نهی عمر به مقتضای زمان بوده است.

به عبارت دیگر، نهی عمر نهی سیاسی و حکومتی بوده است نه «نهی شرعی و قانونی». یعنی عمر، به جهاتی تشخیص داده است که در حال حاضر صلاح حکومت اسلامی مسلمین در این است که نکاح متعه حرام گردد. علامه کاشف الغطا و استاد مطهری و ... قائل به این نظر شده‌اند.<sup>۱</sup>

استاد مطهری می‌گوید: «... طبق آن چه از تاریخ استفاده می‌شود، خلیفه در دوره زعامت، نگرانی خود را از پراکنده شدن صحابه، در اقطار کشور تازه وسعت یافته اسلامی و اختلاط با ملل تازه مسلمان پنهان نمی‌کرد. تا زنده بود مانع پراکنده شدن آن‌ها از مدینه بود و به طریق اولی از امتزاج خونی آن‌ها با تازه مسلمانها، قبل از این که تربیت اسلامی، عمیقاً در آن‌ها اثر بکند، ناراضی بود و آن را خطری برای نسل آینده به شمار می‌آورد و بدیهی است که این علت امر موقتی بیش نبود. علت اطاعت مسلمین نیز این بود که مصلحت سیاسی موقتی بود نه یک «قانون دائمی» و الا ممکن نبود خلیفه بگوید: پیغمبر چنین دستور داده و من چنین دستور می‌دهم و مردم هم باید بپذیرند...»<sup>۲</sup>

در نتیجه روشن می‌شود که نهی خلیفه مسبوق به نهی نبی (صلی الله علیه و آله) نبوده است و سه قول اینکه: نهی به جهت عدم اشهاد نهی از باب اجتهاد محض و نهی از باب مقتضیات زمان، هر یک از سه قول فوق پذیرفته شود، از نظر نتیجه مساوی است، چرا که همگی ناظر بر اینند که متعه در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مباح بوده و حلیت آن

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۴۵.

<sup>۲</sup> - استاد مرتضی، مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ ۵۱، انتشارات صدرا، خرداد ۱۳۸۸، ص ۶۹.



منسوخ نگردیده و نهی خلیفه نه تنها بر نسخ حلیت متعه دلالت نمی‌نماید، بلکه یکی از مؤیدات «استمرار» حلیت و جواز متعه می‌باشد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۱۴۷.

**بخش دوم:**

**بررسی دیدگاه اجتماعی و حقوقی  
ازدواج موقت**

**فصل اول:**

**از دواج موقت از دیدگاه اجتماعی**

## ازدواج موقت از دیدگاه اجتماعی

بررسی و مطالعه‌ای دقیق پیرامون مسائل حقوقی اسلام، این حقیقت را روشن می‌سازد که قوانین اسلام بر پایه نیازمندی‌های انسان در تمام شئون مختلف زندگی، وضع شده است و تناسب مستقیم با احتیاجات بشر دارد. احکام درخشان اسلام در عین اصالت و درستی، پاسخگوی خواسته‌های طبیعی و فطری بشر در ادوار زندگی است. یکی از نیرومندترین غرایز در وجود انسان غریزه جنسی است. این غریزه به منظور تولیدمثل و تکثیر نسل افراد در انسان آفریده شده است. تشریح قانون ازدواج در اسلام به منظور هدایت این غریزه اصیل در مجرای صحیح و ارضای آن به طور شایسته است. زیرا ازدواج دائم درعین حال که در جلوگیری از آلودگی‌ها و نگهداری عفت انسان نقش مؤثری به عهده دارد، در تمام شرایط نمی‌تواند پاسخگوی تمایلات جنسی انسان باشد. از اینرو در اسلام قانون ازدواج موقت تشریح شده است تا با استفاده از آن به خواسته‌های جنسی در تمام شرایط پاسخ مثبت داده شود. با توجه به این مقدمه به ضرورت اجتماعی ازدواج موقت می‌پردازیم:

### الف) ضرورت اجتماعی ازدواج موقت

ازدواج موقت یک قانون کلی و عمومی است که اگر به غرایز طبیعی انسان به صورت صحیحی پاسخ گفته نشود برای اشباع آن متوجه راه‌های انحرافی خواهد شد، زیرا این

حقیقت قابل انکار نیست که غرایز طبیعی را نمی‌توان از بین برد، و بر فرض هم اگر بتوانیم از بین ببریم، چنین اقدامی عاقلانه نیست؛ زیرا این کار یک نوع مبارزه با قانون آفرینش است. بنابراین راه صحیح آن است که آن‌ها را از طریق معقولی اشباع و از آن‌ها در مسیر سازندگی بهره‌برداری کنیم.<sup>۱</sup>

ازدواج موقت، برای تحکیم «خانواده» است نه برای کمونیزم جنسی و این از بدیهیات اسلام است؛ مردی نسبت به همسرش دچار کمبود علاقه می‌شود، اقناع نمی‌شود، اگر چنین پیش برود به طلاق منجر می‌شود، اگر متعه کند خانواده به طلاق نمی‌رسد و متلاشی نمی‌گردد. زنی همسرش وفات کرده، بچه‌هایش را دور خود جمع کرده و چراغ خانواده را روشن نگه داشته است، یا باید از امور جنسی محروم بماند و یا باید به کمونیزم جنسی روی آورد و یا باید فرزندان را رها کرده و خانواده را متلاشی کند و به دنبال نکاح دائم باشد. چنین زنی اگر متعه کند از این مفاسد منزه می‌ماند و ده‌ها مثال دیگر می‌توان آورد.

مقصود این نیست که موارد صحت متعه این است و اگر از این قبیل موارد نباشد باطل است بلکه، مقصود اشاره‌ای است به حکمت و فلسفه متعه تا توجه شود که اگر با این مسئله حیاتی، برخورد درست داشته باشیم، یکی از عوامل حفاظت و ایمنی «خانواده» را در جامعه تأمین کرده‌ایم. متعه وسیله‌ای برای صلاح و اصلاح است و اگر با آن برخورد نادرست داشته باشیم و ماهیت و نیز حکمت آن را نفهمیم به وسیله و ابزاری برای کمونیزم جنسی و براندازی خانواده و جامعه تبدیل می‌شود.<sup>۲</sup>

با توجه به مسئولیت و محدودیت دائمی که ازدواج دائمی برای زن و مرد، می‌آورد در پاره‌ای از زمان‌ها و مکان‌ها برای بعضی، ازدواج دائمی دشوار و یا غیرممکن است، در عصر ما برای

<sup>۱</sup> - اسناد ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، جلد ۳، چاپ سی و یکم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰، ص ۳۸۰.

<sup>۲</sup> - مرتضی، رضوی، جامعه‌شناسی متعه، حلقات (۳)، انتشارات مؤلف، ۱۳۸۶، ص ۲۰.

بیشتر جوانان که تا سن ۲۵ یا ۳۰ سالگی به تحصیل اشتغال دارند و تا قبل از گرفتن مدرک تحصیلی و شغل نمی‌توانند ازدواج دائمی نمایند، در این سال‌های بلوغ و بحرانی که فعالیت جنسی به اوج خود می‌رسد، جوانان غربی دو راه در پیش روی خود دارند: یکی این که به کلیسا بروند و پسران راهب و دختران راهبه شوند و با ریاضت و رهبانیت و خوردن دارو با غرایز جنسی خود مبارزه کنند و دیگری راه اکثریت یعنی آزادی جنسی دختر و پسر را بپذیرند و به طور نامشروع با یکدیگر رابطه برقرار نمایند. اسلام که در تمام مسائل، دین فطری و اعتدال است از میان این دو راه افراط و تفریط، راه سالم و طبیعی و خالی از هرج و مرج و فساد به بشر ارائه نموده و آن ازدواج موقت است. ازدواج موقت در چنین مواقعی جوانان را از انحراف و فساد و فحشا باز می‌دارد و جسم و روح آنان را آرامش می‌دهد و موجب آرامش و آسایش فکری در دوران تحصیل می‌شود تا جوانان با سرعت و موفقیت آن را به پایان برسانند و همان طور که از روایات بر می‌آید، هدف از قانون ازدواج موقت، هوسرانی و بلهوسی نیست و از این رو ائمه (علیه السلام) در بعضی از روایات کسانی را که همسر دارند، از ازدواج موقت نهی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

ائمه اطهار که پاسدار دین مبین هستند برای عدم فراموشی و ترک این سنت الهی، به آن ترغیب و تشویق فراوان کردند. امام جعفر صادق (علیه السلام) می‌فرمود: «یکی از موضوعاتی که من هرگز در بیان آن تقیه نخواهم کرد موضوع متعه است»<sup>۲</sup> و این جا بود که یک مصلحت و حکمت ثانوی با حکمت اولی تشریح نکاح منقطع توأم شد و آن کوشش در احیاء یک «سنت متروکه» است. آن جا که ائمه اطهار مردان زن دار را از این کار منع می‌کردند به اعتبار حکمت اولی این قانون است. خواسته‌اند بگویند این قانون برای مردانی که احتیاجی ندارند وضع نشده

<sup>۱</sup> - عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، همان کتاب، ص ۸۹.

<sup>۲</sup> - مرتضی، مطهری، همان کتاب، ص ۶۸.

است، هم چنان که امام کاظم (علیه السلام) به علی بن یقطين فرمود: «تو را با نکاح متعه چه کار و حال آن که خداوند تو را از آن بی نیاز کرده است.»<sup>۱</sup>

و به دیگری فرمود:

«این کار برای کسی رواست که خداوند او را با داشتن همسری از این کار بی نیاز نکرده است. و

اما کسی که دارای همسر است، فقط هنگامی می‌تواند دست به این کار بزند که دسترسی به

همسر خود نداشته باشد.»<sup>۲</sup>

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «هرگاه بدانم شخص نااهلی متعه کرده است، حد زنای

محصن را بر او جاری ساخته و سنگسارش خواهم کرد.»<sup>۳</sup>

ازدواج دائم نه در گذشته و نه در امروز به تنهایی جواب گوی نیازهای جنسی همه طبقات

مردم نبوده و نیست و ما در سر دوراهی قرار داریم یا باید فحشا را مجاز بدانیم و یا طرح ازدواج

موقت را بپذیریم. طرح ازدواج موقت نه شرایط سنگین ازدواج دائم را دارد که با عدم تمکین

مالی یا اشتغالات تحصیلی و مانند آن سازگار نباشد و نه فجایع جنسی و فحشاء را در بر دارد.<sup>۴</sup>

میان انسان و دیگر جانداران، تفاوت‌های بسیاری است. خرد، ایمان، نطق و زندگی اجتماعی

برخی از سرمایه‌های اختصاصی انسان است که او را با هر جاندار دیگری متفاوت می‌کند. اما در

میان صفات آدمی، ویژگی‌های دیگری را نیز می‌توان یافت که غیر او دیده و شناخته نشده

است. یکی از این مختصات و صفات ویژه دوام میل جنسی در اکثر روزها و ماه‌ها و سال‌های

زندگی او است. دیگر موجودات زنده، در غیر ایام جفت‌گیری از خود تمایلی به جنس مخالف

نشان نمی‌دهند. جانوران جز برای تولیدمثل و تداوم نسل که آن نیز به حکم غریزه است، کنار

---

<sup>۱</sup> - محمدبن الحسن، الحر العاملی، تفصیل وسائل الشیعه، جلد ۲۱، مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام)، ۱۳۷۴، ص ۲۲.

<sup>۲</sup> - همان.

<sup>۳</sup> - مرتضی، مطهری، همان کتاب، ص ۶۹.

<sup>۴</sup> - استاد ناصر، مکارم شیرازی، همان کتاب، جلد ۳، ص ۳۸۱.

هم نمی‌آیند و از همسری با یکدیگر لذت نمی‌برند. اما میل جنسی در آدمی از ماه‌های بلوغ آغاز می‌شود و تا آخرین سال‌های عمر او ادامه می‌یابد. نیز باید توجه داشت که اسلام مبین هرگز منکر پاسخگویی به نیازهای جنسی نشده، بلکه همواره به اجابت صحیح و آبرومندانه آن توصیه فرموده است. هیچ دین و طرحی را نمی‌توان یافت که به اندازه آیین حیات بخش اسلام، بر نیازهای طبیعی بشر صحنه گذاشته و برای آن‌ها برنامه‌های عملی داشته باشد. انسام سالم و بالغ، همواره با تمایلات طبیعی و غرایز جنسی خود درگیر است و تا به آن‌ها پاسخ نگوید آرامش نمی‌یابد. راه‌هایی که انسان‌ها برای پاسخ به این نیاز مستمر خود یافته‌اند دو نوع است: ۱- راه‌های مقبول و سالم ۲- راه‌های ناهنجار و آسیب‌زا. انواع ازدواج‌های شرعی و قانونمند، در شمار راه‌های مقبول و سالم قرار می‌گیرند، اما هرگونه زناشویی که تحت هیچ‌گونه قانون و ضابطه‌ای قرار نگیرد، آسیب‌های جدی بر فرد مربوط و جامعه او وارد می‌سازد. این آسیب‌ها به گسترش فحشا و منازعات خانوادگی و بیماری‌های جسمی محدود نمی‌شود، زیرا محرومیت‌های جنسی و ارضای ناهنجار غرایز طبیعی، بیماری‌های جسمی و روحی بسیاری می‌آفریند که ربط برخی از آن‌ها به مسائل جنسی هنوز ناشناخته است، بزهکاری، بروز انواع بحران‌های اجتماعی، استرس‌های مزمن، افراط و تفریط در امور عادی زندگی، حساسیت‌های بی‌جا، خستگی، افسردگی، زودرنجی، عصبیت‌های آزار دهنده، نامهربانی با اطرافیان و ... شماری اندک از آثار و پیامدهای اختلالات جنسی است.

بنابراین باید به ساماندهی جنسی در جامعه خود بیش از پیش بیندیشیم و از میزان آسیب‌هایی که از این رهگذر گریبان اخلاقیات اجتماعی را می‌گیرد، بکاهیم نیاز انسان‌ها به زناشویی از نوع نیازهای آنان به تفریح یا از جنس احتیاجات فصلی و دوره‌ای نیست، بلکه هم چون خوردن و آشامیدن، همواره وجود دارد و نادیده گرفتن آن نیز دردی را دوا نمی‌کند. آمارها نیز نشان می‌دهند که هیچ‌گونه نهی و منعی در این زمینه‌ها کارساز نیست و بستن



راه‌های حلال، راه‌های بی‌شمار حرام را می‌گشاید. خداوند در قرآن<sup>۱</sup> می‌فرماید: «ما زناشویی را در شبهای روزه بر شما حلال کردیم، زیرا به حتم چنین نمی‌کردیم شما خیانت کرده، حکم الهی را زیر پا می‌گذاشتید.»<sup>۲</sup>

اکنون در همه کشورهایی که برخوردار از مدیریت‌های علمی و توانمندند، طرح جامعی تحت عنوان «سازماندهی جنسی»<sup>۳</sup> در حال اجرا است. این طرح‌ها بالطبع با عقاید و مقبولات آنان هماهنگ است و نمی‌توان در کشورها و جوامع مختلف از یک طرح جامع پیروی کرد. آن چه پیدا است اهتمام و کوشش خستگی‌ناپذیر مدیران و حاکمان کشورهای گوناگون برای حل این مسئله است و تقریباً هیچ‌یک از آن‌ها به منع و نهی اکتفا نکرده‌اند، بلکه کوشیده‌اند از طرح‌ها و برنامه‌های ایجابی - نه سلبی - سود جویند. این، در حالی است که معمولاً در غیر کشورهای اسلامی، حساسیت و سخت‌گیری‌های کمتری در مسائل جنسی وجود دارد، زیرا در محیط‌های لائیک و سکولار، آمیزش ممنوع، مصادیق بسیار اندک دارد. با وجود این، آنان کوشیده‌اند هنجارها و فرهنگ خود را در این عرصه نیز حاکم کنند و آمیزش‌های نامتعارف را به حداقل برسانند.

آشکار است که نمی‌توان ازدواج دائم را دواي همه دردها و تنها درمان فراگیر دانست زیرا:

۱- اگر چنین بود نباید اکنون شاهد بزهکاریهای جنسی در سطحی گسترده باشیم. پدیده زشت و نامبارک زنان خیابانی، حکایت از آن دارد که ازدواج دائم برای همگان میسور نیست و برخی از زنان و مردان، نیازهای فوری‌تر و موقتی دارند که اگر اجابت نشود، کشوری را با خود غرق خواهند کرد.<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> - سوره بقره (۲)، آیه ۱۸۷.

<sup>۲</sup> - حجت، موسوی خوئی، همان کتاب، ص ۱۳۳.

<sup>۳</sup> - نظم و نظام بخشیدن به امور جنسی جامعه.

<sup>۴</sup> - حجت، موسوی خوئی، همان کتاب، ص ۱۳۵.

۲- زناشویی، فقط به منظور تولید مثل نیست و آدمیان نیازهای متفاوت دیگری نیز به ازدواج دارند. زناشویی رسمی و دائمی، در صورتی رخ می‌دهد که زن و مرد علاوه بر ارضای جنسی، به امور دیگری مانند زندگی خانوادگی و ارتقای سطح روابط خود با جامعه نیز بیندیشند. اما گاه فقط آتش شهوت، آنان را به سمت جنس مخالف می‌کشد و به دلائل گوناگون راضی به تشکیل خانواده یا اموری مانند آن نیستند. آری، می‌توان این گروه از مردان و زنان را سرزنش کرد و آنان را به دلیل خودداری از تشکیل خانواده، انسان‌های ناقص و ضعیف النفس شمرد؛ اما نمی‌توان وجودشان را انکار کرد. جامعه سالم اگر چه باید به وضعیت مطلوب و آرمانی خود بیندیشد، اما نباید از مدیریت بحران‌های موجود و مقدمه‌سازی برای دوران گذرا غافل بماند. آن چه مسلم است وجود پدیده فحشا و روابط ناسالم در اجتماع است. انکار و نادیده گرفتن این پدیده هیچ کمکی به حل آن نمی‌کند، بلکه بر وخامت آن خواهد افزود و مرزهای آن را گسترش می‌دهد.

۳- بنابر آمار رسمی، سن ازدواج در ایران افزایش یافته و در پسران از مرز ۳۰ سال گذشته است. آمارهای دیگری نیز وجود دارد که توجه به آن‌ها چراغ‌های خطر را در سرتاسر کشور روشن می‌کند. اعداد و ارقام زیر، پرده از برخی واقعیت‌های جامعه شهری ایران برمی‌دارد و نشان می‌دهد که در زیر پوست شهر چه می‌گذرد:

۲۵ میلیون نفر از جمعیت کشور، جوانان بالای ۱۵ سال هستند و ما در هیچ دوره‌ای با این کمیت برای برنامه ریزی مواجه نبودیم.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۳۶.

فاصله سن بلوغ و تأهل و شاغل شدن جوانان از ۵ سال به ۱۵ سال افزایش یافته است. عدم توازن نسبت‌های جنسی افراد ازدواج نکرده در دهه ۶۵ تا ۷۵ به رشد فزاینده زنان ازدواج نکرده انجامیده است.

جمعیت دختران در سن ازدواج (در سال ۱۳۸۲)، ۷۹۰ هزار نفر بیش از پسران است و در شش سال گذشته بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر از دسترسی به ازدواج محروم ماندند. از ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار جوان در سن ازدواج، سالانه ۲ میلیون نفر موفق به ازدواج نمی‌شوند. سازمان ملی جوانان اعلام کرد: یک میلیون و ۲۵۰ هزار دختر ۲۰ تا ۲۹ ساله ایرانی، به احتمال قوی بدون همسر باقی خواهند ماند. بر اساس گزارش تحقیقی این سازمان، تعداد دختران ۲۰ تا ۲۹ ساله حدود ۶ میلیون، و تعداد پسران ۲۵ تا ۳۴ ساله، حدود ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر است. با در نظر گرفتن این واقعیت که پسران به ازدواج با دختران در گروه سنی پایین تر تمایل بیشتری نشان می‌دهند، نتیجه گرفته می‌شود که یک میلیون و دویست و پنجاه هزار دختر شانس ازدواج نخواهند داشت و اگر به این ارقام، تعداد دختران بالای ۲۹ سال را نیز اضافه کنیم، شاید به رقمی بالغ بر ۷ میلیون نفر دست یابیم. آمار طلاق ۲۹٪ و آمار ازدواج ۷٪ افزایش یافته است.<sup>۱</sup>

۴- اگر سنت مقدس و مبارک ازدواج دائم، قادر به حل همه مسائل و مشکلات جنسی جامعه بود، پدیده ازدواج موقت در اسلام تشریح نمی‌شد. اگر چه پاره‌ای از مذاهب اسلامی به مخالفت با این نوع پیوند شرعی شهرت دارند، اما اکنون عملاً به سوی آن می‌روند و فتوایی جدید صادر می‌کنند. تا کنون فقط شیعیان به پیروی از اولیای معصوم خود از عقد موقت (متعّه) حمایت می‌کردند؛ اما اندک اندک سایر فرق اسلامی نیز تمایلاتی به این نوع عقد از خود نشان می‌دهند. بی شک و گمان اربابان مذهبی که به مخالفت با متعه (ازدواج موقت)

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۳۷.

شهره هستند، اگر راه دیگری برای حل مسائل جامعه خود می‌یافتند، به این سو نمی‌آمدند و سابقه تاریخی خود را در مخالفت با نکاح موقت، زیر سؤال نمی‌بردند. آن چه اکنون تحت عناوین جعلی و جدید - مانند «مسیار» - در جهان اهل سنت رایج شده است، همان عقد موقتی است که شیعیان به استناد قرآن<sup>۱</sup> و روایات، در قرون گذشته از آن دفاع می‌کردند و در عصر حاضر نیز بر آن پای می‌فشارند. جوامع غیر دینی، برای حل مسائل گوناگون خود، بیشتر بر تجربه‌ها و رهیافت‌های بشری تکیه دارند؛ اما جهان اسلام برای دستیابی به مدیریت صحیح و کارآمد اجتماع، گریزی از مراجعه به متون و نصوص کهن ندارد. بدین رو، بر دانشمندان اسلامی است که بیش از پیش به سنت‌های اصیل و مستند مراجعه کنند و درمان را در آن‌ها بجویند. شاید همین مراجعات و امعان نظرها موجب گشته است که اکنون کمابیش شاهد فتاوایی باشیم که از اهل سنت صادر می‌شود و به نوعی ازدواج کوتاه مدت را تأیید می‌کنند. چندی پیش مجمع فقهی مکه فتوا به جواز عقدی داد که اگر چه عنوان آن «مسیار»<sup>۲</sup> است، اما تفاوت چندانی با عقد موقت شیعی ندارد. افزون بر آن گاهی از ازدواج‌های عرفی و رفاقتی نیز یاد می‌کنند که بیشتر مربوط به محیط‌های غیر دینی یا لائیک است. به هر حال، هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از نوعی ازدواج زمانمند نیست؛ زیرا این واقعیت را باید پذیرفت که نیازهای انسان فراتر از تشکیل خانواده و تکثیر نسل است.<sup>۳</sup>

در کشور ژاپن ازدواج آزمایشی به نام آشی ایرو رایج است که تقریباً مشابه نکاح منقطع می‌باشد. در کشور ژاپن، به منظور روشن شدن آن نکته که آیا زوجه مورد پسند زوج می‌باشد،

<sup>۱</sup> - سوره نساء (۴)، آیه ۲۴.

<sup>۲</sup> - معنای لغوی مسیار: سیر به سوی زوجه و خوشحال نمودن وی می‌باشد و در اصطلاح نوعی ازدواج در فقه اسلامی است که در آن زن و شوهر با قرار دادن شروطی در عقد نکاح از برخی حقوق و تکالیف خود مانند نفقه، زندگی مشترک و ... صرف نظر می‌کنند. زن و شوهر جدا از هم زندگی می‌کنند و ازدواج به طور رسمی ثبت نمی‌شود. بیشتر در میان اعراب سنی مذهب ساکن عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس شایع است.

<sup>۳</sup> - حجت، موسوی خوئی، همان کتاب، ص ۱۳۹.

قبل از انجام ازدواج رسمی، زوجه به مدت یک ماه به منزل زوج می‌رود. در این مدت، زوجه دو عنوان دارد، هم عنوان زوجه موقت بر وی صادق بوده و هم این که دوران آزمایشی ازدواج را طی می‌نماید. این ازدواج را «آشی ایرو» می‌نامند.<sup>۱</sup> در این مدت، تمام لوازم و روابط زناشویی برقرار می‌باشد و فرزند حاصل از زوجین متعلق به آن‌ها خواهد بود - به عبارت دیگر قاعده فراش جاری می‌باشد - اگر بعد از انقضاء مدت مزبور، زوجه مورد پسند زوج واقع نشد، در این صورت فرزند متعلق به زوج بوده و زوجه بعد از جدایی از عده شش ماهه، می‌تواند با دیگری ازدواج نماید.<sup>۲</sup>

علامه طباطبایی می‌گوید:

«... اگر با نظر عمومی و وسیعی به جهان انسانی دقت نمایید، عیناً مشاهده خواهید کرد که آمیزش جنسی جامعه بشری را به نکاح و ازدواج دائمی نمی‌توان محدود ساخت و هرگونه آمیزش دیگری را غیرقانونی شمرد و هرگز دائر بودن ازدواج دائمی نمی‌تواند این غریزه جنسی را ارضا نموده، پاسخ کافی دهد. دولت‌های رسمی در هیچ یک از کشورهای متمدن و نیمه متمدن، با هیچ وسیله‌ای نتوانسته‌اند از شیوع آمیزش‌های موقتی جلوگیری نمایند و در همه شهرهای بزرگ مراکزی، آشکارا یا پنهانی، برای این عمل وجود دارد، در این صورت مذهبی که می‌خواهد آمیزش جنسی را محدود به ازدواج نماید و به طور کامل از زنا جلوگیری نماید، ناگزیر است، ازدواج موقتی را با شرایط خاصی که مفسد زنا را رفع می‌کند در قانون خود بگنجانند تا پاسخ کافی به اقتضاء این غریزه عمومی بدهد.»

در کلام حضرت امیر المؤمنین است: «اگر خلیفه دوم، ازدواج موقت را ممنوع نمی‌کرد، تنها

کسانی زنا می‌کردند که از گمراهی مشرف به هلاکت بودند.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - آشی ایرو: به معنای «پا رفتن» یا «موقت» می‌باشد. آشی به معنای پا و ایرو به معنی رفتن است.

<sup>۲</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۱۸۸.

<sup>۳</sup> - همان، ص ۱۸۳.

استاد شهید مرتضی مطهری (ره) در کتاب نظام حقوق زن در اسلام، پس از بیان پاره‌ای از احکام فقهی عقد دائم و موقت، نظر صریح خود را درباره این نوع پیوند زناشویی، چنین اعلام می‌کند: «این است آن چیزی که به نام ازدواج موقت یا نکاح منقطع در فقه شیعه آمده و قانون مدنی ما نیز عین آن را بیان کرده است. بدیهی است که ما طرفدار این قانون با این خصوصیات هستیم؛ اما این که مردم ما به نام این قانون سوءاستفاده‌هایی کرده و می‌کنند، ربطی به قانون ندارد. لغو این قانون، جلو آن سوءاستفاده‌ها را نمی‌گیرد، بلکه شکل آن را عوض می‌کند؛ به علاوه صدها مفسد دیگری که از لغو قانون برمی‌خیزد. ما نباید آن جا که انسان‌ها را باید اصلاح و آگاه کنیم، به دلیل عدم عرضه و لیاقت در اصلاح انسان‌ها مرتباً به جان مواد قانونی بیفتیم، انسان‌ها را تبرئه کنیم و قوانین را مسئول بدانیم.»

یکی از نکات شنیدنی استاد در این زمینه، نقل نمونه‌هایی از توصیه‌های دانشمندان غربی به ازدواج‌های کوتاه مدت است. سپس می‌افزاید از آن جا که این قانون (ازدواج موقت) یک میراث شرقی است، آماج تیرهای خشم و نقد قرار گرفته است؛ اما اگر یک تحفه غربی محسوب می‌شد، امروز همایش‌ها و سمینارهای بسیاری در کشف کرامات و درک فضائل آن برگزار می‌کردند. اما اندک اندک مغرب زمینیان نیز به سودمندی این نوع پیوند آگاه شده، کسانی هم چون برتراند راسل علناً از آن سخن گفته‌اند.<sup>۱</sup>

برتراند راسل دانشمند معروف انگلیسی در کتاب زناشویی و اخلاق تحت عنوان «زناشویی آزمایشی» آورده است مفید به نظر می‌رسد. او پس از ذکر طرح یکی از قضات محاکم جوانان به نام «بن بی لیندسی» در مورد «زناشویی دوستانه» یا زناشویی آزمایشی چنین می‌نویسد: «طبق طرح «لیندسی» جوانان باید قادر باشند در یک نوع زناشویی جدید وارد شوند که با زناشویی‌های معمولی (دایم) از سه جهت تفاوت دارد: نخست این که طرفین قصد بچه دار شدن

<sup>۱</sup> - استاد مرتضی، مطهری، همان کتاب، ص ۴۹.

نداشته باشند، از این رو باید بهترین طرق پیشگیری از بارداری را به آن‌ها بیاموزند، دیگر این که جدایی آن‌ها به آسانی صورت پذیرد، و سوم این که پس از طلاق، زن هیچ گونه حق نفقه نداشته باشد».

«راسل» بعد از ذکر پیشنهاد «لیندسی» که خلاصه‌ی آن در بالا بیان شد، چنین می‌گوید: «من تصور می‌کنم که اگر چنین امری به تصویب قانونی برسد گروه کثیری از جوانان از جمله دانشجویان دانشگاه‌ها تن به ازدواج موقت بدهند و در یک زندگی مشترک موقتی پای بگذارند، زندگی که متضمن آزادی است، و رها از بسیاری از نابسامانی‌ها و روابط جنسی پر هرج و مرج فعلی می‌باشد.»

طرح فوق درباره‌ی ازدواج موقت از جهات زیادی همانند طرح اسلام است، منتها شرایط و خصوصیتی که اسلام برای ازدواج موقت آورده از جهات زیادی روشن‌تر و کامل‌تر است. در ازدواج موقت اسلامی هم جلوگیری از فرزند کاملاً بی‌مانع است و هم جدا شدن آسان و هم نفقه واجب نیست.<sup>۱</sup>

### **(ب) آثار اجتماعی ازدواج موقت**

طرفداران نکاح منقطع، فوایدی چند را در مورد آثار اجتماعی ازدواج موقت چنین بیان می‌کنند:

۱- متعه، مانع از فحشا و فساد می‌شود. در اجتماعی که متعه به رسمیت شناخته نشده است، از جهت این که وقوع ازدواج دائم همیشه ممکن نیست، روابط آزاد در بین مردم گسترش یافته و فحشا و فساد توسعه پیدا می‌کند.

---

<sup>۱</sup> - استاد ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، همان کتاب، جلد ۳، ص ۳۸۴.

۲- روابط آزاد دارای نظم و انضباطی نبوده و تعهداتی برای اشخاص ایجاد نمی‌کند. اما عقد منقطع دارای نظم و قاعده است و تعهداتی برای طرفین ایجاد می‌کند و به مراتب بهتر از روابط آزاد می‌باشد. عقد منقطع، به ویژه از لحاظ اولاد، مزیت قابل توجهی نسبت به روابط آزاد داشته و فرزندان ناشی از نکاح منقطع قانوناً به پدر و مادر ملحق می‌شوند و دارای تمام حقوق فرزندان مشروع می‌باشند.

۳- کسانی که نمی‌توانند پیمان زناشویی دائم ببندند و بار مسئولیت‌های سنگین ناشی از آن را به دوش بکشند، عقد منقطع راه سالم و سهل و ساده‌ای برای ارضای غرایز جنسی، پیش پای آن‌ها می‌گشاید.

۴- عقد منقطع، چنان که در بسیاری از خانواده‌ها معمول است، در دوره نامزدی اشخاصی که پای بند به سنن اخلاقی و مذهبی هستند، راه حلی برای رفت و آمد مراودات نامزدها پیدا خواهند کرد و از زیان‌های ناشی از این مراودات، به ویژه بارداری دختر، در این دوره خواهد کاست.

۵- نکاح منقطع، به عنوان یک دوره آزمایشی، برای رسیدن به نکاح دائم، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۱</sup>

۶- هنگامی که زن در ایام عادت ماهانه و حاملگی و مریضی است و مرد نمی‌تواند با او هم بستر شود.

۷- اگر کسی همسرش بد دهان و بی ادب و آزار دهنده باشد و مرد توانایی رهایی از آزار و اذیت او را ندارد و ضمناً به علت مسائل متعدد، از جمله رعایت حال فرزندان، نمی‌تواند او را طلاق دهد.

---

<sup>۱</sup> - نورمحمد، صبری، «مقاله: ازدواج چرا و چگونه؟»، نشریه دادگستری، شماره ۱۷، بی تا.



- ۸- کسانی که با همسران خود اختلاف پیدا کرده و گرفتار دادگاه خانواده شده‌اند و تا مدتی از همسرشان جدا هستند.
- ۹- جوانانی که نیروی شهوت و غریزه جنسی بر آنان غلبه می‌کند و بیم آن دارند که به گناه و زنا آلوده شوند.
- ۱۰- برای افرادی که همسرشان را از دست داده‌اند و بچه‌هایشان مخالف ازدواج دوم هستند.
- ۱۱- مردانی که دارای مشاغلی مانند رانندگی هستند، یا افرادی که دائم در مأموریت‌های اداری و بازاریابی و ... در شهرهای دیگر به سر می‌برند و از شهر و خانواده خود دور هستند.
- ۱۲- برای مردان سالخورده و زنان میان سال و پیر که همسران خود را از دست داده‌اند، مناسب است و باعث آرامش روحی آنان می‌شود.
- ۱۳- زنانی که بیوه هستند و به دلایلی امکان ازدواج دائم ندارند و در تأمین مخارج زندگی در عسرت و سختی به سر می‌برند.<sup>۱</sup>

### **ج) علل عدم پذیرش عمومی ازدواج موقت از سوی جامعه (اجتماع)**

در محیط‌های دینی و اسلامی به رغم حساسیت‌های ویژه‌ای که در این باره وجود دارد، هنوز طرح جامع و کارسازی ارائه و عملی نشده است! چرا؟ شاید از آن رو که هنوز در مسیر فرهنگ سازی مناسب و قدرتمند حرکت نکرده، هم چنان به نهی و نهیب‌های اخلاقی بسنده می‌کنیم. در جامعه‌ای که بستر حرام گسترده است و راهکارهای مقبول و حلال در محاق فراموشی قرار گرفته‌اند، طبیعی است که نا به هنجاری‌ها بیداد کنند و فواره آمارهای منفی همواره رو به بالا رود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - محمد، ابراهیم آوازه (رضوی)، قانون قوه باه، آداب زناشویی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات سلسله، اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۱۱۳.

<sup>۲</sup> - حجت، موسوی خوئی، همان کتاب، ص ۱۳۵.

ازدواج موقت به رغم تردید ناپذیری آن از نگاه فقه شیعه، یکی از موضوعاتی است که دست کم در دهه‌های اخیر از بعد اجتماعی فرهنگی یکی از مسائل چالش انگیز بوده است و به رغم خودداری‌هایی که در اصل طرح آن به ویژه از سوی متولیان اجتماعی وجود داشته اما عطف توجه اذهان زیادی شده و مباحث قابل توجهی را نیز به خود اختصاص داده است. ازدواج موقت از موضوعات دیرپای فقهت اسلامی و از نخستین مسائلی است که از آغاز اسلام و جوانه زدن اندیشه و احکام و مبانی اسلامی در قالب ساختاری اجتماعی - سیاسی، گفتگو و مباحثه شده است. نکته شگفت آور این که با وجود قوی بودن بُعد خصوصی ازدواج موقت و ارتباط نزدیک آن با حریم شخصی افراد، از آغاز اسلام این مسئله ابعاد سیاسی به خود گرفت، به گونه ای که دستگاه سیاسی و نظام خلافت اسلامی، نسبت به آن موضع گرفت، به دنبال آن، گفتگو از جنبه سیاسی فراتر رفت و پذیرش یا انکار و مخالفت با آن، از شعارهای اعتقادی و نشانه نگرش فکری - مذهبی فرقه‌ها و نحله‌های مختلف اسلامی قرار گرفت.<sup>۱</sup>

در ازدواج موقت هدف اصلی تشکیل خانواده نیست، بلکه داشتن روابط جنسی قانونی در مدتی معین مدنظر است اما در وضعیت فعلی جامعه ما مشکلی که وجود دارد و مسئله‌ای که هست این است که این راه مشروع به علت مخالفت‌های اجتماعی بسته شده و افرادی که به این نوع ازدواج نیاز دارند برخلاف نظر دین یا باید محرومیت بکشند و یا از طریق مشروع استفاده کنند و این در حالی است که جامعه به راحتی با راه‌های غیرمشروع موافقت می‌کند ولی در رابطه با ازدواج موقت، حساسیت نشان می‌دهد. به طوری که اگر کسی را سراغ داشته باشند که رفتارهای غیرمعمول جنسی دارد و در بحث فحشا فعال است، به حد کسی که در محل

---

<sup>۱</sup> - مصطفی، جعفر پیشه فرد، «مقاله: ازدواج موقت واقعیت‌ها و راهکارها»، مجله پیام زن، خرداد ۱۳۸۶، ص ۱.

بشناسندش که این خانم متأهل اهل متعه است و ازدواج موقت می‌کند، انگشت نما نیست، بنابراین حساسیت‌هایی که جامعه دارد، باعث شده است که این راه شرعی بسته شود.<sup>۱</sup>

## ۱- روی نیاوردن شیعیان به ازدواج موقت

اختلاف نظر و رأی فقهی اهل بیت (علیه السلام) در ازدواج موقت با دیگر مذاهب اسلامی، مانند روز روشن بوده و تردیدی در آن نیست. با این وجود نه تنها این حلال و مباح شرعی، مورد استقبال مسلمانان (که پیرو مذاهب اهل سنت بودند) قرار نگرفت، بلکه باید پذیرفت این کار حلال، از احکام متروک و فراموش شده‌ای شمرده می‌شود که حتی توسط بیشتر پیروان اهل بیت انجام نشد و با رویکردی منفی روبه‌رو گردید. انجام ندادن ازدواج موقت توسط سنی‌ها کاملاً طبیعی بود، چون مذاهب اربعه اهل سنت با آن مخالف بودند و حکومت نیز از این فتوا حمایت می‌کرد و مرتکب آن را «حد» می‌زد یا لاقبل با توجه به اصل «الحدود تدرء بالشبهات؛ اگر شبهه‌ای باشد حدّ اجرا نمی‌شود» مستحق تعزیر می‌شورد. بدین سبب قبح و زشتی ازدواج موقت میان اهل سنت، در حدّ ارتکاب فحشا بلکه بالاتر از آن رسید، از این رو پذیرفته است مردم با آن مخالفت کنند. اما میان پیروان اهل بیت (علیه السلام) با آن که حکم و نگرش امامان (علیه السلام) را حکم خدا می‌دانستند و آن‌ها را حجت خدا روی زمین می‌شمرند، حکم ازدواج موقت گسترش نیافت، با وجود آن که تمامی فقهای شیعه، به جواز آن فتوا دادند. به طور معمول، اعمال و رفتار جامعه و فرهنگ و آداب و رسوم مردم، از فتاوی فقهی شکل می‌گیرد اما چنین فرایندی که یک قاعده و اصل، در جامعه شناسی شیعی است، در این مورد رخ نمود. علت را باید کجا یافت؟<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - سهیلا، صادقی فسایی، «مقاله: طرفداران ازدواج موقت، مردان متأهل هستند نه پسران جوان»، بی‌جا، ۱۳۸۹، ص ۶.

<sup>۲</sup> - مصطفی، جعفر پیشه فرد، «همان مقاله»، ص ۶.

بسیاری از ائمه در رابطه با ازدواج موقت نهیب زده‌اند و در بسیاری مواقع نسبت به آن موضع گیری کرده‌اند و حتی به اصحاب و یاران نزدیک خود گفته‌اند که اگر شما بخواهید به دنبال ازدواج موقت بروید ممکن است زن‌ها و خانواده‌ها نسبت به ما بدبین شوند. در روایتی هم آمده است که امام صادق (علیه السلام) به یکی از اصحاب خود که زن و فرزند داشته و ازدواج موقت انجام داده بود، نهیب زده است که تو چرا این کار را کردی، تو که خانواده با ثباتی داری! بنابراین براساس روایات به این نتیجه می‌رسیم که حاکم اسلامی و ائمه معصومین هم نسبت به ازدواج موقت حساسیت‌های ویژه‌ای داشته‌اند و این طور نبوده که ازدواج موقت را بی قید و شرط بپذیرند.<sup>۱</sup>

تردیدی نیست که شیعیان در پای بندی و اعتقاد قلبی نسبت به مشروعیت (روا بودن) ازدواج موقت دغدغه‌خاطری نداشته و ندارند. با این وجود این حکم شرعی و حلال روشن دینی، نه تنها نتوانست به عنوان یک رسم و روش پذیرفته شده در عرف جامعه رواج یابد، بلکه به عنوان یک عمل تقریباً ناپسند (که تحریم عرفی دارد و سبب فرودستی و کاهش جایگاه اجتماعی می‌شود) با آن برخورد شد. این ناپسندی عرفی نسبت به زنان چند برابر می‌باشد. تحقیق و درنگ در روایات نشان می‌دهد این قبح و زشتی اجتماعی، امر جدید و نوآمدی نیست و حتی در عصر امامان معصوم مطرح بوده است! بی تردید، تبلیغات منفی بر ضد این ازدواج توسط دستگاه خلافت و مخالفت عمومی (که پیرو مذهب فقهی دستگاه حاکمه بودند) تأثیر جدی و غیر قابل انکاری در حرمت عرفی داشته است. به هر حال با وجود روشن بودن حکم شرعی نکاح موقت بر مبنای فقه اهل بیت، غیر اختلافی بودن آن میان فقهای شیعه، ارائه تألیفات و مقالات و اظهار نظرهای روشن توسط عالمان شیعی (که به ابعاد گوناگون فقهی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و حتی اقتصادی و سیاسی این موضوع پرداخته‌اند) ولی هنوز هم

<sup>۱</sup> - سهیلا، صادقی فسایی، «همان مقاله»، ص ۲.

چنان تحریم عرفی و نفرت اجتماعی آن باقی است؛ به گونه‌ای که امروزه هم طرح موضوع نکاح موقت و بیان و دفاع از حکم شرعی آن، حتی با مخالفت اقشاری از جامعه به ویژه روشنفکران و تحصیل‌کردگان مراکز دانشگاهی روبه‌رو می‌گردد و شبههاتی را که عمدتاً جنبه اجتماعی و فرهنگی دارد، در مخالفت با آن ارائه می‌کنند.<sup>۱</sup>

برخی، امتناع بزرگان از انجام متعه را دلیل بر حلال نبودن آن دانسته و گفته‌اند: اگر متعه حلال بود، چرا می‌بینیم که بزرگان و متشخصان شیعه از داشتن چنین مناسباتی بین خود، امتناع می‌کنند و تا به حال نشنیده‌ایم کسی بگوید: فلان بزرگ یا فلان فاضل در حضور ما، با فلان دوشیزه، دختر فلان بزرگ، عقد متعه بست. اما دیده‌ایم که بگویند: فلان بزرگ و فلان فاضل در حضور ما، با فلان دوشیزه فاضل، عقد نکاح بست، بلکه می‌توان گفت اکثر روابط متعه‌ای، بین طبقات سطح پایین و پست جامعه انجام می‌شود. آیا این حقیقت نشان نمی‌دهد که متعه برای رسیدن برخی به آرزوهای پست است، هر چند به طور قهری، نسل هم ایجاد می‌شود؟<sup>۲</sup>

تا پیش از تشکیل و پیدایش دولت مستقل پیرو مذهب شیعه، طبیعی بود که ازدواج موقت رواجی نیابد چرا که از جهت قوانین دستگاه حاکم این عمل جرم محسوب می‌شد و عامل آن قابل تعقیب کیفری و به کارگیری مجازات شدید بر ضد او بود، ولی در زمان‌هایی که دولت‌های مستقل شیعی در مناطق مختلف جهان اسلام پدید آمد، به ویژه از عصر صفویه، شاهد هیچ دگرگونی چشمگیری نسبت به ازدواج موقت و از بین رفتن قبح اجتماعی آن نیستیم؟! چرا که در زمان صفویه حاکمیت یکپارچه سرزمین پهناور ایران مستقلاً در اختیار حاکمان شیعه قرار گرفت و حکومت خود را از مروّجان و پیروان مذهب شیعه معرفی کرد، نیز افکار و مبانی

<sup>۱</sup> - مصطفی، جعفر پیشه‌فرد، «همان مقاله»، ص ۷.

<sup>۲</sup> - جعفر، سبحانی، «همان مقاله»، ص ۷۸.

اعتقادی شیعه و فتاوی فقها و شیعه را گسترش داد و آداب و رسوم و فرهنگ مبتنی بر مذهب تشیع در جامعه ایران پدید آمد. در عهد صفویه در سایر موارد جز ازدواج موقت هم چون اقامه نماز طبق فقه اهل بیت، برگزاری مراسم عزاداری عاشورا و دیگر احکام فقهی مرتبط با عبادات و معاملات و حتی احکام مربوط به ازدواج و طلاق، هم چون نیاز نداشتن عقد ازدواج به شاهد یا عدم پذیرش سه طلاق در یک مجلس، همگی طبق فقه شیعه، عرفیت یافت ولی شاهد تغییری محسوس در نگرش اجتماعی مردم پیرو مذهب تشیع، نسبت به حکم شرعی ازدواج موقت نیستیم. راز موضوع در کجا نهفته است و امروزه در این باره چه می توان کرد یا باید چه اقدامی انجام داد؟ وظیفه هر گروه و قشر اجتماعی در مورد این موضوع به تناسب جایگاه و مسئولیت و اختیارات خود چه می باشد؟<sup>۱</sup>

## ۲- ارزیابی روند گذشته و نظر موافقان نسبت به این روند و پاسخ به آنها

در ارتباط با سؤال‌های بالا، نخستین پرسشی که قابل طرح است اینکه: آیا روند گذشته و رویگردانی عمومی از ازدواج موقت، درست بوده است؟ آیا روی نیاموردن اجتماع به ازدواج موقت را باید پذیرفت و بر آن مهر تأیید زد و از عمل کرد گذشته خواص و گروه‌های اجتماعی اثرگذار که سکوت کردند، دفاع کرد یا آن که آن را قابل دفاع ندانست و ضمن رد آن پیشینه، با تدبیر و سیاست گذاری، جهت اصلاح وضع موجود برای رسیدن به نقطه مطلوب به اقدامی دست زد؟ آنان که مدافع روند گذشته بوده و از رویگردانی عمومی از ازدواج موقت دفاع می کنند، سؤالات و اشکالاتی بر این نوع ازدواج دارند. اینان معتقدند این چالش‌ها موجب می شود از رواج نکاح موقت جلوگیری کرد. این اشکالات که در جامعه ایران و برای پیروان مذهب اهل بیت

<sup>۱</sup> - مصطفی، جعفر پیشه فرد، «همان مقاله»، ص ۷.

مطرح می شود و فارغ از مباحث فقهی و اختلافات مذهبی میان سایر فرقه‌های اسلامی است، عمدتاً جنبه فرهنگی و اجتماعی دارد و در دهه‌های اخیر بارها در صورت‌های مختلف و به بیان‌های متفاوت، توسط محافل مطبوعاتی و روشنفکری تکرار شده و در دسترس همگان قرار گرفته است. عمده اشکالات مطرح شده عبارتند از:<sup>۱</sup>

بی تردید، تبلیغات منفی بر ضد این ازدواج توسط دستگاه خلافت و مخالفت عمومی (که پیرو مذهب فقهی دستگاه حاکمه بودند) تأثیر جدی و غیر قابل انکاری در حرمت عرفی داشته است.<sup>۲</sup>

- ۱- ازدواج موقت تفاوتی عمده با بی بند و باری و هرج و مرج جنسی ندارد.<sup>۳</sup>
- ۲- ازدواج موقت به حیثیت زنان لطمه می‌زند و موجب زبونی ایشان می‌گردد.
- ۳- اساس پیمان ازدواج بر استحکام خانواده است اما ازدواج موقت موجب تزلزل آن می‌شود.
- ۴- موجب نابسامانی و ویران شدن آشیانه کودکان پدید آمده از ازدواج موقت می‌شود.<sup>۴</sup>
- ۵- ازدواج موقت سبب می‌شود که بعضی از افراد هوسباز از این قانون سوء استفاده کرده و هر نوع فحشا را در پشت این پرده انجام دهند.<sup>۵</sup>
- ۶- اگر ازدواج موقت طبیعی و مطابق میل زنان بود، از طرف زنان و دختران استقبال می‌شد، در صورتی که می‌بینیم دختران و زنان ایرانی که شیعه هم هستند، از ازدواج موقت استقبال نکرده‌اند و آن را یک نوع تحقیر برای خود دانسته‌اند. پس افکار عمومی خود شیعیان هم آن را رد می‌کند.<sup>۶</sup>

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۸.

<sup>۲</sup> - سیدحجت، موسوی خویی، همان کتاب، ص ۱۴۰.

<sup>۳</sup> - مصطفی، جعفر پیشه فرد، «همان مقاله»، ص ۹.

<sup>۴</sup> - زینب، طاهر منش، «مقاله: بررسی حقوقی-اجتماعی ازدواج موقت»، اصلاح و تربیت دوره ۲، شماره ۱۸، ۱۳۸۲، ص ۳.

<sup>۵</sup> - استاد ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، همان کتاب، جلد ۳، ص ۳۸۲.

<sup>۶</sup> - زین العابدین، کاظمی خلخالی، زناشویی راز خوشبختی، چاپ شانزدهم، انتشارات تهران: محمد، ۱۳۸۹، ص ۴۴۱.

## پاسخ به اشکالها

۱- ازدواج موقت با شرایطی که دارد از جمله: مهریه، تعیین مدت، لزوم نگهداری عده، خواندن عقد، اذن و رضایت ولی شرعی برای دختران، با ازدواج دائم تفاوت چندانی ندارد اما به هیچ وجه قابل مقایسه با بی بند و باری نیست.<sup>۱</sup>

۲- پاسخ ایراد دوم که ازدواج موقت را یک نوع جواز آدم فروشی معرفی می‌کنید آیا بهتر نیست خانم‌ها و آقایان همه آن سلیقه‌ها، تعصب‌ها و سنت‌های موهومی را کنار بگذارند و به زندگی با چشم بصیرت نگاه کنند؟ ببینند ازدواج موقت که طبق موازین معین انجام می‌شود و شارع دین اسلام همه جوانب آن را حساب کرده، چگونه خلاف حیثیت زن می‌دانید؟ ولی، آن بردگی زن را در اروپا و آمریکا آزادی و احترام، برای زنان تصور می‌کنید؟ بهتر است جهل و تعصب را کنار گذاشته و توجه داشته باشید که هدف اسلام از آزاد کردن ازدواج موقت، پیشگیری از اعمالی بر خلاف نوامیس و شرافت انسانی می‌باشد. مسلم است دین اسلام به زنان اجازه نمی‌دهد، با این نوع اعمال ننگین (عشوه‌گری‌های زنان در کاباره‌ها و رقص‌ها و یا حرکات تصنعی بر روی صفحه تلویزیون) ارتزاق کنند. اسلام تا آن حد برای حفظ شرافت و مقام زن در جامعه تلاش کرده است که بهشت را زیر پای مادران قرار داده است، چنین دینی امکان ندارد، دستوری برخلاف فطرت و شرف زن صادر کند.<sup>۲</sup>

۳- موافقان در برابر این ایراد، چنین پاسخ داده‌اند که درست است که ازدواج باید بر دوام استوار باشد، اما این ایراد هنگامی درست است که ما بخواهیم ازدواج موقت را جانشین ازدواج دائم کنیم و آن را منسوخ بدانیم. حال آن که این برداشت صحیح نیست. زیرا تجربه نشان داده وقتی طرفین قادر به ازدواج نباشند، به ازدواج موقت رو می‌آورند، اما وقتی قادر باشند و

---

<sup>۱</sup> - مصطفی، جعفر پیشه فرد، «همان مقاله»، ص ۲۲.  
<sup>۲</sup> - زین العابدین، کاظمی خلخالی، همان کتاب، ص ۴۴۱.



بخواهند برای همیشه در کنار هم باشند، پیمان ازدواج دائم با یکدیگر می‌بندند وانگهی قوانین اسلام برای ازدواج موقت شرایطی تعیین کرده است، که اگر یکی از آن شرایط، موجود نباشد، مسلمان واقعی اقدام به ازدواج موقت نمی‌کند. علاوه بر آن ازدواج موقت برای پر کردن خلاءهایی است که گاهی در ازدواج دائم به وجود می‌آید و باز هم ازدواج موقت راهی منطقی برای کسانی است که بر اثر علل و عواملی قادر به ازدواج دائم نیستند.<sup>۱</sup>

۴- موافقان برای ایراد نیز پاسخی ارائه داده‌اند مبنی بر این که این ازدواج در مورد اضطراری است که، مرد و زن ناتوان از ازدواج دائم، با انجام این عمل به طور موقت جلوی طغیان غریزه شهوت خود را می‌گیرند تا به فساد و تباهی و فحشا کشانده نشوند. اما اگر از این ازدواج فرزندی به وجود بیاید، قانون شرع همان حقوقی را که درباره کودکان ازدواج دائم معین کرده است، برای کودکان ازدواج موقت نیز اجرا می‌کند. با توجه به این مطلب که فقها به اتفاق گفته‌اند، هدف ازدواج دائم بقای نسل می‌باشد، ولی هدف ازدواج موقت فقط ارضاء غریزه جنسی از راه مجاز است، تا لطمه‌ای به صلاح جامعه وارد نشود.<sup>۲</sup>

۵- پاسخی که در این زمینه داده شده است به این قرار است که: سوء استفاده از کدام قانون در دنیا نشده است؟ آیا باید جلو یک قانون فطری و ضرورت اجتماعی را به خاطر سوء استفاده گرفت؟ یا باید جلو سوء استفاده کنندگان را بگیریم؟ اگر بر فرض عده‌ای از زیارت خانه خدا سوء استفاده نمایند و در این سفر اقدام به فروش مواد مخدر کنند آیا باید جلوی مردم را از شرکت در این کنگره عظیم اسلامی بگیریم یا جلو سوء استفاده کنندگان را؟ و اگر ملاحظه می‌کنیم که امروز افراد محترم از این قانون اسلامی کراهت دارند، عیب قانون نیست، بلکه عیب عمل کنندگان به قانون و یا صریح‌تر، سوء استفاده کنندگان از آن است، اگر در جامعه امروز هم

---

<sup>۱</sup> - زینب، طاهرمنش، «همان مقاله»، ص ۳.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۴.

ازدواج موقت به صورت سالم در آید و حکومت اسلامی تحت ضوابط و مقررات خاص، این موضوع را به طور صحیح پیاده کند هم جلو سوء استفاده گرفته خواهد شد و هم افراد محترم (به هنگام ضرورت‌های اجتماع) از آن کراهت نخواهند داشت؟<sup>۱</sup>

۶- جواب این است که اولاً منفوریت متعه در میان زنان مولود سوء استفاده‌هایی است که مردان هوسران در این زمینه کرده‌اند و قانون باید جلو آن‌ها را بگیرد، ثانیاً انتظار این که ازدواج موقت به اندازه ازدواج دائم استقبال شود - در صورتی که فلسفه ازدواج موقت عدم آمادگی یا عدم امکان طرفین یا یک طرف برای ازدواج دائم است - انتظار بی جا و غلطی است.<sup>۲</sup>

### ۳- نظر مخالفان روند گذشته

اما نظر مخالفان روند گذشته و کسانی که در اندیشه اصلاح فرهنگ عمومی برخورد منفی با ازدواج موقت می‌باشند و آن را یک ضرورت اجتماعی بلکه یک تکلیف دینی تلقی می‌کنند، به نکاتی معطوف است که به طور فشرده می‌توان فهرستی از مهمترین آن نکات را مورد توجه قرار داد:

#### نکته اول: حکم الهی

فارغ از تمامی مباحث فرهنگی - اجتماعی به عنوان یک مسلمان مؤمن و آگاه اگر به مسئله ازدواج موقت نگریسته شود، آشکار می‌شود بر اساس مبانی فکری - اعتقادی مذهب تشیع، تمامی احکام الهی اسلام بر اساس مصالح و مفاسد وضع شده است. اگر چه انسان با توجه به دانش ناچیز و آگاهی کامل نداشتن بر تمامی جنبه‌های زندگی خود و جهان، نتواند به تمامی مصالح و مفاسد آگاه باشد. بی گمان انسان نمی‌تواند مدعی آن باشد که بر فراز بام هستی

<sup>۱</sup> - استاد ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، همان کتاب، جلد ۳، ص ۳۸۳.

<sup>۲</sup> - استاد مرتضی، مطهری، همان کتاب، ص ۵۵.

ایستاده و تمام زوایای هستی را زیر ذره بین عقل و اندیشه خود مشاهده کرده است. عقل آدمی پس از چند دهه از غرور و عُجب و خودبزرگ بینی بی جا برخاسته از برخی پیشرفت‌های تکنولوژیک، اکنون در آغاز قرن جدید میلادی، بر این حقیقت به تدریج آگاه می‌شود که در حل معمای هستی و گشودن راز آفرینش، پیشرفت چندانی نداشته، برای تنظیم روابط و مقررات و قوانین فردی و اجتماعی، (که خود را در حل مشکلات جامعه ناموفق می‌یابد، نیز برای چگونه زیستن و تنظیم روابط افراد جامعه بر اساس مصالح واقعی که ابدیت و حیات جاودان انسان را در بر گیرد)، چاره ای جز این نمی‌بیند که دست نیاز خود را به سمت مبدأ و مرجعی دراز کند که تمامی اسرار آفرینش نزد اوست و ازل و ابد آدمی را می‌شناسد. مبدأیی با این ویژگی‌ها (که به حکم عقل، حق قانونگذاری دارد) کسی جز حکیم و علیم مطلق و رب و مدبر آفرینش و خالق آن نمی‌باشد. خداوند رحمان و رحیمی که با حکمت و علم بی نهایت خود، بر مصالح آدمیان آگاهی دارد و با رحمت گسترده خود، فرد فردِ بندگان را بر سر سفره لطف و مهربانی خویش به میهمانی دعوت می‌کند. مبدأیی قانونگذار با این ویژگی‌ها با رعایت تمامی مصالح، چنان که ازدواج دایم را تشریح کرده، قانون ازدواج موقت را نیز بنا نهاده، اگر انسان به داوری خرد تن داده، اندیشه و عقل را بر احساس و تعصب و کوتاه بینی ترجیح دهد، خواهد فهمید صلاح و رستگاری و نیک بختی او در اطاعت از قانون الهی است، اگر چه به حکمت و مصلحت حکم آگاه نباشد.<sup>۱</sup>

پذیرفتن دستور الهی، امتحان دشواری است که معلوم نیست همگان توان پذیرش آن را دارا باشند. سر فرو آوردن در برابر ربوبیت تشریحی الهی، از دشوارترین مراحل طی توحید است که امثال ابلیس (با آن همه عبادت و هزاران سال نیایش) نتوانستند بدان موفقیت نایل شوند و رانده شده درگاه الهی گشتند. حکایت پذیرش و اذعان به حقانیت قوانین اسلامی هم چون

<sup>۱</sup> - مصطفی، جعفر پیشه فرد، «همان مقاله»، ص ۱۰.

ازدواج موقت، آزمایش الهی است. برای آنان که به حقایق الهی باور دارند، باید این پدیده‌های معرفتی تبیین شود و در نشریات و منبرها و تریبون‌های مختلف به آنان گوشزد شود که ازدواج موقت، قانون خدا است و پذیرش آن و از بین بردن روحیه مقاومت و رویگردانی از آن، اقتضای حکم عقل و شرع می‌باشد. امروزه که به لطف الهی اکثر جامعه ما از مردم متدین و فروتن در برابر احکام خداوند و دوست‌دار شریعت تشکیل شده است و همگی حقانیت فقه اهل بیت را پذیرفته، به ارزش و غنای آن معترفند، چنان که آن را در صحنه‌های مختلف بارها آزمایش کرده و درستی اش را با پوست و خون خود لمس کرده‌اند به نظر می‌رسد با این فضا و جایگاه، اگر مسئله برای عموم زنان و مردان به خوبی تبیین شود، مشکلی از این جهت نسبت به اکثر جامعه (که سنگ بنای اصلی فرهنگ را تشکیل می‌دهند) باقی نخواهد ماند. با تبلیغ و توجیه زنان و مردان متدین، احساس ناخوشایند در برابر این قانون الهی کنار گذاشته می‌شود و آن را می‌پذیرند، تا به آثار بی شمار مادی و معنوی، دنیوی و اخروی آن به ویژه ثواب و اجر فرمانبرداری از حضرت حق نایل گردند. یکی از اسرار پافشاری روایات اهل بیت بر اجر و ثواب «متعّه» و اصرار بر این که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت امیر (علیه السلام) ازدواج موقت داشته‌اند و انجام آن زنده کردن سنت پیامبر است، اشاره به همین نکته است که تن دادن جامعه به مشروعیت الهی ازدواج موقت، نشانه ایمان و وصول به درجه بالایی از توحید، همچنین شاهد خردورزی و عقلانیت است.<sup>۱</sup>

تقویت اعتقادات دینی و مذهبی بسیار تأثیرگذار است این که به فرد آموزش دهیم که اهداف و ارزش‌هایی والاتر از ارضای غرایز جنسی خود داشته باشد. ایمان واقعی یک اهرم بسیار قوی بازدارنده از گناه است. باید ایمان واقعی را در جامعه ایجاد کنیم. آن چه در حال حاضر با آن مواجهیم بیشتر تظاهر، ریا، فریب است. باید جوانان را با مفاهیم واقعی و عملی و کاربردی

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۲.

آشنا کرد، علت بدبینی درصد بالایی از فرزندان ما، رفتارهای نامناسب مان بوده است. ایمان به عنوان اصلی ترین رفتار بازدارنده، می تواند جامعه را از سقوط نجات دهد. ایمان نمی تواند مانع ترشح هورمون شود، ولی می تواند مانع مصرف هورمون شود. اگر دلایل واقعی فاصله از ایمان را در جامعه مطرح و از آن ها پیشگیری نکنیم این کاروان همین طور به بیراهه می رود.<sup>۱</sup>

### نکته دوم: نیاز طبیعی و اجتماعی

در بحث قانونگذاری برای تمامی مردم جامعه، از جمله اصول روشنی که برای موفقیت قانون، الزامی است و رعایت آن کمکی شایان به کم شدن موارد سرپیچی از قانون می کند، آن است که با توجه به واقعیت های جامعه، قانونگذار، به گونه ای قانون وضع کند که محدودیت کمتری ایجاد نماید تا از قدرت انتخاب و آزادی مردم کمتر کاسته شود. اگر قانونگذار تمامی مردم را ملزم به رعایت یک شیوه یا الگو کند، طبیعی است شمار افرادی که در آن ها توان رعایت آن الگو وجود ندارد، روز به روز رو به افزایش می گذارد، در نتیجه علاوه بر بالا بردن درصد سرپیچی از قانون، موجب سست شدن ارکان آن بلکه قانونگذار خواهد شد. اگر به مردم در انتخاب پوشاک، خوراک، خانه، کار، دانش اندوزی و دیگر امور مربوط به نیازهای زندگی، به ویژه آن چه مربوط به غرایز طبیعی است، یک شیوه و روشی القا شود، طبیعی است که محدودیت هم چون فنر زیر فشاری است که نیروی متراکمی را در خود ذخیره می کند و به محض پیدایش زمینه برای رهایی و جهش، خود را آماده برای آزادی و گسستن بندها و قیدها می کند. قانونگذار باید بداند: نمی توان همه مردم را ملزم به خوردن یک نوع غذا کرد یا به آن ها پوشیدن یک لباس را توصیه نمود، بلکه قانونگذار با توجه به مصالح و مفاسد و خطوط قرمزی که رعایت آن ها لازم است، با تعریف دقیق و عالمانه آنها، در گستره ای وسیع که انعطاف پذیر

<sup>۱</sup> - سهیلا صادقی فسایی، «همان مقاله»، ص ۲۷.

باشد و قدرت انتخاب بالایی در آن وجود داشته باشد، باید الگوهای مختلف ارائه کند تا مردم بر اساس وضع خود، از نظر دارایی، سلیقه، سن، جنسیت، گرایش‌ها و ... یکی را برگزینند.<sup>۱</sup>

از مجموع غرایز بشری که جزء سرشت آدمی است، نیاز جنسی قوی‌ترین آن‌هاست که برای دوام و بقای نسل آدمی، خداوند آن را در وجود انسان نهاده است؛ عقد ازدواج اگر به صورت دایمی انجام پذیرد، بهترین شکل و شیوه‌ای است که اسلام به آن توصیه می‌کند اما هر کسی واقعیت‌های اجتماعی را درک کند، می‌داند ازدواج دایم، برای همگان، در همه وضع، فراهم نیست. این مشکل در عصر جدید و رشد فناوری، دوچندان گردیده است. با توجه به واقعیت‌های اجتماعی نتیجه آن خواهد بود که صدها هزار نفر، به ویژه جوانان و از جمله دختران جوان، از ازدواج محروم می‌مانند، در نتیجه نه تنها در معرض ده‌ها آسیب روحی، روانی، فردی و اجتماعی واقع می‌شود بلکه جامعه را نیز در معرض خطر قرار می‌دهند. جهان غرب برای چیره شدن بر این مشکل، راه‌هایی پیش گرفته که نادرستی و ضد بشری بودن آن روشن و غیر قابل انکار است. بی بند و باری جنسی، رهاورد آن بیماری‌های گوناگونی هم چون ایدز و لرزان شدن نهاد خانواده است. راه حل ریاضت و رهبانیت نیز پاسخگو نخواهد بود. آیا برای حل این مشکل (اگر با دیدی کلان و همه جانبه به واقعیت‌های جامعه نگریسته شود) راهی جز ازدواج موقت باقی می‌ماند؟ طبیعی است که قانونگذار باید در رتبه اول منافع عمومی و مصالح اجتماعی را بر گرایش‌های شخصی ترجیح دهد. حال در مقام ترجیح مصالح اجتماعی چاره چیست؟ آیا بهترین راه، آن نیست که از چارچوب و انحصار ازدواج دایمی بیرون رویم و با شرایطی آسان‌تر و با حفظ تمامی آن چه در ازدواج سالم باید رعایت گردد، با طرح ازدواج موقت از بحران‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های اخلاقی و محرومیت‌های بی مورد رهایی یابیم، در نتیجه نیروی پر انرژی و فعال جامعه که جوانان هستند و آینده جامعه مرهون تلاش

<sup>۱</sup> - مصطفی، جعفرپیشه فرد، «همان مقاله»، ص ۱۳.

آن‌هاست، بالنده شود؟ آیا به راستی می‌توان پذیرفت جوانی که در آتش شهوت و بحران جنسی می‌سوزد، به حال خود رها شود و به نیاز مشروع و طبیعی او، جامعه پاسخی مساعد و عقلانی ندهد اما در عین حال از او انتظار رفتار طبیعی و هنجار داشته باشد، یا از او درخواست تحصیل، پیشرفت، کار، تلاش و مراعات فرهنگ و باورهای جامعه را داشته باشد؟<sup>۱</sup>

فقدان تعریف و تبیین روزآمد عرفی، اخلاقی، فرهنگی و قانونی از متعه یا نکاح موقت به عنوان نخستین مانع بر سر راه تحقق آن در جامعه می‌باشد. ضمن آن‌که، مشخص نبودن صریح آثار و بازتاب‌های آن از حیث موارد مزبور نیز بر ابهام هرچه بیشتر موضوع می‌افزاید. همچنین، نبود هرگونه پیشینه آموزشی و تعلیماتی فراگیر در جهت آموزش همگانی مردم از طریق رسانه‌های جمعی و گروهی، به ویژه مطبوعات، سایت‌های اطلاع‌رسانی و صدا و سیما و مانند آن‌ها و در نتیجه، فقدان معرفت عمومی مردم نسبت به آن و فلسفه وجودی متعه، از دیگر موانع اساسی در این باره می‌باشد.<sup>۲</sup>

### نکته سوم: ضرورت کمک به پارسایی جامعه

پایه و زیربنای هر قانونی که شریعت اسلامی در ابعاد عبادی، سیاسی، فرهنگی و فردی-اجتماعی از عبادات تا معاملات و سیاست وضع کرده براساس مصالح واقعی مورد نیاز بشر است؛ مصالح و مفاسدی که اختصاص به زمانی خاص ندارد و براساس اصل خاتمیت تا قیامت تداوم دارد. نیز ناهنجاری‌هایی مانند آلودگی به انواع آسیب‌های جسمی و روحی، آلوده شدن به گناه، افتادن در دام اعتیاد و ایدز، قربانی شدن بر اثر تهاجم فرهنگی، افتادن به چنگال نظام سرمایه داری و سلطه جهانی، گرفتار شدن به انواع مدیرستی‌ها و آرایش‌ها و پوشش‌های

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۶.

<sup>۲</sup> - محمدرضا، زمانی درمزاری، «مقاله: ازدواج موقت از منظر قانون و از نگاه عموم»، موسسه حقوقی عدل، ۱۳۹۲، ص ۴.

هنجارشکن، به چالش کشیدن هنجارهای اجتماعی و برقرار شدن روابط نادرست و نامشروع دختر و پسر! آیا نتیجه جز این خواهد بود؟ در حالی که شریعت اسلامی، سهل و آسان است و در کنار هر حکم حرامی، یک راه مشروع و مباح قرار گرفته است تا برای کسی که می‌خواهد راه خدا را ببیماید و از شیطان و اطاعت هوای نفس دوری ورزد، به طور طبیعی شرایط فراهم باشد.<sup>۱</sup>

طبیعی است که برای صلاح و رشد جامعه و حرکت آن به سوی فضایل اخلاقی و حتی پیشرفت مادی، باید راه‌های مشروع تأمین نیازهای غریزی، با بهانه‌های بیهوده، بسته نگردد. چه توجیه عقلانی و شرعی وجود دارد که جوانان را انبوهی از گناهان و مناظر شهوت آلود احاطه کند و شارع راه مشروع برون رفت از این محاصره را اندیشیده باشد، ولی به خاطر برخی خیالات بیهوده، جوانان در محاصره خانمانسوز باقی بمانند اما جامعه از آن‌ها انتظار آلوده نشدن و رعایت تقوا را داشته باشد؟! آیا کارکرد و سیره انبیا و اولیای دین در حمایت از احکام شریعت و اجرای آن‌ها در جامعه، برخورد کنونی جامعه ما و اولیا و تأثیرگذاران آن را می‌پسندد و آن را تأیید می‌کند؟

باید راه‌های مشروع دفع غریزه شهوت باز باشد. اقدام اجرایی لازم است و گرنه فقط مبارزه منفی و نهی از منکر و رویارویی با گناه از طریق زبان یا عمل و اقدام تبلیغی و رسانه ای یا اقدام اجتماعی، حتی اقدامات قسری نیروی انتظامی و اجرای حدود و تعزیرات، کافی نیست. در صورتی مبارزات تأثیر دارد که بستر لازم برای تأمین نیازهای جنسی از راه مشروع، فراهم باشد چون در عرصه بیماری‌های اجتماعی، پیشگیری و بهداشت، مقدم بر درمان است. این امر نیاز به جهاد تمامی افراد جامعه و دلسوزان، به ویژه مدیران و سیاستگذاران دارد و برنامه ریزی دقیق آن‌ها را می‌طلبد که تمامی مسیرهای مشروع تأمین نیاز جنسی از جمله ازدواج موقت و

---

<sup>۱</sup> - مصطفی، جعفر پیشه فرد، «همان مقاله»، ص ۱۷.



تعدد زوجات هموار گردد، حتی به صورت یک هنجار اجتماعی و مورد قبول عموم، با حمایت رسانه ای و نظام سیاست گذاری، مورد حمایت و تأیید جامعه قرار گیرد.

در فقه اسلامی دیده می شود کسی که به سبب فقر، به سرقت آلوده شده، قطع ید نمی شود یا کسی که همسر ندارد، بر اثر فحشا، به رجم و اعدام محکوم نمی شود، یا شرط اذن ولی برای ازدواج دختر در صورتی است که در دسترس باشد نظایر این احکام نشان می دهد روح حاکم بر شریعت اسلامی آن است که همواره راه تقوا در برابر انسان گشوده باشد. آن گاه اگر کسی بر اثر سوء اختیار با وجود باز بودن راه صلاح و پارسایی، راه مقابل را برگزید، در برابر او باید به اقدام و رویارویی دست زد.<sup>۱</sup>

#### نکته چهارم: مصلحتی قابل فهم

اگرچه، موضوع متعه در نگاه بیشتر خانواده‌ها از مقبولیت و مشروعیت (مطلوبیت) لازم برخوردار نیست، با این وجود به جهت ضرورت انتخاب راهکاری مناسب برای تنظیم روابط بین پسران و دختران از یک سو و وجود موانع متعدد در سر راه ازدواج آنان از طرف دیگر، این گرایش نسبی در بین خانواده‌ها احساس می شود که "نکاح موقت" می تواند به عنوان یکی از ضرورت‌های اجتماعی و در واقع، یکی از رهیافت‌های ضروری جامعه امروزی در تنظیم روابط پسر و دختر و یا مرد و زن باشد و آن، منوط به بازنگری علمی و دقیق نسبت به ماهیت و آثار آن، همراه با لزوم تعریف و تبیین روزآمد عرفی، حقوقی، فرهنگی و قانونی مساله خواهد بود. بنابراین، متعه یا نکاح موقت به یک اعتبار، پدیده‌ای قابل تعمق و مؤثر در تنظیم روابط زن و مرد بوده و به اعتباری دیگر، در شرایط کنونی جامعه، بنا به ملاحظات مذکور مطرود و مغضوب اغلب افراد و خانواده‌هاست. این مقوله، به راستی، اگر در چارچوب فلسفه وجودی آن نگریسته

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۹.

شود و با تعریفی به هنگام از فرایند ماهوی و شکلی همراه گردد، می‌تواند به عنوان راه‌حل جایگزین و عامل مؤثری در شکل دادن مناسب و درست به روابط جنسی مردان و زنان تلقی گردد.<sup>۱</sup>

در وضعیت فعلی جامعه ما، یک نوع عدم تعادل ساختی به وجود آمده است که واقعیت‌های اجتماعی مثل شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و ارزش‌های اجتماعی با بحث ازدواج موقت تعارض وجود دارد و به نوعی افراد دچار بی‌هنجاری می‌شود و جامعه دچار یک عدم تعادل ساختی شده است. شرایط اقتصادی جامعه ما مثل بالا بودن نرخ بیکاری جوان‌ها، بالا بودن نرخ تورم، مشکل تامین مسکن، امکان ازدواج را برای جوانان کاهش داده و موجب تاخیر در سن ازدواج و در برخی موارد حتی مجرد قطعی شده است. شرایط فرهنگی، اجتماعی جامعه، یعنی بالا رفتن توقع خانواده‌ها، یعنی چشم و هم‌چشمی‌ها، اشتغال به تحصیل و سربازی و خدمت، امکان ازدواج را برای جوانان کاهش داده و موجب بالا رفتن سن ازدواج شده است. از طرف دیگر نرخ طلاق بالا رفته است، لذا جمعیت افرادی که ازدواج کرده‌اند و خانواده آن‌ها متلاشی شده و امکان ازدواج دائم و مجدد هم ندارند رو به افزایش گذاشته در شرایط موجود که خیلی از دخترها، شوهر نکرده‌اند، کسی نمی‌رود که زن مطلقه بگیرد، پس این جمعیت رو به افزایش است، جمعیت افرادی که ازدواج کرده‌اند ولی به علت فوت همسر خانواده آن‌ها متلاشی شده و به علت شرایط فرهنگی و اجتماعی امکان ازدواج دائم مجدد را ندارند هم نسبتاً قابل توجه است. بنابراین باید در رابطه با ازدواج موقت فرهنگ سازی صورت گیرد زیرا تعارض ارزش‌های اجتماعی با ازدواج موقت باعث می‌شود که فرد یا به محرمیت جنسی یا به کج رفتاری‌های جنسی برگردد. در چنین شرایط و ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یکی از بهترین راهکارها برای پیشگیری از جرم، به خصوص بحث جرایم جنسی این است که نگرش‌ها را نسبت

<sup>۱</sup> - محمد رضا، زمانی درمزاری، «همان مقاله»، ص ۵.

به ازدواج موقت تغییر دهیم و به نوعی ارزش برای آن قائل شویم، همان طور که ازدواج موقت در احادیث آمده که مباح نیست بحث ثواب بودن آن مطرح است. بنابر این یکی از راهبردهای اجتماعی پیشگیری از جرم که در صورت عملی شدن باعث کاهش شدید جرایم جنسی و جرایم مرتبط با آن می‌شود اقدامات فرهنگی در راستای قبح زدایی از ازدواج موقت و ترویج این نوع ازدواج در جامعه اسلامی است.<sup>۱</sup>

ازدواج و تأمین نیاز جنسی توسط مردم، اعم از زن و مرد، دختر و پسر، در اولویت اول با ازدواج دائم است اما در پاره ای موارد، به متعه اشاره شده است، مثلاً در زمان جنگ و دور بودن سربازان از وطن، یا برای کسی که همسر دائم ندارد اما در موارد دیگر باید ازدواج موقت به عنوان یک راه مشروع و مورد توجه شارع، رسمیت یابد و بدین وسیله انسان از ارتکاب گناه مصونیت پیدا کند. وقتی مجموع مقررات شرعی بررسی شود، آشکار می‌گردد شارع احکام را به شکل‌های مختلف و به صورت رتبه بندی مانند تنظیم احکام اولیه و ثانویه، طرح موضوعاتی چون ضرر، عسر، حرج، مشقت، اکراه، اجبار و تکلیف تنظیم می‌کند که افراد بتوانند به راحتی فرمان الهی را اطاعت کنند. در کنار وضو، تیمم وضع شده، در کنار وجوب قیام در نماز، نشستن برای ناتوان تشریح گردیده است. حال اگر جامعه بخواهد روی رستگاری و سعادت را ببیند، باید به مجموعه احکام الهی به صورت یکپارچه ایمان آورد. هرگاه به تمامیت شریعت، بدون به کارگیری سلیقه و نظر شخصی، جامعه ایمان آورد و به همه احکام آن عمل کند، ثمرات ارزشمند احکام به بار می‌نشیند و جامعه از برکات آن بهره مند خواهد شد. آنگاه که ازدواج دائم به عنوان اصل اولی برای تأمین نیاز جنسی و ازدواج موقت برای موارد خاص تشریح و مورد عمل واقع شد، می‌توان انتظار داشت بی بند و باری جنسی و انواع معاصی مرتبط با جنسیت، کاهش یابد و علاوه بر پایین آمدن درصد فحشا و همجنس بازی و خودارضایی، انواع مفسد

<sup>۱</sup> - سهیلا، صادقی فسایی، «همان مقاله»، ص ۷.

دیگر کاهش یابد. با روال طبیعی رفع نیاز جنسی، جامعه از جهت آرامش روانی و امنیت و پایین آمدن فشارها به حالت تعادل می رسد؛ از جهت مادی مسیر پیشرفت و توسعه و رشد علمی و استقلال را می پیماید؛ از جهت معنوی نیز زمینه لازم برای گسترش پارسایی و اخلاق نیکو و صفات پسندیده فراهم می آید، بدین وسیله، آدمی سعادت دنیا و آخرت را در آغوش می گیرد.<sup>۱</sup>

#### ۴- اهم راهکارهای پیشنهادی در مورد ازدواج موقت در جامعه

- ۱- لزوم تدوین و ارائه یک صورت برداری دقیق و علمی از پیشینه و فلسفه وجودی متعه برای مردم.
- ۲- ضرورت برنامه‌ریزی جهت آموزش همگانی خانواده‌ها و شناخت مسائل حقوقی متعه، بازتاب‌ها و آثار مترتبه بر آن از طریق رسانه‌های جمعی و گروهی و محافل و مراکز فرهنگی و آموزشی (دانشگاه‌ها، فرهنگسراها و ...).
- ۳- پیش‌بینی ایجاد مکانیسم‌ها و نهادهای متعدد مشورتی، آموزشی، الگویی و اجرایی در این ارتباط برای خانواده‌ها و به ویژه، پسران و دختران.
- ۴- به روز کردن قوانین و مقررات مربوط به نکاح موقت و تدوین و تنظیم آئین‌نامه‌های اجرایی مربوطه و ایجاد بستر مناسب در جامعه برای تحقق عینی و روزافزون آن.
- ۵- ترویج علمی، اخلاقی و فرهنگی " فرهنگ متعه" در بین خانواده‌ها، پسران و دختران و تغییر روزافزون ذهنیت‌های بدبینانه آن‌ها نسبت به پدیده حقوقی، شرعی، عرفی و قانونی متعه.

<sup>۱</sup> - مصطفی، جعفر پیشه فرد، «همان مقاله»، ص ۲۱.

۶- ایجاد تسهیلات ویژه مالی، حقوقی و فرهنگی متعدد، به منظور تشویق و حمایت از راهکار شرعی و قانونی تنظیم روابط مردان و زنان (نکاح موقت) در جهت ساماندهی مناسب فی‌مابین آن‌ها.

۷- ترویج و تبلیغ نقش و جایگاه نکاح موقت در تنظیم مناسب و سالم روابط مردان و زنان جامعه و اهمیت آن در کاهش فساد و ناپهنجاری‌های اخلاقی، برپایی همایش‌ها، کنفرانس‌ها و کارگاه‌های علمی و عملی آموزشی جهت بررسی و تبیین روزآمد این واقعیت و پدیده اجتماعی.<sup>۱</sup>

در پایان توجه به این واقعیت لازم است که ادامه روند جاری و اصرار بر قبح اجتماعی و رویگردانی جامعه از ازدواج موقت، نه به صلاح دنیا و نه به صلاح آخرت مردم است. باید تدبیری اندیشید تا این حکم تعطیل و فراموش شده الهی به اجرا در آید. این وظیفه و تکلیف به ویژه پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی (که وظیفه اجرای شریعت را به شکل یک مجموعه هماهنگ بر عهده دارد) دوچندان می‌شود. نظام اسلامی باید بداند هم چنان که در برابر محرمات، وظیفه نهی از منکر دارد و در برابر واجبات، وظیفه اجرا و امر به معروف دارد، باید برای مباحات و مستحبات نیز برنامه ریزی کند، به ویژه آن جا که زمینه و بستر ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد. البته موضوع چون پیچیده و حساس است، نیازمند مطالعه جدی از ابعاد گوناگون با استفاده از کارشناسی است، ولی به فراموشی سپردن آن نیز بر خلاف وظیفه و مصلحت است. نظام اسلامی باید سیاست گذاری کند و سایر اقشار و گروه‌های اجتماعی را به کمک فرا خواند، به ویژه مراکز علمی - فرهنگی، از جمله دانشگاهها باید به میدان بیایند و زمینه‌های فرهنگی ازدواج موقت را هموار گردانند. در این میان از نقش اساسی حوزه‌های علمیه و علمای بزرگ و فهیم و دلسوز و پارسای جامعه، نیز مراجع تقلید نمی توان غافل بود.

<sup>۱</sup> - محمدرضا، زمانی درمزاری، «همان مقاله»، ص ۵.

موضوع زمینه تلاش و جهادی سخت است که بیش از همه نیاز به از خودگذشتگی حیثیتی دارد. مسئولان پاسخگوی جوانان و حل مشکل ازدواج آنها، امری است که نمی‌توان به راحتی از آن گذشت. پاسخگویی پیش از آن که به جوان باشد باید به خدا و پیامبر و قرآن باشد که ازدواج موقت را حلال شمردند، ولی براساس سیاست‌های غلط و تعصب‌های جاهلی، جامعه آن را بر خود حرام کرده است. باید با استفاده از تمامی امکانات اجتماع، با برگزاری همایش و پژوهش، نیز تدوین قوانین یا برنامه ریزی کلان، این نیاز را برآورد. آن جا که سیاست‌ها و چشم اندازه‌ها تدوین می‌گردد، یا ازدواج موقت با شرایطی که دارد از جمله: مهریه، تعیین مدت، لزوم نگهداری عده، خواندن عقد، اذن و رضایت ولی شرعی برای دختران، با ازدواج دائم تفاوتی چندان ندارد. برنامه‌های درازمدت تنظیم و تدوین می‌شود، نیز با استفاده از رسانه‌ها به ویژه نشریات و صدا و سیما و ساختن فیلم، می‌باید این مشکل را حل کرد و در سایه آن رضایت خداوند را کسب کرد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - مصطفی، جعفر پیشه فرد، «همان مقاله»، ص ۲۵.

**فصل دوم:**

**از دواج موقت از دیدگاه حقوقی**

## از دواج موقت از دیدگاه حقوقی

نکاح در حقوق ایران بر دو قسم است: نکاح دائم و نکاح منقطع. نکاح منقطع در عمل کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و به تدریج از اهمیت آن در جامعه ما کاسته شده است. قانون مدنی در این باب از فقه امامیه پیروی کرده است. نکاح منقطع از ویژگی‌های مذهب تشیع است و در فقه عامه آن را معتبر نمی‌شناسند. فقهای امامیه برای صحت این نکاح به آیات قرآن به ویژه آیه ۲۴ از سوره نساء و نیز روایات و اخبار و اجماع علمای مذهب استناد می‌کنند. در بعضی از کشورهای اسلامی از جمله: مراکش، تونس، عراق، سوریه، مصر که تحت تأثیر مکاتب اهل تسنن هستند نکاح منقطع پذیرفته شده است، هر چند قانونگذار این کشورها در تعریف و بحث نکاح دوام را به عنوان شرط اساسی نکاح ذکر نکرده است ولی فکر حاکم و عدم ذکر نکاح منقطع به عنوان نکاح صحیح نشانه نپذیرفتن این نهاد حقوقی است.<sup>۱</sup>

این قانون از جمله قوانین درخشان اسلام محسوب می‌شود، که به منظور شکل بخشیدن به روابط آزاد زن و مرد و جلوگیری از روابط نامشروع و حفظ و صیانت جامعه از فحشا جعل گردیده است. نکاح دائم و منقطع در آثار متعددی با یکدیگر تفاوت دارند، ولی تمایز ماهوی و تفاوت اصلی میان آن دو این است که در نکاح منقطع زن و مرد تصمیم می‌گیرند به طور موقت با هم ازدواج کنند و پس از پایان مدت اگر مایل به ادامه آن بودند تجدید می‌کنند وگرنه با

---

<sup>۱</sup> - سیدحسین، صفایی و اسداله، امامی، همان کتاب، ص ۱۷.



انقضای مدت از هم جدا خواهند شد؛ در حالی که مقتضای طبع نکاح دائم، دوام و همیشگی است. نکاح دائم و منقطع در اکثر احکام و آثار با یکدیگر مشترکند به جز آثار و احکامی چند از نظر مهر و نفقه و شرایط که در مواد قانون مدنی به آن‌ها اشاره گردیده است. با توجه به شرایط و احکامی که میان نکاح دائم و منقطع متفاوت است، این نکته به دست می‌آید که در نکاح منقطع از لحاظ امکان پیش بینی شرایط، آزادی بیشتری وجود دارد. این تمهید حقوقی را بعضی مترفین و ثروتمندان خوشگذران برخلاف مبانی اخلاقی و اجتماعی آن به کار برده‌اند.<sup>۱</sup>

## ۱- ازدواج موقت از منظر قانون

طی مواد متعددی در قانون مدنی، از نکاح منقطع و آثار و احکام حقوقی آن سخن به میان آمده افزون بر این که، بسیاری از مقررات آن که با نکاح دائم مشترک است در ضمن مباحث کلی نکاح و طلاق، مطرح گردیده است. این مواد قانونی که ذکر خواهد شد به تنهایی مکفی و رافع ابهامات و مسائل خاص ازدواج موقت نیست و متأسفانه هیچ قانون جنبی هم به کمک قانون مدنی، به حل مشکلات و معضلات حقوقی و تقویت مبانی حقوقی این نکاح نیامده است. بنابراین، برای رفع این کمبود، باید به کمک اصل (۱۶۷) قانون اساسی<sup>۲</sup> و ماده (۳) قانون آیین دادرسی مدنی<sup>۳</sup>، به سراغ منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر و اصول حقوقی رفته و از آن منابع بهره گرفت که البته با توجه به اختلاف آرای فقهی در فروع مختلف این بحث، ممکن است با آرای متناقضی از سوی دادگاه‌ها در موارد مشابه روبرو گردیم و بدین لحاظ، ضرورت

<sup>۱</sup> - سیدمصطفی، محقق داماد، همان کتاب، ص ۲۱۲.

<sup>۲</sup> - اصل (۱۶۷) قانون اساسی: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمالی یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

<sup>۳</sup> - ماده (۳) آیین دادرسی مدنی: دادگاههای دادگستری مکلفند به دعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده، حکم داده یا فصل نمایند و در صورتی که قوانین موضوعه کشوری کامل یا صریح نبوده یا متناقض باشد یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، دادگاههای دادگستری باید موافق روح و مفاد قوانین موضوعه و عرف و عادت مسلم، قضیه را قطع نمایند.

قانون گذاری دقیق و جامع و مکمل و مانع با ترجیح یک قول مشهورتر با سایر اقوال، احساس می‌گردد.<sup>۱</sup>

حال به ذکر مواد قانونی، در حقوق ایران که در مورد نکاح منقطع می‌باشد می‌پردازیم:

۱- مطابق ماده ۱۰۷۵: «نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.»

۲- براساس ماده ۱۰۷۶: «مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.»

پس اگر مدت در نکاح منقطع ذکر نشود، بی شک نکاح منقطع واقع نخواهد شد. اما، آیا نکاح اساساً باطل است یا نه؟ مسأله اختلافی است. بنابر قول گروهی از فقهای امامیه، نکاح به صورت دائم واقع خواهد شد، زیرا لفظ ایجاب می‌تواند مفید نکاح دائم یا منقطع باشد و فقط ذکر مدت است که آن را به متعه اختصاص می‌دهد و اگر مدت ذکر نشده باشد، برای عقد دائم خواهد بود.<sup>۲</sup>

۳- ماده ۱۰۹۵: «در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.»

۴- ماده ۱۰۹۶: «در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمی‌شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.»

۵- ماده ۱۰۹۷: «در نکاح منقطع هر گاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.»

۶- ماده ۱۰۹۸: «در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می‌تواند آن را استرداد نماید.»

۷- ماده ۱۰۷۷: «در نکاح منقطع احکام راجع به وراثت، زن و شوهر از یکدیگر ارث

نمی‌برند.»

---

<sup>۱</sup> - حسن، وثیق زاده انصاری، «مقاله: جایگاه قانونی ازدواج موقت در نظام حقوقی ایران»، دادرسی، دوره ۵، شماره ۲۷، سال ۱۳۸۰، ص ۱.

<sup>۲</sup> - سیدحسین، صفایی، و اسداله، امامی، همان کتاب، ص ۱۸.

۸- ماده ۹۴۰: «زوجین که زوجیت آن‌ها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث

می‌برند.»

حال ببینیم آیا در صورتیکه توارث یا ارث بردن یکی از زوجین ضمن عقد نکاح منقطع

شرط شود، آیا این شرط معتبر و نافذ است؟

در فقه امامیه چهار قول در این مساله دیده می‌شود:

اول- نکاح منقطع مقتضی توارث است مانند نکاح دائم و شرط سقوط ارث باطل است.

دوم- توارث در نکاح منقطع نیست اعم از این که توارث یا عدم آن را شرط کنند یا اصلاً

شرطی در این خصوص در میان نباشد. بسیاری از فقهاء این نظر را پذیرفته اند و ظاهراً این نظر

اکثر متأخرین از فقهای امامیه است و بعضی آن را قول مشهور تلقی کرده‌اند و در اثبات آن به

اصل عدم استناد کرده اند زیرا ارث یک حکم شرعی است که ثبوت آن دلیل می‌خواهد و مطلق

زوجیت مقتضی استحقاق ارث نیست. به بعضی از روایات نیز در این زمینه استناد شده است.

سوم- اصل عقد مقتضی توارث نیست ولی شرط توارث صحیح و نافذ است زیرا عموم

(المسلمون عند شروطهم) آن را در بر می‌گیرد. شیخ طوسی و محقق و شهید اول و ثانی این

قول را پذیرفته اند و اخباری بر آن دلالت دارند و بعضی این قول را اشهر دانسته‌اند.

چهارم- در نکاح منقطع زوجین از یکدیگر ارث می‌برند مگر این که سقوط آن شرط شده

باشد از قانون مدنی (مواد ۹۴۰ و ۱۰۷۷) چنین بر می‌آید که در نکاح منقطع بر خلاف نکاح

دائم اصولاً توارث وجود ندارد ولی در این که آیا می‌توان در آن شرط توارث کرد یا نه قانون

ساکت است. ممکن است با توجه به ملاک ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی و اصل صحت نظریه سوم

در حقوق امروز پذیرفته شود. لیکن نظریه دوم یعنی بطلان شرط توارث اقوی به نظر می‌رسد و

در تایید آن می‌توان دلایل زیر را آورد:

۱- سکوت قانون گذار در مقام بیان قرینه است بر این که نخواستہ است در این جا از نظر سوم پیروی کند. اگر قانون گذار می‌خواست شرط توارث را معتبر شمارد آن را صریحا ذکر می‌کرد چنان که در مورد شرط انفاق تصریح به صحت کرده است.

۲- شرط توارث به مقررات ارث که از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است لطمه می‌زند. به تعبیر دیگر قواعد راجع به تعیین ورثه و سهام آنان از قواعدی است که در راه مصلحت اجتماعی و منافع عمومی مقرر شده و افراد نمی‌توانند با قراردادهای خود آن‌ها را زیر پا بگذارند. قراردادی که غیر وارثی را وارث معرفی کند یا در سهام ورثه تغییر دهد بر خلاف قواعد آمره و نظم عمومی محسوب و از درجه‌ی اعتبار ساقط است. شرط توارث در مورد نکاح منقطع از این گونه قراردادهاست که نمی‌تواند معتبر باشد (بند ۳ ماده ۲۳۲)<sup>۱</sup> برخلاف شرط انفاق که مخالف هیچ یک از قواعد آمره و نظم عمومی نیست و در واقع یک قرارداد مالی است که تعهدی برای شوهر ایجاد می‌کند.<sup>۲</sup>

۹- ماده ۱۱۱۳: «در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد.»

۱۰- ماده ۱۱۲۰: «عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می‌شود.»

۱۱- ماده ۱۱۳۹: «طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه به انقضاء مدت یا بذل آن از طرف شوهر از زوجیت خارج می‌شود.»

۱۲- ماده ۱۰۴۸: «جمع بین دو خواهر ممنوع است اگرچه به عقد منقطع باشد.»

<sup>۱</sup> - ماده ۲۳۲: شرط مفصله ذیل باطل است ولی مفسد عقد نیست: ۱- شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد. ۲- شرطی که در آن نفع و فایده نباشد. ۳- شرطی که نامشروع باشد.

<sup>۲</sup> - سیدحسین، صفایی، و اسداله، امامی، همان کتاب، ص ۲۰.

۱۳- ماده ۱۱۵۲: «عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است مگر این که زن به اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت چهل و پنج روز است.»

۱۴- ماده ۱۱۵۳: «عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.»

۱۵- ماده ۱۱۵۴: «عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است مگر این که زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر این که فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد و الا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود.»

## ۲- مشکلات قانونی ازدواج موقت

قانونگذار به منظور حفظ حقوق زوجین و تأمین امنیت اجتماعی و جلوگیری از اختلاف و دو دستگی، ثبت عقد نکاح - اعم از دائم و منقطع - را واجب نموده است. ماده ۱ قانون راجع به ازدواج، در این باره مقرر می‌دارد: «در نقاطی که وزارت عدلیه معین و اعلام می‌نماید هر ازدواج و طلاق و رجوع باید در یکی از دفاتری که مطابق نظام‌نامه‌های وزارت عدلیه تنظیم می‌شود واقع و به ثبت برسد. در نقاط مزبور هر مردی که در غیر از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مبادرت به ازدواج و طلاق و رجوع نماید به یک تا شش ماه حبس تادیبی محکوم می‌شود.» عبارت «هر ازدواج» عام بوده و شامل نکاح دائم و منقطع، هر دو می‌گردد. ماده ۱۴ نظام‌نامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق می‌گوید:

در دفتر ثبت نکاح و طلاق باید نکات ذیل قید شود:

الف) برای عقد مزاجت: ۱- شماره و تاریخ ثبت با تمام حروف. ۲- تاریخ وقوع عقد ...  
۳- اسم زوج و زوجه ... ۴- نکاح دائم است یا منقطع و در صورت انقطاع مدت آن چقدر است؟  
۵- مهر ۶- سایر شرایط ضمن عقد نکاح و یا ضمن عقد لازم دیگر که بین زوجین مقرر شده  
است. ۷- امضاء شخص مذکور.<sup>۱</sup>

اخیراً قانون عدم ثبت ازدواج موقت در مجلس مورد تصویب قرار گرفت. براساس این قانون نمایندگان مجلس با پیشنهاد الزامی شدن ثبت نکاح موقت در جریان بررسی لایحه حمایت از خانواده، مخالفت کردند یعنی از این به بعد افرادی که ازدواج موقت می‌نمایند نیازی به ثبت آن ندارند و صرف اقرار طرفین برای ازدواج موقت کافی است. تصویب این قانون از سوی مجلس شورای اسلامی همراه با نکات و ابهاماتی بوده است که ضروری است بدان‌ها پرداخته شود. همچنین تصویب چنین قانونی از بعد اجتماعی پیامدهایی دارد که غفلت از آن‌ها برای جامعه ایران پذیرفتنی نیست. در ارتباط با این امر ذکر نکاتی در تنویر افکار عمومی مؤثر خواهد بود.

نکته اول: به تبعات تصویب این قانون از نقطه نظر جامعه‌شناسی-روان‌شناسی مربوط می‌شود. از آن جایی که بر اساس اصول روان‌شناسی اجتماعی هرگونه تلاشی در راستای تضعیف روحیه زنان از انواع خشونت‌های روانی علیه زنان محسوب می‌شود، بنابراین تصویب این قانون به منزله تصویب قانونی در راستای خشونت علیه زنان است. تصویب این قانون در واقع زنان را در موضع ضعف قرار می‌دهد چرا که ازدواج موقتی که نیازی به ثبت و اجازه همسر اول ندارد طبعاً هیچ گونه حقی را برای اعتراض او باقی نمی‌گذارد و چنین فردی آیا می‌تواند با فراغ بال فرزندی سالم تربیت نموده و تحویل جامعه دهد؟ بنابراین تصویب قوانینی از این دست جز این که از منظر بین‌المللی دستاویزی برای زیر سوال رفتن مبانی حقوق بشر در ایران شود، دستاورد دیگری در پی ندارد.

<sup>۱</sup> - محمد، ولوجردی، همان کتاب، ص ۱۷۷.

نکته دوم: این که تصویب این قانون به منزله راهکاری برای رسمی نمودن فساد در کشور است و باعث افزایش جنایت در جامعه می‌شود. زیرا؛ راهکارهای قانونی اجرای این قانون فراهم نیست. اما؛ تصویب این قانون زمینه‌های افزایش فساد را زیاد می‌کند و افرادی که هیچ اطلاعی از شرع مقدس اسلام ندارند ممکن است روزانه چندین بار به اقرار خود و با افراد مختلف ازدواج موقت بکنند و قانون نیز نتواند راهکاری برای مقابله با آن داشته باشد بنابراین تصویب این قانون به رسمی شدن فساد اخلاقی کمک می‌کند.

نکته سوم: این که تصویب این قانون می‌تواند خانواده ایرانی را با بحران مواجه نموده و باعث فروپاشی خانواده‌های زیادی شود چون از منظر جامعه شناسی در ایران زنان حداقل به اندازه مردان غیرتی هستند و موارد شوهر کشی که در اثر خیانت مردان در جامعه به صورت روزانه مشاهده می‌شود این امر را به روشنی نشان می‌دهد، بنابراین در صورتی که این امر حالت رسمی به خود بگیرد خانواده‌های زیادی با مشکل و بحران مواجه خواهند شد.

به طور کلی با توجه به موارد فوق باید متذکر شد؛ بطور کلی عدم ثبت ازدواج موقت، ترویج خشونت علیه زنان را در پی دارد. بنابراین ضروری است مسئولین ذی‌ربط نسبت به پیامدهای تصویب چنین قوانینی توجه کامل داشته باشند و از تصویب قوانینی که موجودیت نهاد مقدس خانواده را به خطر می‌اندازد پیشگیری نمایند، البته با توجه به شناختی که از شورای محترم نگهبان وجود دارد می‌توان با اطمینان خاطر اعلام نمود که این قانون از زیر خط‌کش این شورا موفق به عبور نشده و به قانون رسمی کشور تبدیل نخواهد شد.<sup>۱</sup>

ازدواج موقت باید در شرایطی جا بیفتد که اثرات منفی نداشته باشد. چند وقت پیش از سوی بعضی آقایان در نماز جمعه مطرح شد که ازدواج موقت جوانان ثبت نشود، اما جامعه به این پیشنهاد روی خوش نشان نداد و سنت‌های دیرین فرهنگی و دینی ما نمی‌گذارد به حرمت

<sup>۱</sup> - اکبر، طالب پور، «مقاله: پیامدهای عدم ثبت ازدواج موقت»، نشریه نمایه، بی تا.

زن خدشه وارد شود و با این وضعیت سرنوشت نسل و خانواده به خطر بیفتد. ازدواج موقت افتخار بزرگ فرهنگی کشور است. باید با تکیه بر تحقیقات و شواهد آماری صحیح بنشینیم و آن را ساماندهی کنیم اگر وقوع آن را لازم دانستیم با شرایطی که اسلام اجازه می‌دهد ثبت رسمی و شرعی داشته باشد تا همه بتوانند ازدواج موقت کنند.<sup>۱</sup>

اگر ازدواج موقت از راه قانونی در دفاتر، با مهریه مشخص، مثبت بودن آزمایش خون و تعهدات طرفین ثبت شود، هیچ مورد ابتذال و گسترش بیماری‌های عفونی و نگاه منفی پیرامون افراد به وجود نمی‌آید. در حال حاضر حتی فرزندان که محصول ازدواج‌های دائم هستند در صورت نبود نظارت والدین به بزهکاری روی می‌آورند چه رسد به فرزندان حاصله از ازدواج‌های موقت! این دسته از فرزندان اگرچه در صورت ثبت شدن از سوی قانون به عنوان کفالت وارث از پدر حمایت می‌شوند ولی به راحتی از سوی اقوام و مردم پذیرفته نمی‌شوند.

سیدعبدالعلی روضانی سردفتر ثبت ازدواج و طلاق ضمن اشاره به این که به دلیل مشکلات ثبت ازدواج‌های موقت مانند: تعیین مهریه یا منصرف شدن یکی از طرفین، اغلب دفترداران اقدام به ثبت این ازدواج‌ها نمی‌کنند، تصریح کرد:

«چون این ازدواج‌ها باید در دفاتر و شناسنامه ثبت شود، متقاضیان به افراد دیگری مراجعه می‌کنند. در این روش تنها بر روی یک برگه، عکس طرفین چسبانده و مدت زمان صیغه قید می‌شود و این برگه‌ها تاکنون از سوی دستگاه قضایی و انتظامی مورد سوالی قرار نگرفته است.»<sup>۲</sup>

همچنین دکتر احمد علی کریمی سردفتر ثبت ازدواج ۷۹ در همین خصوص گفت:

«دفاتر علاوه بر ثبت ازدواج موظف به دریافت آزمایش خون نیز هستند. تولد فرزند در این نوع ازدواج‌ها و دیگر پیامدهای آن باعث شده که سردفتران اقدام به ثبت ازدواج موقت نکنند. این

<sup>۱</sup> - فاطمه، راکعی، «مقاله: ازدواج موقت باید قانون مند شود»، نشریه سیاست روز، ۱۳۸۰.

<sup>۲</sup> - لیلا، جهان بخش، «مقاله: ازدواج موقت باید با پدیده‌ها و نبایدها»، نشریه صدای عدالت، ۱۳۸۱.



روش به راحتی می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد و به ویژه برای زنان بسیار خطرناک است، زیرا در صورت باردار شدن یا دریافت وپروس‌های خطرناک نمی‌توان اقدام قانونی کرد. از سوی دیگر این امکان وجود دارد که یک زن در عین حال صیغه چند نفر شده باشد، اما؛ برگه‌های ثبت متعه نتواند این موضوع را نشان دهد.»<sup>۱</sup>

برابر مقررات جاری، عقد منقطع و انحلال آن لزومی به ثبت رسمی ندارد و حال آن که برابر ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی، در صورت عدم ثبت عقد دائم و طلاق و رجوع، زوج مجازات می‌شود.

در پایان که سه مسئله عمده از مشکلات اجرایی، اجتماعی و حقوقی نکاح منقطع را که جا دارد اندیشمندان فقه و حقوق با استفاده از منابع فقهی (به ویژه عقل و روایات) تدابیر کاربردی برای حل آن‌ها بیندیشند، متذکر می‌شویم:

۱- موضوع فرزندان و امکان قانونی نفی ولد برای زوج و تبعات اجتماعی آن و تسری یا عدم تسری قاعده فراش در عقد منقطع.

۲- عسر و حرج زوجه و امکان یا عدم امکان اجبار زوج به بذل مدت در مواردی که عقد به طور مطلق (بدون شرط) باشد.

۳- مشکل استیذان برای ثبت رسمی عقد منقطع و تدابیری در جهت تسهیل و تشویق و ترغیب به ثبت رسمی و رفع موانع از آن.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - همان.

<sup>۲</sup> - حسن، وثیق زاده، «همان مقاله»، ص ۴.

## نتیجه گیری

با توجه به مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی و اجتماعی موجود در جامعه که در راه تشکیل خانواده و انجام ازدواج دائم، نباید تحت تأثیر تبلیغات نادرست، نکاح منقطع را محکوم کرد و یا آن را به عنوان نهادی شرم آور تلقی نمود، بلکه باید از طریق یک مطالعه دقیق میان آثار شوم بی بند باری‌های جنسی و اخلاقی در جهان کنونی و آثار اجتماعی این گونه ازدواج‌ها که مبتنی بر سنت توصیه شده اسلامی است، برای افرادی که قادر به ازدواج دائم نیستند، مورد ارزیابی و بررسی عمیق قرار گیرد. بنابراین، ازدواج موقت به عنوان قالب تعدیل و محدود کننده برای تنظیم روابط آزاد زن و مرد به توصیه و تشخیص شرع اسلام و قانون می‌باشد. این گونه است که به استناد آیه قرآنی، نکاح منقطع با توجه به مصالح اجتماعی و ضرورت‌های امروزی، غیرقابل اجتناب و به لحاظ شرعی و اسلامی، روا می‌باشد و در حقوق اسلام نیز، دلیلی بر منع نکاح موقت وجود ندارد، مگر پس از وفات پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) که آن هم نمی‌تواند دلیل مشروع باشد.

مطالعه اجمالی به عمل آمده، حاکی از فقدان یک چارچوب اصولی و متعارف اساسی و شرعی در جهت حل مشکلات ارتباطی بین پسران و دختران و در مجموع مردان و زنان در جامعه بوده و به عنوان یک حکم شرعی و ضرورت اجتماعی، لزوم تعیین و ایجاد بستری مناسب جهت تنظیم مؤثر روابط بین آن‌ها را محتوم و ضروری می‌سازد. ناگفته پیداست که یا باید شاهد وضعیت تأسف بار حاکم بر نوجوانان و جوانان پسر و دخترمان بوده و بر انزوای تدریجی شکنندگی روزافزون اصالت پایدار و هویت استوار آن‌ها چشم بی‌عنایتی دوخت و یا آن که به

راهکاری بهینه و مناسب در این ارتباط، جست. در جامعه‌ای به مانند ایران که به دلایل گوناگون، فاصله زیادی میان آغاز بلوغ و نقطه فوران غرایز جنسی و تشکیل خانواده وجود دارد، رابطه بین دختر و پسر را نمی‌توان با وعده و وعید و توصیه و موعظه، از بین برد. بر این اساس، متعه به عنوان یک مکانیسم محلل روابط مزبور، با توجه به ویژگی‌ها و امتیازات خاص حاکم بر آن، امری قابل تعمق می‌باشد و باید با عنایت به نظام ارزشی، عرفی، فرهنگی و اجتماعی امروزین، در قالب تعریفی روزآمد و تبیینی به هنگام ارائه گشته و ضرورت‌های اجتماعی جامعه را به چالش فرا خواند. علل اصلی رویگردانی از این ازدواج، سوء استفاده‌گی مردان می‌باشد که مشکل ضعف قانونی نیز بر این افزوده است.

بنابراین؛ با همکاری دولت و مجلس برای ایجاد قانونی محکم و متناسب با سازوکارهای ازدواج موقت این مشکلات رفع گردد. از سوی دیگر، با تبلیغات رسانه‌ای سالم نیز می‌توان از رویگردانی نسبت به این نوع ازدواج کاست. تا افراد سوء استفاده‌گر دندان طمع خود را بکشند و راهی برای سوء استفاده برای آنان باقی نماند.

## منابع

\* قرآن کریم.

- ۱- ابراهیم آوازه (رضوی)، محمد، قانون قوه باه/ آداب زناشویی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات سلسله، اردیبهشت ۱۳۸۲.
- ۲- امامی، اسدالله و حسین صفایی، حقوق خانواده، جلد اول، چاپ چهارم، موسسه انتشارات مرداد ۱۳۷۴.
- ۳- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین تحریر الوسیله، جلد ۳، مسائل خانواده، موسسه انجام کتاب، تابستان ۱۳۶۱.
- ۴- جعفر پیشه فرد، مصطفی، «مقاله: ازدواج موقت واقعیت‌ها و راهکارها»، مجله پیام زن، خرداد ۱۳۸۶.
- ۵- جهان بخش، لیلا، «مقاله: ازدواج موقت بایدها و نبایدها»، نشریه صدای عدالت، ۱۳۸۱.
- ۶- حاجی پروانه، محمدمهدی، «مقاله: فرق ازدواج موقت با زنا»، بی جا، بی تا.
- ۷- حاجتی اشرفی، غلامرضا، مجموعه قوانین اساسی - مدنی، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، اول ۱۳۷۱.
- ۸- حسینی، مجتبی، احکام ازدواج، جلد ۲۱، انتشارات دفتر نشر معارف، دوم پاییز ۱۳۸۵.
- ۹- راکعی، فاطمه، «مقاله: ازدواج موقت باید قانون مند شود»، نشریه سیاست روز، ۱۳۸۰.
- ۱۰- رضوی، مرتضی، جامعه شناسی متعه، حلقات (۳)، انتشارات مؤلف، ۱۳۸۶.

- ۱۱- زمانی درمزاری، محمدرضا، «مقاله: ازدواج موقت از منظر قانون و از نگاه عموم»، موسسه حقوقی عدل، ۱۳۹۲.
- ۱۲- سبحانی، جعفر، «مقاله: ازدواج موقت در کتاب و سنت» فقه اهل بیت، شماره ۴۸، ۱۳۸۵.
- ۱۳- سجاد، محمدحسین، نگرشی نو بر ازدواج موقت، چاپ اول، انتشارات مولف، اول، ۱۳۷۵.
- ۱۴- صادقی فسایی، سهیلا، «مقاله: طرفداران ازدواج موقت، مردان متأهل هستند نه پسران جوان»، بی جا، ۱۳۸۹.
- ۱۵- صبری، نورمحمد، «مقاله: ازدواج چرا و چگونه؟»، نشریه دادگستری، شماره ۱۷، بی تا.
- ۱۶- طالب پور، اکبر، «مقاله: پیامدهای عدم ثبت ازدواج موقت»، نشریه نمایه، بی تا.
- ۱۷- طاهر منش، زینب، «مقاله: بررسی حقوقی-اجتماعی ازدواج موقت»، اصلاح و تربیت، دوره ۲، شماره ۱۸، ۱۳۸۲.
- ۱۸- عسگری، مرتضی، ازدواج موقت در اسلام، چاپ اول، انتشارات مجمع علمی اسلامی، اول ۱۳۷۷.
- ۱۹- فیض، علی رضا و علی مهذب، ترجمه کتاب لمعه، جلد دوم، چاپ پنجم، موسسه انتشارات، آبان ۱۳۷۳.
- ۲۰- کاظمی خلخالی، زین العابدین، زناشویی راز خوشبختی، چاپ شانزدهم، انتشارات تهران: محمد، ۱۳۸۹.
- ۲۱- کریمی، شیوا، «مقاله: جایگاه نکاح منقطع در فقه شیعه و امکان و موانع ترویج آن در جامعه ایرانی»، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۷.
- ۲۲- محقق داماد، مصطفی، تحلیل فقهی خانواده، نشر علوم اسلامی، پاییز ۱۳۷۶.

- ۲۳- مدیرشانه چی، کاظم، آیات الاحکام، چاپ هفتم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تابستان ۱۳۷۹.
- ۲۴- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ ۵۱، انتشارات صدرا، خرداد ۱۳۸۸.
- ۲۵- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، جلد ۳ و ۲۵، چاپ سی و یکم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.
- ۲۶- موسوی خوئی، حجت، احکام ازدواج دائم و موقت، انتشارات دارالنور، اول زمستان ۱۳۸۵.
- ۲۷- وثیق زاده انصاری، حسن، «مقاله: جایگاه قانونی ازدواج موقت در نظام حقوقی ایران»، دادرسی دوره ۵، شماره ۲۷، سال ۱۳۸۰.
- ۲۸- ولوجردی، محمد، ازدواج موقت «نکاح متعه»، چاپ اول، ستاد منطقه ۲ کشوری، سازمان تبلیغات اسلامی، اول، تابستان ۱۳۷۱.
- ۲۹- الحر العاملی، محمدبن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه، جلد ۲۱، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، ۱۳۷۴.